

# خمینی زاده‌اش سیاست جدید

## شیطان بزرگ در ایران

۲۳ ص

## مطبوعات آمریکا و جنگ

۲۹ ص

## تضادهای درونی رژیم عراق

۶ ص

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# لاه مجاهد

در راه خدا قبرش را در جفا بسترش را در شربت و سخنش را  
نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران

سال پنجم - شماره ۳۸ - بهار ۱۰۰۰ ریال  
مهر و آبان ۱۳۶۵

اِنَّ لَمْ يَكُنْ لَكَ دِيْنٌ  
وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُوْنَ الْمَعَادَ  
فَكُوْنُوْا اَحْرَارًا فِىْ دِيْنِكُمْ  
اگر دینی ندارید و از معاد خونی ندارید  
لااقل در دنیا مان آزاد باشید امام حسین ع

## اسلام در خطر است

۲ ص

## دست‌های مرموز

و ساده اندیشی‌های موجود

۴ ص



خبرنامه

استراتژیک

- ۹ ص خط امام در کلام آیت‌الله منتظری
- ۹ ص - با بدجوها ی کاذب را بشکنید و از جوسازی نهراسید
- ۹ ص - خط دهنده با شیدولی بر اساس خدا قرآن خمینی ص ۹
- ۹ ص - با اخلاق اسلامی مردم را جذب کنید
- ۹ ص - در راه بی از صدام رجوی در مقابل خداتوبه کنید ص ۹
- ۱۰ ص \* اخبار رایدتولوژیک و ولایت فقیه
- ۱۰ ص \* استراتژی فراگیر و تشکیلات منسجم
- ۱۰ ص - رشد سیاسی فکری مردم و روحانیت
- ۱۰ ص \* اخبار جنگ اسلام و کفر
- نقش دستهای مرموز در دامن زدن به اختلافات سپاه و ارتش جمهوری اسلامی ایران
- ۱۲ ص - مقاومت رزمندگان و شکست نیروی هوایی صدام
- ۱۲ ص - عملیات محدود و دوشیوه کا در سازی
- ۲۱ ص - رجوی و جهل لعماله‌ها یا ن جنگ
- ۲۱ ص \* جنگ و نفت
- ۲۱ ص \* جنگ و ایدئولوژی
- ۲۱ ص \* اخبار داخلی
- ۲۲ ص - دست مرموز در ترور دکتر فاطمی که بود؟
- ۲۲ ص - دستهای مرموز و همسویی با رجوی
- ۲۳ ص - نظرات رجوی در مورد آیت‌الله منتظری و ...
- ۲۴ ص \* اخبار داخلی اجتماعی
- ۲۴ ص - شکنجه به منظور اعتراف و تعزیرات اسلامی
- ۲۴ ص - از فساد در خط مشی تا فساد اخلاقی
- ۲۵ ص - شریعتی در خشتی در تاریخ انقلاب و تاریخ اسلام بود
- ۲۵ ص - دکتر مصدق: "آزادی، استقلال و نفت"
- ۲۵ ص \* اخبار لبنان و فلسطین
- ۲۶ ص - لبنان قهرمان و دستهای مرموز
- ۲۶ ص - شیعه عدل طلب و دستهای مرموز در لبنان
- ۲۶ ص \* معرفی دو کتاب:
- ۳۱ ص - خاطرات و تالعات مصدق
- ۳۱ ص - افول یک مبارز

## استراتژی آمریکا استراتژی یاس در انقلاب عراق

۳ ص

## نهضت حسینی و انقلاب اسلامی

۳۱ ص

## دکتر مصدق

نهضت مقدس مردم ایران و  
توطئه‌های استعمار

۸ ص



## یادی از

## شهید مسعود مافی

۷ ص

## استراتژی واقعه‌ای، مکتبی

## استراتژی صوری، عوام پسند

۳۰ ص

## در سه‌پایه‌ی آزادی‌نگی

## شهید فاطمی

۵ ص

## ویژه‌نامه

# فقه امام خمینی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

"امام در همه جا خط مشی دارد. سخنان اما مراجع کنند و بنویسند و بیامه‌ایش. من فکر میکنم به قدر سه دوره "جواهر" بشود با پیامهایش. آن رساله است ولی فرقی نمیکند با "جواهر". منتهی "جواهر" در یک ایام دو سببی که دیروز هم بوده و اما در ایام دیگر سلسله مسائلی که دیروز هم بوده، امروز هم هست، یعنی جواهر است، یعنی سخنان امام را هم بعنوان یک کتاب فقهی بعنوان یک تنظیم کننده حکومت، مورد بحث قرار بدهیم."

(آیت‌الله مازنی)

بنا بر شدت نیاز به فقه سیاسی - حکومتی در شرایط فعلی، بر آن قدیم تا در سه مقاله این شماره طی ۲۰ مقاله تحت عنوان زیر - برداشته‌های خود را از صحبت‌های امام مینویسیم. هر کجا ما زاین مقالات می‌توانند مقاله مستقلی بوده و شرح و تفسیر بیشتری داشته‌باشد که فعلا بطور اجمال می‌آوریم:

- انگیزه و هدف - بررسی دیدگاه‌های موجود نسبت به ایدئولوژی امام
- ۱۳ ص - انبیاء و ائمه هدی دانشا در مجامع و مبارزه بودند
- ۱۴ ص - نه صلح تحمیلی، نه حکمیت و نه حکم تحمیلی
- ۱۷ ص - علل ادامه بی وقفه جنگ
- ۱۶ ص - اخلاص در خط مشی جنگی و عملیات بی‌امان
- ۱۴ ص - خدمتگزار اسلام با شیم‌نه‌ها دگرا و گروه‌گرا
- ۱۵ ص - تکیه کردن بر نفی و سلاح موجب شکست میشود
- ۱۴ ص - از انزوای اصولی نهراسیم
- ۱۴ ص - اضطراب و وحشت و رکود امیربالیسم
- ۱۵ ص - عقل و شرع حسینی و عقل و شرع غیر حسینی
- ۱۷ ص - قرآن راهنمای عمل و سیاست و اقتصاد ...
- ۱۸ ص - علی (ع) بود که غدیر را ایجاد کرد
- ۱۷ ص - ولایت بالاترا احکام است
- ۱۷ ص - جدایی سیاست از دین
- ۱۷ ص - حفظ اسلام از حفظ احکام اسلام بالاتر و حفظ نظام جمهوری اسلامی فریضه است.
- ۱۵ ص - نجات انسانها و احکام
- ۱۷ ص - فقه امام و فقه چهارده معصوم
- ۱۷ ص - حل اصولی تضاد شیعه و سنی
- ۱۸ ص - حریت و بی‌بزاری از ظالمان
- ۱۷ ص - عرفان و عبادت فردی

بعثت کمبود کلغذ از خوانندگان محترم تقاضا میشود، پس از مطالعه نشریه راه مجاهد، اگر آن را آتشین نمی‌کنید، به دیگران بدهید، در غیر این صورت جهت استفاده مجدد به صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۸۴۴ راه مجاهد ارسال فرمائید.





# حفظ نظام اسلامی

که اگر حضرت مسلم به توصیه هانی این زیاد را ترور می کرد شاید واقعه کربلا اصلاً پیش نمی آمد و امام حسین (ع) شهید نمی شدند ولی اودید این شیوه درستی نیست و انجام نداد و یاد در صحبتی در مجلس خیرگان در مورد بحث شکنجه به منظره و اعتراف گفتند که به هیچ وجه نباید شکنجه کنیم و اگر مدتها گناهکاران را زندان آزاد شوند بهتر است که یک بیگناه در زندان باشد.

## ب- مبنای مکتبی جریان اول:

در تاریخ اسلام نمونه‌های فراوانی داریم که در مقاطعی اسلام در خطر بوده، جان ائمه علیهم السلام در خطر بوده ولی آنها هیچ گاه اصول و ارزش‌ها را زیر پا نگذاشته اند و دست به شیوه‌های غیر اصولی نزده اند. در صبح عاشورا هنگامی که شمشیر با سپاهش امام حسین (ع) را محاصره می‌کنند زهیر بن قین به حضرت پیشنهاد می‌کند: حالا که شمر در تبریس است اجازه بدهید و ما را با تبریز نسیم. ولی امام (ع) این پیشنهاد را قبول نمی‌کنند و می‌گویند: نمی‌خواهم من شروع کننده باشم. با نمونه برخورد حضرت علی (ع) با این ملجم، ایشان در مورد مجازات این ملجم به امام حسن (ع) توصیه فرمودند که در مقابل یک ضربت، یک ضربت بزنند. حتی اگر به آن ضربت هم نمیرد، حضرت علی (ع) با امام حسن دست به شکنجه این ملجم نزدند تا اسم فرقا و محرکین قتل را اعتراف کند. امام علی (ع) با علم به اینکه این ملجم قاتل ایشان است، او را برای نماز بیدار کردند. اگر حفظ نظام به هر شیوه‌ای امکان داشته باشد حضرت علی هم نمی‌بایست قاتل خود را بیدار نماید و حاضر نشدند و ارا قبل از ارتکاب جرمی دستگیر و بازجویی کنند و قصاص قبیل از جنایت نکردند. اگر حضرت علی (ع) آن روز ترور نمی شدند، نظام اسلامی هم به ظاهر حفظ می‌شد.

نمونه دیگر برخورد امام حسن (ع) با زینب، امام حسین (ع) بعد از مسموم شدن برادرش حضرت می‌آیند و می‌گویند: گویند بگویند چه کسی شمارا مسموم کرده تا مجازاتش کنیم. امام حسن (ع) می‌گویند اگر حدسی که می‌زنم درست باشد که خدا بهتر از من می‌تواند مجازاتش کند و اگر اشتباه باشد نمی‌خواهم مورد غضب خدا واقع شوم.

ج - در قرآن کریم در سوره نساء آیه ۱۴۱ می‌فرماید: **وَلَنْ نَجْعَلَ لَلْكَاثِرِينَ عَذَابًا** الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا. خداوند هیچ راه پیروزی بر مومنین را برای کافران قرار نداده است به نظر میرسد منظور از آیه این است که در جریان حق و مومنین، شیوه‌های کافران نفوذ و روسوخی نمی‌توانند داشته باشد و کافران در بین مومنین واقعی پایگاهی ندارند چون مومنین واقعی شیوه‌های غیر اصولی بکار نمی‌برند. به این اعتبار راه نفوذی برای کافران و حاکمیت آنها بوجود نمی‌آید. بعنوان مثال یکی از شیوه‌های نفوذ غرب در کشورهای انقلابی این است که اول تکنولوژی و شیوه‌های صنعتی خودش

بازها دیده ایم که امام خمینی و آیت‌الله منتظری روی حفظ ارزش‌های انقلاب و بکارگیری شیوه‌های اسلامی تأکید داشته و دارند. بعنوان مثال در مورد اداره زندانها و نحوه برخورد با متهمین و نحوه برخورد با مردم و شیوه‌های جنگی و... رهنمودهای اسلامی داده‌اند. علیرغم این تأکیدات مکرر و تفکری در برخی مجریان امور هست که مانع اجرای رهنمودهای امام خمینی و آیت‌الله منتظری میشود و استفاده از شیوه‌های غیر اسلامی را توجیه مینمایند مثلاً دیده شده که خیلی‌ها که مخالف با بکار بردن شیوه‌های غیر اسلامی منجمله اسیر کشی در جبهه‌ها و شکنجه به منظور اعتراف در مورد متهمین و مارک و تهمة هستند، با این تفکر به این شیوه‌های غیر اسلامی تن میدهند. اینها می‌گویند در شرایطی که بمب‌گذارها زیاد است و شخصیت‌ها ترور میشوند، میتوانیم برای حفظ نظام متوسل به خونت بشویم و شکنجه به منظور اعتراف اشکالی ندارد بعضی روحانیون هم عنوان میکنند: در جایی که مصلحت اسلام باشد روش‌های غیر قانونی و غیر مکتبی هم جایز میشود. این جریان‌ها معتقدند که در شرایط فشار و اضطرار میتوان خلاف اصول عمل کرد و به این ترتیب نظام را که مسئله مهمی است، حفظ نمود.

بطور خلاصه دو جریان در رابطه با حفظ نظام موجود است. جریان اول معتقد است که حفظ نظام تنها با شیوه‌های اسلامی امکان پذیر است. و جریان دوم می‌گوید اگر در همه موارد خشک و اصولی برخورد کنیم نظام ساقط میشود. در بعضی جاها هم لازم است از شیوه‌های دیگر استفاده کنیم. این مقاله در جهت بررسی این دو نظریه سعی خواهد کرد

## ۱- جریان اول

### الف - حفظ ارزش‌ها:

آیت‌الله منتظری در چند صحبت قضیه حضرت مسلم را مطرح نمودند و گفتند مسئله حکومت برای ما اصل نیست آنچه مهم است حفظ ارزش‌های اسلامی است و اشاره کردند

را صادر می‌کند و بدنیاال تکنولوژی کارشناسان غربی به این کشورها روانه می‌شوند و کارشناسان به تدریج بر اقتصاد آن کشور مسلط می‌شوند. در خطبه ۱۳۰ نهج البلاغه حضرت علی (ع) به هنگام تبعید ابودریز به ریزه، بی‌شکوهی گفتند: ولوان السموات والارضین کانتا عبد رتقا ثم اتقیا لله لعل له لاله منجما مخرجا. و اگر آسمان ها و زمین ها بر بنده‌ای بسته شود و آن بنده تقوی کند خداوند راه خروجی برای او از آن شرایط می‌گذارد. امام (ع) به ابودریز توصیه می‌کنند که درست‌ترین شرایط هم نباید از راه اصولی عدول کرد. اگر چه ابودریز آن شرایط سخت ریزه‌جانش را هم از دست می‌داد به نظر حضرت نباید به روش غیر اصولی پناه می‌برد. کما اینکه در جمله بعد هم حضرت اشاره می‌کنند که اگر قدری از راه درست عدول کنی آنها هم بر تو سخت نخواهند گرفت.

## ۲- جریان دوم

جریان دوم می‌گوید به هر شیوه‌ای حتی شیوه‌های غیر اصولی باید نظام را حفظ کرد و چون این تفکر ریشه‌های تاریخی و آموزشی دارد ما به ذکر سوابق این جریان می‌پردازیم: در تفکر انجمن ضدهائیت این امر پذیرفته شده بود که برای حفظ و تثبیت انجمن از هر شیوه‌ای و مکانی استفاده کنیم. بعنوان مثال:

- الف - پست گرفتن در نظام سلطنتی را به این عنوان که انجمن قدرت گرفته و تثبیت شود، توجیه می‌کردند.
  - ب - به شیوه زندگی رفاهی و تجملی به بهانه اینکه عده‌ای را جذب کنیم، تن می‌دادند.
  - ج - شیوه‌های تشکیلاتی و برخورد را از شیوه‌های بهائیان اتخاذ می‌کردند و مبنای کارشان بر ضدیت بود و در روش‌ها از دشمن تبعیت می‌کردند اینک از روش‌های اسلامی، شیوه‌هایشان را در آورند
  - د - تمسک به روحانیت برای تثبیت انجمن
- انجمن گرچه در تفکر غرب زده و تجدید مآب هستند ولی برای تثبیت انجمن به روحانیت متوسل می‌شوند و معتقدند حفظ انجمن در گرو پشتیبانی روحانیت است ولی اگر جوع علیه روحانیت باشد از برای حفظ خودشان به پیوند با روحانیت الزامی ندارند (۱) و بطور خلاصه اعتقاد آنها این است که هر کاری که در جهت تثبیت انجمن باشد شرعی است و بایستی انجام گیرد قابل توجه است که قطب مقابل انجمن

یعنی حزب توده نیز معتقد است که برای رسیدن به هدف می‌توان از هر وسیله‌ای استفاده کرد. این تفکر که منشاء اش عاقبت طلبی است در بین نیروهای انقلاب هم نفوذ کرده است و اکنون برخی می‌گویند نظام ما نظام اسلام است و چون اسلام در خطر است بایستی به هر شیوه‌ای که شده اثرات نجات بدهیم. این نیروها با این منطق:

اولا: در مقابل شیوه‌های غیر اسلامی نمی‌توانند ایستادگی کنند.

ثانیا: در گام دوم خودشان هم به این شیوه‌ها آلوده می‌شوند.

ثالثا: در مرحله سوم بدام دستهای مرموز می‌افتند چون دستهای مرموز کما ملایبی مروا و ما هرانه شیوه‌های شیطانی را انجام میدهند مثلاً اگر مبارزه با بی‌حجابی به شیوه‌های غیر قانونی و غیر انسانی باشد دستهای مرموز که در اعمال این شیوه‌ها بی‌پروا ترند رهبری حرکت را بدست می‌گیرند یا اگر شکنجه به منظور اعتراف رویه ما گردد، ساواکیها در این زمینه‌ها از ما بخته تر و محرب تر هستند و ما را بدنیاال خودشان می‌کشند. به این ترتیب دستهای مرموز در نظام نفوذ می‌کنند و با اعمال شیوه‌های انحرافی مردم را ناراضی کرده و نظام را از مردم جدا می‌کنند. به این ترتیب مشروعیت اسلامی و انقلابی نظام خدشه دار شده و اعتماد مردم از نظام سلب می‌شود. چنین نظامی طبعاً ثبات و استحکام مردمی و پایدار نخواهد داشت.

حفظ نظام اسلامی امری مقدس است ولی با شیوه‌های غیر اصولی نه تنها نظام اسلامی حفظ نمی‌شود بلکه بیشتر در خطر قرار می‌گیرد. اگر نظام به شیوه‌های الهی و مکتبی وفادار بماند، انجام وثباتش هم حفظ می‌شود.

**حفظ نظام اسلامی امری مقدس است ولی با شیوه‌های غیر اصولی نه تنها نظام اسلام حفظ نمی‌شود بلکه بیشتر در خطر قرار می‌گیرد. اگر نظام به شیوه‌های الهی و مکتبی وفادار بماند، انجام وثباتش هم حفظ می‌شود.**

یکی از معتقدین جریان دوم چنین استدلال کرده است که اگر ما در زندانها شکنجه نکنیم مثال بهشتی‌ها ترور می‌شوند یا بدیه آنها گفت آبا حفظ جان حضرت علی (ع) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) ارزش نداشت که به خاطر آن دست به این شیوه‌ها بزنند؟ با امام حسین (ع) برای ۷۲ تن کربلا دلشان نمی‌سوخت پس چرا دست به ترور این زیاد نزنند؟ و چرا خود حضرت جلوی ترور شمر را گرفتند؟

### پاورقی (۱):

حدود پنجاه سال پیش یکی از مبلغین انجمن در یک سخنرانی به روحانیت حمله می‌کند، بدنیاال این امر یکی از مراجع قم دوتن از اینها را می‌خواهد. و با آنها صحبت می‌کند قضیه عمل فروتن را برای آنها می‌گوید که عمل فروتنی را اول پیش روحانی شهر می‌برد و ایشان بقیه در ص ۳۱

**هروقت دیدی چیزی بنظرت سخت می‌آید بین درکبای رابطات با خدا خلی وارد شده است شهید رجایی**



**ضرورت بحث :**

با گذشت ۶ سال از جنگ تحمیلی به نظر میرسد مهمترین و اصلی ترین مانع در ادامه اصولی جنگ، یاس مسئولین نسبت به "حرکت درون عراق" است که در صورت عدم برخورد فعال با آن، دیدگاه یاس به صورت استراتژی یاس "در آمده و بطور غزننده به خط مشی صلح و سازش تبدیل می گردد.

جریانی در بین مسئولین مطرح میکند که ما برای ادامه جنگ باید به نیروی خودمان تکیه کنیم و آمیدی به ملت عراق نیست. این مسئله حتی در خطبه های نماز جمعه و سایر تحلیلهای نیز ظاهر شده است. عده دیگری نیز مطرح میکنند که اگر حرکتی در درون عراق

نباشد، چه لزومی دارد که این همه شهید داد و جنگ را ادامه دهیم، بدون حرکت در عراق ادامه جنگ اشغالگری خواهد بود و نجات بخشی و رهایی بخشی. این جریان میگوید در عراق هیچ حرکتی دیده نمیشود. و اگر فتنه، مهران را گرفتیم، باز هم حرکتی نشد. در طی این ۶ سال جنگ نسبت به

با دیدگاه یاس نسبت به حرکت درون عراق ادامه جنگ را صرفاً "بدلیل قضا و متجاوز می توان تبیین کرد و تمام تحرکات و عملیات نظامی ما در راستای قضا خواهد بود و به عنوان یک مرحله از خط مشی آزادی قدس. در این مقاله سعی داریم با نشان دادن وجود حرکت در درون عراق و رشد پایگاههای انقلاب اسلامی به بررسی دیدگاه "استراتژی امید" و "استراتژی یاس" بپردازیم. باشد تا گامی در جهت جلوگیری از صلح و سازش غزننده و تشدید حرکت در درون عراق برداشته باشیم.

**الف - استراتژی امید و یاس و اسلام نمایی صدام**

شعار ابتدایی صدام این بوده جنگ با ایران جنگ بین عرب و عجم است و با طرح این شعار سعی داشت امت عربی و کشورهای عرب را علیه ایران بسیج نماید. ولی در سیر جنگ این شعار به شعار جنگ اسلام و کفر تبدیل شد. در این تبدیل صدام و حزب بعث نشان دادند که دیگر با معیار عربیت و ایدئولوژی بعثی نمیتوان جنگ را ادامه داد. برای توجیه و تفسیر جنگ همزمان با دیگر کشورهای عربی سعی داشتند که ایران را بعنوان کفر منطقه مطرح کنند. این حرکت بدین دلیل بود که در عمل ملاحظه کردند اسلام از پایگاههای قوی در بین توده های عرب منطقه برخوردار است

**مهمترین و اصلی ترین مانع در ادامه اصولی جنگ یاس مسئولین نسبت به "حرکت درون عراق" است که در صورت عدم برخورد فعال با آن، به صورت "استراتژی یاس" در خواهد آمد.**

از این رو با تشکیل کنفرانس اسلامی در بغداد و استفاده از آیات قرآن، امام خمینی را باغی طوه داده و منطقی ظاهراً "اسلامی برای ادامه جنگ علیه ایران ارائه کردند.

صدام برای کسب وجهه اسلامی در میان ملت عراق به شیوه های گوناگونی متوسل گردیده است. به عنوان مثال برای افکار به خانه روستائیان رفته، اسرارانه زیارت شهدای کربلا برده، عکس های فراوانی از وی در حال خواندن قرآن و زیارت اماکن متبرکه چاپ گردیده و با در ماه رمضان تمام مشروب فروشی ها و کافه ها را تعطیل نموده است.

دشمن امپریالیستی و بعد دشمن ایرانی طرح می شود. تبلیغات رادیوی عراق روی مسئله زدن نیروگاه اتمی عراق توسط اسرائیل و با تبلیغات در مورد خرید اسلحه از اسرائیل توسط ایران.

صدام در رابطه با شعار آزادی قدس گفته بود اگر ایران بخواهد، مارا در اختیار نیروهای ایرانی قرار میدهیم که

**استراتژی امید و استراتژی یاس در انقلاب عراق**

استراتژی یاس در برخورد با اسلام نمایی صدام مطرح میکنند که باید کشور مسلمان نمیتوان جنگید. بعضی از این عراقی ها نماز میخوانند و با هنگام مرگ شهادتین میگویند. دو پایفه مسلمان نباید با هم بجنگند. و با از طرف دیگر مطرح میشود که مقابل با تزویرهای صدام مشکل است.

استراتژی امید مطرح میکنند که اولاً "اسلام نمایی صدام ناشی از تبعیت باطل از حق است و ثانیاً " نشان دهنده شکست معیار رهسای ایدئولوژیک حزب بعث در ادامه جنگ میباشد. در این شکست، حزب بعث با آن همه سوابق ایدئولوژیک، بزرگترین امتیاز را به حرکت اسلام داده است. این شکست در نتیجه رشد پایگاههای انقلاب اسلامی در درون عراق و حزب بعث بوده و در واقع اسلام نمایی صدام، اعتراف بر رشد حرکت اسلامی در عراق میباشد.

صدام میدانده که اگر فساد و فحشا در عراق بیشتر شود، مراجعی چون آیت... خوبی در برابر حزب بعث موضع خواهند گرفت و عافیت طلبانی که با توجیه عدم حرکت و موضع گیری آیت... خوبی ساکت نشسته اند، ممکن است علیه صدام حرکت کنند. استراتژی امید میدانده که امپریالیسم با توجه به رشد بنیادگرایی اسلامی در کشور - های جهان، ناچار است خط اسلام نمایی را در هنگام ارتجاعی عرب تقویت کند. در این رابطه ملک حسن در توجیه ملاقات خود با شیمون پرز مطرح کرد این ملاقات به سرای جلوگیری از تفسیرهای بنیادگرایان اسلام از اسلام بود. علت اصلی اسلام نمایی صدام، رشد اسلام در عراق و ترس از انزوایست.

**ب - استراتژی امید و یاس و چپ نمایی صدام**

یکی از خطوط حزب بعث و شخص صدام در سیر جنگ تحمیلی این بوده است که شکل مترقی و ظاهراً انقلابی خود را حفظ نمایند. در این رابطه به عنوان مثال موارد زیر را میتوان ذکر کرد.

- امکان رفت و آمد فلسطینی های داخل کشور عراق، دادن اردوگاه برای زندگانی اتباع فلسطینی، پناه دادن به ابوعباس، محکوم کردن امریکا در ربودن هواپیماهای مصری، محکوم کردن حمله اسرائیل به مقر ساف در تونس و...

- نقل اخبار در دربار دبیو عراق که همیشه با اخبار دشمن صهیونیستی شروع شده و سپس

با اسرائیل مبارزه کنند. از جهت اقتصادی نیز همواره سعی شده که ظاهر و سرمایه داری و سوسیالیستی عراق حفظ شود. استراتژی یاس در برخورد با این خط مشی صدام مطرح میکنند که باید رژیم چپ نمایی توان جنگ کرد. مردم آگاهی لازم را ندارند و به دلیل پیچیده بودن صدام و یاس مردم عراق، در آن کشور حرکتی رخ نخواهد داد.

استراتژی امید می گوید علت اصلی چپ نمایی، رشد حرکت های انقلابی در مردم عراق است که صدام برای تثبیت حاکمیت خویش لزوماً به اینگونه تبلیغات دست میزند. در بین کشورهای ارتجاعی منطقه

و در طول مدت این چند سال فقط حکومت بعث به طرح اینگونه شعارهای چپ پرداخته است. این مسئله خود حاکی از نیازهای انقلابی مردم عراق است.

استراتژی امید در ارتباط با شکل ضد سرمایه داری حزب بعث معتقد است، شکست سوسیالیستی با ماهیت راست و ارتجاعی، شیوه ای است که امپریالیسم در رابطه با اسرائیل هم پیاده کرده است و صرفاً از موضع منحرف کردن افکار عمومی دنیا است. در کتاب نهضت امام خمینی نوشته حمید روحانی آمده است، وقتی حزب بعث روی کار می آید به امام میگویند نظر میرسد این کودتا از نوع چپ افراطی است ولی امام در جواب مطرح میکنند که این کودتا از نوع راست انگلیسی است. این دیدگاه به ظاهر انقلابی صدام توجه نکرده و از موضع انقلابی و در عمل صالح آزادی قدس به افشای شکل چپ نمایی آن میپردازد. در طی این ۶ سال جنگ مشاهده کرده ایم که چپ نمایی صدام

برای نیروهای فعال و انقلابی عراق فرو ریخته و چهره و ایسته و نزدیکی اش با مرتجعینی چون حسنی مبارک، ملک حسن و ملک حسین افشا گردیده است.

**ج - استراتژی امید و یاس و فاشیسم در عراق**

اوج گیری خشونت و گسترش جوامعیتی از دیگر مسائل قابل توجه در عراق است. در این رابطه به نمونه های زیر میتوان اشاره کرد.

- حزب بعث همه دهات و روستاها و عشایر و جاده های بین شهری را در کنترل دقیق دارد. حتی شهرها، کوچه به کوچه و خانه به خانه تحت نظر گرفته شده است. از شیوه هایی که در این رابطه دارند، تلفن ناگهانی به خانه ها است که بدون اطلاع خاصی میگویند چرا به رادیو ایران گوش میدید و یا به همین شکل وارد خانه ها شده و موج رادیو را نگاه میکنند روی چه ایستگاهی است. با این شیوه ها در ذهن مردم عراق جوی ایجاد کرده اند که حزب بعث از همه چیز خبر دارد.

- شیوه اعدامهای دسته جمعی، شکنجه های سیستماتیک و با اعدامهایی که صرفاً به خاطر خواندن کتابهای مخالفین است و... به طرز فجیع و فراوانی در عراق دیده میشود.

استراتژی یاس در برخورد با این جو امنیتی مطرح میکنند هیچ جریان فعالی نمی تواند در داخل عراق زندگی کرده و یا صدام مبارزه کند و یکی از علت های عدم حرکت مردم عراق را نیز همین جو امنیتی میدانند.

استراتژی امید علت اصلی این اعمال را مقابله و ملت عراق، و عدم ثبات و نداشتن

**استراتژی یاس در برخورد با اسلام نمایی صدام مطرح می کنند که با یک کشور مسلمان نمیتوان جنگید.**

**استراتژی امید مطرح می کنند که اولاً "اسلام نمایی صدام ناشی از تبعیت باطل از حق است و ثانیاً " نشان دهنده شکست معیارهای ایدئولوژیک حزب بعث در ادامه جنگ می باشد.**

پایگاه توده ای حزب بعث میدانده و معتقد است که همه این فشارها ناشی از ترس و اضطراب از گسترش اسلام و موج بنیادگرایی در عراق است که این مسئله خود نشان دهنده وجود حرکت در عراق میباشد. و گرنه بدون حرکت چه لزومی دارد که رژیم عراق فشار روز افزون اینچنینی بر مردم عراق وارد کند. امام خمینی اخیراً "در پی می گفتند که علت همه اعمال صدام این است که او به خودش آمیدی ندارد. به نظر بسیاری از ناظران سیاسی غربی نیز علت حمله عراق به ایران این بوده است که گرایش به اسلام انقلابی در عراق گسترش یافته و صدام از بیم سقوط دست به حمله میزند. شیرین هانتر، یکی از تحلیلگران آمریکایی معتقد است که یکی از عوامل قیام خیز، وجود حکومت های دیکتاتور و فاشیستی در منطقه میباشد. با توجه به تحلیل فوق ملاحظه میشود که استراتژی یاس هنوز به دست آورده های تحلیلگران آمریکایی هم نرسیده است.



# دستی‌های مرموز وساده اندیشی‌های موجود

انگیزه نگارش:

همانطور که میدانیم یکی از اعمال صالح زمان ما، مبارزه با دست‌های مرموزی چون مروان این حکم‌هاست که سعی دارند به درون انقلاب خزیده و آنرا از درون بیوسانند و از این طریق به حاکمیت برسند.

آیت‌الله... منتظری در پیامی به مناسب ده فجر ۶۱، ریشه تمام توطئه‌های داخلی علیه انقلاب اسلامی را به دست‌های مرموز نسبت دادند. ولی این جمع بندی از سوی روحانیون و روشنفکران و مسئولین جمهوری اسلامی آنچنانکه میبایست دنبال نشد.

بمنظر میرسد علت این عدم پیگیری، در وجود دیدگاه‌های غلط و نارسا، نسبت به دست‌های مرموز باشد که به شرح آنها میپردازیم سپس انسجام برخورد با دست‌های مرموز را با استفاده از شیوه‌های رسول اکرم ص و واقعه اطهار و تاریخ سیاسی ایران توضیح میدهم.

دیدگاه‌های ساده اندیشانه درباره دست‌های مرموز یا ایادی امپریالیسم

دیدگاه اول - جنگ مسئله اصلی است نه دست‌های مرموز!

عده‌ای میگویند از آنجا که مسئله اصلی انقلاب، جنگ میباشد، اگر با دست‌های مرموز درگیر شویم و یا اسناد وابستگی آنها را برای مردم افشا کنیم مسائل شهر عمده شده و در جنگ ضربه خواهیم خورد، به همین دلیل مبارزه با دست‌های مرموز به بعد از پایان جنگ موکول میشود.

در این دیدگاه به توطئه همه جانبه دست‌های مرموز حتی در جنبه‌ها، توجه نشده است، حال آنکه دست‌های مرموز بطور نفوذی در جنگ نیز عمل میکنند و مبارزه با این نفوذیها و شیوه‌ها و متوطئه‌هایشان به پیشبرد عملیات کمک شایانی میکند، مثلاً شنیده شده که چند پیش‌بینی از افسران طرفدار بختیاری در ترکیه ترور شد. از کیف وی اسنادی بدست آمد که محتوی اسامی شبکه هواداران بختیاری بود که برخی از آنها در جنبه‌ها نیز بودند، مبارزه با این نفوذیها، کمک زیادی به توفیق عملیات والفجر (پیروزی فاو) نمود.

امید داریم به وجود این دست‌های مرموز در ارتش و سپاه و سایر نهادها، توجه بیشتری شود و هر جا اختلافی ایجاد شد بجای دامن زدن به اختلافات، بدنبال یافتن ریشه آنها که دست‌های مرموز تغرفه افکنند بپردازیم. بنظر ما، دست‌های مرموز خط "جنگ" را دارند که در جنگ نفوذ میکنند تا آتربا صلح و سازش خزانده بکشانند، لذا برای پیشبرد امر جنگ، باید با آنها مبارزه کرد که این مبارزه تنها در دل جنگ میسر است.

دیدگاه دوم - مقصداصلی، مجری است نه تئوریستین!

نیروهای انقلاب در مبارزه با بقایای ساواک قاطعیت برخوردار باشند که گران و اعضای تشکیلات ساواک را تا حدی داشتند، منتهی با طراحها و تئوریستهای ساواک برخورد قاطعی نشد زیرا عده‌ای، عامل اجرائی را دشمن میگردانند نه تئوریستین و فتوادهنده عمل را، حال آنکه عمل باطل، بدون تئوری و فتوای توجیه کننده نمیتواند دوام داشته باشد، رژیم سلطنتی نیز شایسته‌تکی برای این مغز متفکرها و تئوریستهای ساواک بود.

عده‌ای قایل را، بعلت آنکه مجری قتل قایل بود، خطرناکتر از خود شیطان میدانند که طراح و تئوریستین قتل بود در حالیکه قایل از بیت آدم بود و توبه کرد ولی شیطان تا روز قیامت توبه نمیکند. یا اینکه عده‌ای که مجری حمله به انقلاب اسلامی است خطرناکتر از شیطان بزرگ، که طراح حمله است قلمداد میشود و میخواهند به کمک سازمان ملل و آمریکا سازش را به ماتحتیل کنند.

باتوجه به این گیرنگری نیروهای انقلاب، افرادی چون احسان نراقی، منوچهری خود در ساواک را، بلاک بیگناهیان میگردانند از این طریق به درون انقلاب نفوذ میکنند در حالیکه حرکت وی در کشاندن روشنفکران به مبارزه فرهنگی، در جهت اهداف ساواک، و خنثی کردن

وی از طرف برادر محسن رضایی، مسئول حفاظت ویژه از بنی صدر بوده و از طرف رجوی، مسئول فرار بنی صدر رجوی به فرانسه. پس از فرار رجوی، مسئولین به وی مشکوک شده و دستگیرش می‌کنند ولی به دلیل عدم داشتن پرونده و مدارک مستند، وی را آزاد می‌کنند. این شخص سپس نامه‌ای به سپاه نوشته و از سپاه فرصت می‌خواهد تا با اصطلاح بی‌گناهی خویش را اثبات کند از این موضع در زندانها نفوذ کرده و از طرف رجوی و با شکست خط امامی و ضد رجوی، به شکنجه هواداران می‌پردازد تا هواداران را نسبت به خط امامی‌ها کینه‌دارتر کرده و انسجام تشکیلاتی رجوی را بالاتر ببرد این شخص در حال حاضر فرار کرده و همراه رجوی در خارج از کشور بسر میبرد. در شرایط فعلی نیز امید داریم به وجود عباس زری با فقه‌داری سپاه توجه شود.

حضرت آیت‌الله... منتظری اصولی‌ترین حرکت را در مبارزه با خود سانسوری کرده‌اند. شیوه‌هایشان این بود که از ریشه شروع کرده و بطور صبورانه، به مبارزه با خود سانسوری رسیدند بدینصورت که ۴ سال پیش، خطر دست‌های مرموز را مطرح کردند، سپس با عاملان شکنجه در زندانها درگیر شدند و جو زندانها را اسلامی کردند و در ادامه، مسئله آزادبهای سیاسی را مطرح نمودند زیرا ریشه سلب آزادیها، در شکنجه و ریشه شکنجه در توطئه دست‌های مرموزی چون عباس زری با فقه‌داری می‌باشد و طرح شعار آزادیهای بیان و... بدون درگیری با دست‌های مرموز پرداختن به شاخ و برگ‌ها و قافل شدن از ریشه توطئه‌هاست

اهداف مبارزه با دست‌های مرموز

- ۱ - از بین بردن ساده‌اندیشی نیروهای انقلاب نسبت به دست‌های مرموز.
- ۲ - معرفی روابط و توطئه‌های دست‌های مرموز.
- ۳ - مرز بندی شیوه‌های اسلامی از شیوه‌ها دست‌های مرموز.
- ۴ - شناسایی و معرفی ریشه و قطب‌بهای کاذب در انقلاب، و قطب‌بهای کاذب چون صدق - کاشانی، بخش خصوصی - بخش دولتی و... معرفی جوهر این دو قطب‌بها، موجب توجه هر دو قطب به سمت دشمن مشترک یعنی دست‌های مرموز که ایادی امپریالیسمند شده و بهترین وجهی از تشدید این دو قطب‌بها جلوگیری می‌کند.

شیوه برخورد رسول اکرم (ص) با دست‌های مرموز

شیوه برخورد پیامبر (ص) با دست‌های مرموز، فعال کردن آنها در عمل صالح زمان بود بدین طریق موجب تعالی آنها شده و در غیر اینصورت منزوی میشدند، مثلاً در برخورد با دست‌های مرموزی چون عبدالله بن ابی، وی را در جنگ احد فعال کرد، این شیوه پیامبر، موجب شد که عبدالله از نیمه راه برگشته و مقدری در بین مسلمین منزوی شود که حتی پسرش را از رسول اکرم تقاضای قتل وی را نماید.

در شرایط کنونی، شیوه برخورد های زید و مبارزه با دست‌های مرموز توصیه میشود:

- ۱) فعال کردن تمام نیروها در عمل صالح زمان، که خود باعث شناخته شدن نفوذ آنها خواهد بود.

بقیه در ص ۳۱

اولاً - اگر عده‌ای از مسئولین نسبت به دست‌های مرموز، ساده‌اندیشی دارند، این ساده‌اندیشی در خود این نیروها نیز وجود دارد و عمل صالح در حال این ساده‌اندیشیها از طریق معرفی چهره واقعی و شیوه‌های دست‌های مرموز و نشان دادن نقش آنها در توطئه‌ها میباشد.

در کار مبارزه با دست‌های مرموز این ساده‌اندیشیها حل شده و به نقش این دست‌ها، در توطئه‌هایی خواهیم برد. کوپیدن امام و مسئولین صادق نزدیک به ایشان، نتیجه‌ای جز تشدید اختلافات داخلی و سالم ماندن دست‌های مرموز نخواهد داشت و سالم ماندن این عده از روشنفکران، با ریسک عمیقتری به تاریخ سیاسی ایران توجه کنند که از درگیری کاشانی - صدق، امثال زاهدی استفاده خواهند کرد چنانکه از درگیری رستم و اسفندیار، شاه گشتاسب سود برد.

ثانیاً - اصلیتین دشمن کسی است که درجه نزدیکی به شیطان بزرگ، بیشتر باشد حال چه در حاکمیت باشد چه در خارج حاکمیت به عنوان خط دهنده و طراح.

ثالثاً - اگر مقصداصلی را، کسانی که حاکمیت ظاهری دارند بگیریم، در اینصورت حرکت‌های غیر اصولی‌ای را که در حکومت ملی صورت میگرفت، به مرحوم صدق نسبت میدهم و نقش عوامل توطئه‌گر و کودتاچی را نخواهیم دید برای روشن تر شدن نقش دست‌های مرموز، این نیروها را به مطالعه کتاب "تسه‌کودتا" که خلاصه آن در راه‌مجاهد شماره ۲۹ درج شده است توصیه می‌کنیم.

عده‌ای قایل را به علت آنکه مجری قتل قایل بود، خطرناکتر از خود شیطان میدانند که طراح و تئوریستین قتل بود در حالیکه قایل از بیت آدم بود و توبه کرد ولی شیطان تا روز قیامت توبه نمیکند.

دیدگاه چهارم - شعار آزادیها اصل است نه مبارزه با دست‌های مرموز!

عده‌ای از موضع مبارزه با خود سانسوری و آزادیهای فردی و اجتماعی بیشتر، با دست‌های مرموز درگیر نمیشوند، حال آنکه ریشه خود سانسوری، ترس از "شکنجه‌منظور" است. "عده‌ای" بوده و اصولی‌ترین حرکت برای کسب آزادی و مبارزه با خود سانسوری، محاکمه و مجازات، دست‌های مرموزی است که علیرغم قانون اساسی و نظرات امام و آیت‌الله... منتظری، فتوادهنده و مجریان اساسی شکنجه می‌باشند، برای روشن تر شدن نقش دست‌های مرموز در سلب آزادیها و رایج شدن عباد زری با فقه‌داری می‌کنیم.

عباس زری، با جزو دانشجویان خط امام، راه و در اشغال لانه جاسوسی شرکت داشت بتدریج جذب "جنبش ملی" شده و نفوذی رجوی در بین خط امامی‌ها میشود.

مبارزات قهرآمیز علیه رژیم بود. رژیم از دستاوردهای فرهنگی ایشان در جهت تحمیت مردم، کمک شایانی سپرد، عده‌ترین تن ایشان این بود که با چه مکانیزم تکنولوژی فرب را وارد کشور کنیم تا موجب خیزشهای انقلابی نشود و این مسئله، اساسی‌ترین مشکل رژیم بود. امید داریم نیروهای انقلاب، به خطر مغز متفکر، ای رژیم سلطنتی توجه بیشتری نمایند (منظورمان از توجه بیشتر، بازداشت یازندان نیست)

دیدگاه سوم - حاکمیت امام، حامی دست‌های مرموز است!

عده‌ای از روشنفکران معتقدند، چون دست‌های مرموز دارای مسئولیت‌های بالایی در نظام جمهوری اسلامی نیستند، بنابراین خطری از جانب آنها انقلاب را تهدید نمیکند بلکه خطر از جانب کسانی است که در صدر حکومت قرار داشته و به دست‌های مرموز میدان توطئه داده‌اند، این عده از چند مسئله غافلند



# گوشه‌های از زندگی شهید فاطمی

## فصل دوم



در جواب شاه هم که از ترس اینکه توده‌ای‌ها به مجلس بیایند با انتظارات آزاد مخالفت میکرد، گفته بود: مردم را وقتی آزاد گذاشتید خود مملکت خود را تشخیص میدهند و کاری بر خلاف مملکت نخواهند کرد.

میبینیم که امیرالیهیم‌سی در الفاظ این فکر در ذهن همه داشته که اگر دوبار برود، سلطنت برود، حزب توده حاکم خواهد شد. پس باید سلطنت را حفظ کرد و همچنین سرکوب نیروها به وسیله دوبار انجام عده و به پای دولت مصدق نوشته میشود به این وسیله اقتدار مسخلف مردم را نسبت به دولت بدبین و مایوس میکردند. در حال حاضر و از بدو شروع حرکت انقلاب ایران، این توطئه از جانب "دستهای مرموز" به اجرا در آمده. تا این حد که به نهضت اسلامی مارک کونیستی میزنند و با اینکه خود با ایجاد برخورد های غلط و فاشیستی و ناراضی تراشیدن، همه ناراضیها را منتصب به امام و دولت کرده و سعی در بدبین کردن مردم نسبت به آنها داشتند.

تجربه نهضت ملی به ما این درسها میدهد که باید ریشه اصلی ناراضیها را شناخت و دست او را از انقلاب کوتاه کرد و به دام تضادهای فرعی نیفتاد، باید دربار این زمان را که همان دستهای مرموز و خزنده و کودتاچی هستند، یافت و برخورد قاطع و بنیادی با آنها کرد.

در جستار اول مقاله قسمتها بی از مواضع شهید دکتر فاطمی را یادآوری کرده و سعی کردیم که از آنها برای حل مسائل امروز انقلاب درس بگیریم.

حاصل به ادامه این مواضع می برد ازیم باشد که گامی هر چند کوچک در جهت حل و بیان مسائل انقلاب برداشته باشیم.

۳- شناخت عمیق فاطمی از توطئه های امیرالیهیم

در زمان حکومت مردمی "مصدق" توطئه های بسیاری به اجرا در آمد که فاطمی با دقت آنها را درک کرده و یادداشت های بسیاری برای استفاده آیندگان از خود بجا گذاشت.

در دستنویسها بی که فاطمی بعد از کودتای آمریکا بی و در حال اختفا از خود بجا گذاشته میخوانیم:

"... اینک بیخی خود اندیشم که ممکن است اتفاقی روی دهد و این فرمتی که موجود است هر برود و نسبتی از حقایقی را که نه تنها جامعه امروزی بلکه نسلهای آینده نیز بدان کمال علاقه و دلچسپی را دارند برای همیشه مستور بماند ... (۱)

سپاه حزب توده یا دربار

یکی از توطئه های امیرالیهیم و پادشاهی در تمامی انقلابات این است که جریان انقلاب را از نیروی دیگری ترسانند و آن نیرو را آنقدر در اذهان بزرگ کند تا خود از یاد رفته و انقلاب بدون او را فراموش کنند. در زمان دولت مردمی مصدق هم همه جا، دربار و انگلیس دست به تبلیغ برای بزرگ نشان دادن حزب توده زدند. در یادداشت های دکتر فاطمی هم پس از شرح این مطلب که توطئه کودتا از شب ۲۵ مرداد شروع نشده، بلکه از آغاز روی کار آمدن دولت آغاز شده میبینید.

"... شاید اگر میزان دقت و کنجکاو و وسع تر کنیم، از چند ماه بعد از زمامداری دکتر مصدق، یک چنین نقشه ای (نقشه کودتا) بموازات تبلیغات ضد انگلیسی ها که در داخل و خارج شاه را از "حزب توده" می ترسانند، در شرح طرح و انجام بود."

در قسمت های دیگر از خاطرات خود توضیح میدهد که در زمانی که مصدق در شورای امنیت بود در همه جای ایران توطئه پیدا کرده بود و در ادامه مطلب توضیح میدهد که "... همین اوقات بود که سرلشکر مزینسی رئیس شهربانی وقت ضمن معایبه ای گفت، که در یک شب که "توده" بنام دوست هزار نفر برخورد و بدون اطلاع دکتر مصدق فشار و تضییقات به عناصر چهارم دست دادند و محیط را آنقدر که ممکن بود آشفته ساختند"

او توضیح میدهد که آنقدر این کار ادامه پیدا کرد که به مصدق پیشنهاد کردند صلاح است دولت حرمانه وارد تهران شود چون بیم اغتشاش می رود. اما مصدق به آنها جواب داد: "مردم را در کارشان آزاد بگذارید خود دانند و مو"

شاه میخواهد که با بزرگ کردن این مسئله ذهن مصدق را از مسئله اصلی بازدارد مصدق هم که از عمق توطئه باخبر است از طرفی رئیس شهربانی را عوض کرده و از طرف دیگر به بهانه اینکه بنا به گفته خود شاه، خطری جانی برای وی وجود دارد، تمام مدت در مجلس اقامت میکند. تحلیل فاطمی را از اقامت مصدق در مجلس در خاطر این چنین میخوانیم:

"... در خلال همین احوال بود که قضیه تلفت به منتهی درجه حرارت خود رسیده بود و بعد نیست که یکی از هدنیهای دکتر مصدق در اقامت مجلس این بوده باشد که از فشارهای سیاسی برای کار نفتدر امان بماند، چنانکه وقتی سفیر انگلیس وقت ملاقات خواست او را در اتاق مجلس پذیرفتند و بدیهی است در میان سفیر مخبرین و توجه عمومی، صحبت های او را دکتر مصدق ناچار بود به استحضار مردم برساند و در چنین وضعیتی سفیر انگلیس نمیتوانست در خواست نامشروعی بکند."

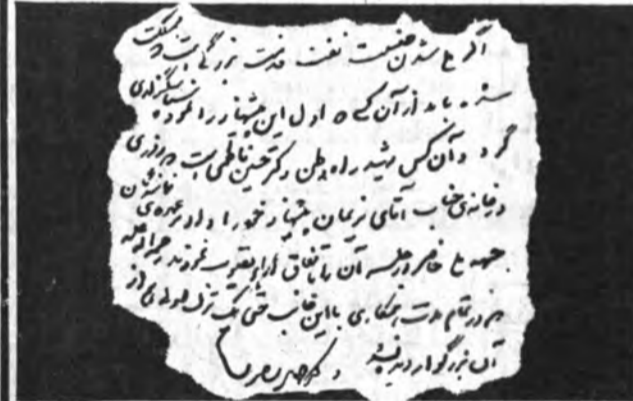
می بینیم که مصدق نه تنها از مسئله اصلی (ملی کردن نفت) دور نشد بلکه از خود توطئه در جهت مسئله اصلی استفاده کرده. حیلها آنها را به خودشان بر میگردداند.

سرکوب مسلحانه نیروهای داخلی و متهم کردن دولت در مورد این محور قبلا صحبت کردیم ولی از نظر حساسیت موضوع و محقق های بسیار آن در شرایط کنونی آنرا بیشتر می شکافیم. در خاطرات شهید فاطمی میخوانیم:

"... در روزهایی که هریمین "بیسراری میانجیگری دوباره نفت به تهران آمده بود "می بینگی" که گفته میشود عناصر چپ تشکیل داده اند، در بهارستان تشکیل گردید و زد و خوردی بین تظاهر کنندگان و قوای پلیس روی داد که بدون دستور نخست وزیر سر"

# ف

قسمتی از نوشته های مرحوم مصدق را جع به شهید فاطمی



تیراندازی و شلیک شد و چند نفر کشته و زخمی شدند. در این موقع سرلشکر بقایی رئیس شهربانی و سرلشکر زاهدی وزیر کشور بود. دکتر مصدق از این حادثه سخت برآشفته و دستور تحقیق داد و این طور نتیجه گرفته شد. که دست شاهدخت اشرف در کار بوده است اولین عکس العمل دکتر مصدق این بود که سرلشکر بقایی را از ریاست شهربانی منفصل کرد و دستور محاکمه او را داد و چون در تشکیل دادگاه مسامحه می نمود، بیسن نخست وزیر و وزیر کشور برودتی حاصل شده بعد گفتند که چون نظامی است، باید اعلیحضرت دستور تشکیل محکمه را بدهند. مدت ها طی شد، دادگاه اداری او را فقط به یک ماه توقیف محکوم ساختند.

مطلب آن زمان روشن است که نیاز به هیچ توضیحی نیست. در شرایط کنونی هم شاهدیم که چگونه سازمانها بی نظیر جنبش ملی بقیه در ص ۲۸

ایجاد اختلال در درون نیروهای انقلابی یکی از کارهایی که همیشه به وسیله مزدوران اجانب انجام میشود بدبین کردن نیروهای درون انقلاب نسبت به یکدیگر است. در این زمینه هم در خاطر شهید فاطمی میخوانیم که شاه به دکتر مصدق گفته بود: "شنیده ام فدائیان اسلام دنبال تظلم شما هستند، شما باید خیلی مواظب باشید و به رئیس شهربانی هم دستور دادم بر مواظبت خود بیفزاید." وقتی مصدق جواب میدهد که چه کسانی این جریان را عرص کرده اند؟ من با فدائیان کاری ندارم حسابی با هم نداریم. دولت هم که تازه آمده، شاه می گوید که: "از نظمی و درکن دوشنیده ام و حال هم این اسلحه کوچک جیبی را به شما می دهم که در مواقع خطر بتوانید از خود دفاع نمائید."

شاه که خود بزرگترین خطر برای دولت ملی است مصدق را از خطر فدائیان اسلام می ترساند و تا بدان جا پیش میرود که به مصدق اسلحه داده و تسسضاد آنها را یک ضد مسلحانه میداند. و از طرفی فدائیان اسلام را که با توفیر و زور آنها ضربه محکمی به مزدوران انگلیسی در داخل زدند به آنها می کشاند که دست به توفیر ناموفق دکتر فاطمی میزنند. (۲)



# تضادهای درونی رژیم عراق

پهروزی فاو و تعدید اختلافات درونی رژیم عراق

مقدمه:

پس از پهروزی ارتش اسلام برنا و وضد حمله های بیابانی عراق که همگی به شکست منجر شده با غلبه رسانه های گروهی اسلام کردند عراق استراتژی جدیدی را برای خود انتخاب کرده است و آن استراتژی دفاع متحرک بود. این استراتژی بوسیله ژنرالهای فعال و بازنشسته چندین کشور عربی بخصوص ژنرال فوزی وزیر دفاع سابق مصر طراحی شد. رهبری ژنرالهای عراق در حمایت از مبنی دفاع متحرک در ایمنی نسبت را ژنرال همام فخری بعهده داشت. اعلام استراتژی دفاع متحرک مظهر موضع فعال عراق را در جنگ نشان میدهد در حالیکه این عمل ناشی از تضادهای داخلی عراق بود. این خط پس از عملیات کربلای یک شکست خورد. در ایمن قسمت بر آنهم ضمن بررسی اخبار مربوط به تضادهای دو جناح در فرماندهی ارتش عراق به تحلیل آن بپردازیم.

## نقطه نظرات دو جناح در ارتش عراق

کپهان ۲۵ / ۴ / ۷۵

"از نقطه نظر نظامی عملیات کربلای یک موجب گردید تا میان فرماندهان ارتش عراقی که با دیدگاههای متفاوت و بعضاً متضاد مسائل نظامی را مینگرند با اختلاف دیدی بروز کند. در این زمینه اطلاعات موثق و قابل اطمینانی وجود دارد که حداقل میان وزیر دفاع و فرماندهان سپاه دوم عراق بر سر مسئله مهران اختلاف جدی در بروز کرده که به ایجاد دو جناح متضاد در ارتش عراق منجر گردیده است."

الف - استراتژی دفاع متحرک: رهبری جناح اول را سپهبد عدنان خیرالله وزیر دفاع ارتش صدام بعهده دارد. عدنان خیرالله معتقد است که ارتش عراق باید از دفاع ثابت و پدافند غیر متحرک صرف نظر کند و با بسیج کلیه امکانات آموزشی لجستیکی و نیروی انسانی و زرهی پیوسته از خطوط ثابت دفاعی خارج و به مرزهای ایران هر جا مصلحت شد حمله کند. عدنان خیرالله با ارائه استدلالهایی پیرامون برتری این شیوه نظامی صدام را با خود همراه کرده و برای این اساس با مشورت باره ای کارشناسان نظامی چند کشور عربی طرح دفاع متحرک خود را علیرغم مخالفت جناح دیگر از ژنرالهای عراقی به اجرا در آورد.

ب - استراتژی دفاع ثابت: "گروهی دیگر از فرماندهان عراقی به رهبری سرلشگر

ماهر عبدالرشید بر خلاف نظریه وزیر دفاع خود، به نزدیکی معتقد است. ماهر عبدالرشید معتقد است که بسیج کلیه امکانات نظامی از قبیل نیروی انسانی و لجستیکی در شرایط غیر اضطراری ضرورت ندارد. او همچنین عقیده دارد که بسج گروهان ورزیده با روحیه بالا و آموزش حساب شده برای پدافند بهتر از یک لشکر فاقد روحیه و بدون آموزش است. سرلشگر ماهر عبدالرشید معتقد است که یک واحد نظامی خوب با بد وجود ندارد بلکه فرمانده خوب با بد وجود دارد که بگسان تحت امر او بنا به خصوصیات آن فرمانده رشد میکند."

پهروزی عملیات کربلای یک و ضربه به استراتژی دفاع متحرک

کمیکن این دو فرمانده انامه نداشت تا تز عدنان خیرالله و ژنرال همام فخری مبنی بر دفاع متحرک مورد قبول صدام واقع شد و بر اساس همین تری بود که عراق به فک و مهران و حاج عمران حمله نمود و مهران را اشغال کرد. این پهروزی وجهه عدنان خیرالله را نزد صدام بسیار بالا برد ولی پس از عملیات کربلای یک و پهروزی رزمندگان اسلام و شکست سختی که ارتش عراق خورد جناح عدنان خیرالله را تضعیف نمود و سرلشگر ماهر عبدالرشید به تخطئه و تمسخر افسران طرفدار وزیر دفاع عراق پرداخت و گفته میشود با ارسال نامه ای به صدام شکست سپاه دوم عراق را متوجه سپهبد عدنان خیرالله و نظریه غلط او دانست.

تعدید اختلافات در ارتش و ضربه به فرماندهی صدام

کپهان می افزاید "مناقشه ای بین دو گروه سرانجام به اینجا کشید که صدام ناچار شد کلیه فرماندهان عراقی را به بغداد احضار کند و در یک نشست اساعته کوشید نوعی مصالحه میان آنان برقرار سازد."

یک ماه پس از انتشار اخبار درونی ارتش عراق و دو جناح شدن آن بود که خبر جدیدی پخش شد و آن سپردن کلیه اختیارات فرماندهی کل قوا از طرف صدام بسج فرماندهان ارتش بود و اینکه صدام اعلام کرده است که بیشتر نقش لجستیکی ارتش و بوجود آوردن امکانات برای تداوم جنگ را بعهده خواهد داشت و اختیارات درجیبه بعهده فرماندهان نظامی است. ژنرالها که اصولاً فکریان نظامی است اعلام کردند ما نمیخواهیم خط نظامی خود را از درون خط سیاسی در آوریم.

خط صدام این است که: عملیات نظامی تابع ملاحظات سیاسی باشد.  
خط ژنرالها این است که: عملیات نظامی نباید تابع ملاحظات سیاسی خود.

خورد با تشکیلات رجوی در عراق است. چرا که رابط بودن بین رجوی و حزب بعث از عهده هر فردی خارج است ولی صدام به عنوان کادر ورزیده حزب بعث قادر است این ارتباط را برقرار کرده و کنترل نماید. اگر صدام این رابطه را بعهده نگیرد تشکیلات رجوی با سابقه ای که دارد میتواند حزب بعث را تحت تاثیر قرار داده و جناحی فاشیست تر در برخورد با ایران در درون حزب بعث برای خود بوجود آورد. توضیح اینکه مسئله صدام تثبیت سیاسی خود است او مایل است طبق قراردادی، از طرف امام مشروعیت و رسمیت پیدا کند و مسلمین جهان خط براندازی وی و حزب بعث را ندانند. در حالیکه منافع رجوی علاوه بر اداه جنگ، براندازی نسبت به امام نیز هست چرا که اگر صلحی انجام شود او باید وجهه المصلحه قرار بگیرد.

صدام نقش پشت جبهه میگیرد

با پهروزی عملیات کربلای یک و پهروزی اختلافات درون ارتش عراق بین عدنان خیرالله و ماهر عبدالرشید بود که صدام سعی کرد بین آنها مانعی خود را توجه به اینکه ژنرالها معتقدند صدام چون دوره نظامی ندیده نمیتواند مقام فیلد مارشالی ارتش عراق را که از نظر بینش و عملیات نظامی هم فوق همه میتواند عمل کند ناعنه باشد لذا در حل اختلاف درون ارتش نیز قادر به ایفا کردن نقش فعال و تعیین کننده نخواهد بود و حتی از نظر آنها به وحدت ارتش عراق نیز ضربه میزند. این ضعف صدام پس از عملیات فاو و بعد از پیش مشخص شد.

به منظور حفظ صدام غرب به این جمع بندی رسیده که به او نقش پدر را بدهد تا بتواند ما فوق جناحها عمل کند. غرب سعی دارد به صدام در عراق مانند امام در ایران نقش معنوی و بسیج کننده نیرو و تدارک بسوی جبهه را داده و کاری به تضادهای ریز جبهه نداشته باشد.

ژنرالها انتقام میگیرند!

صدام پدر ملت عراق!؟

به منظور حفظ صدام غرب به جمع بندی رسیده که به او نقش پدر را بدهد تا بتواند ما فوق جناحها عمل کند چرا که طرفداری صدام از یک جناح فرماندهان، در حالیکه سمت فرماندهی کل قوای ارتش عراق را به عهده دارد باعث تضعیف ارتش عراق خواهد شد. در حالیکه اگر بتواند قدرتش ما فوق جناح بندیهای ارتش اعمال نظر کند تضمین کننده وحدت ارتش عراق نیز هست. لذا غرب سعی دارد به صدام در عراق مانند امام در ایران نقش معنوی و بسیج کننده نیرو و تدارک بسوی جبهه را داده و کاری به مسائل ریز جبهه نداشته باشد.

رابطه حزب بعث و تشکیلات رجوی

مسئله مهم دیگری که صدام دارد بر

ژنرالها نظامی فکر میکنند و از صبر و حوصله کمتری برخوردارند. به قومیت عربی خود مغرور بوده ایرانیها را مجوس میدانند. پس از گذشت ۶ سال از جنگ و کشته شدن افراد بسیاری از ارتش و از دست رفتن بسیاری از دستاویزانشان در این جنگ، اکنون خونخواه و انتقامگر شده اند. ژنرالها اصولاً به ملاحظات سیاسی معتقد نیستند، بلکه میخواهند آنقدر خون بدهند تا رژیم عراق حفظ شود. نظامیها در حال حاضر میخواهند از هر لحاظ و به هر قیمت علیه ایران وارد جنگ شوند. برای اینکار معتقد به یک هجوم سراسری و حمله به کلیه منابع اقتصادی و نظامی و انسانی ایران میباشند.

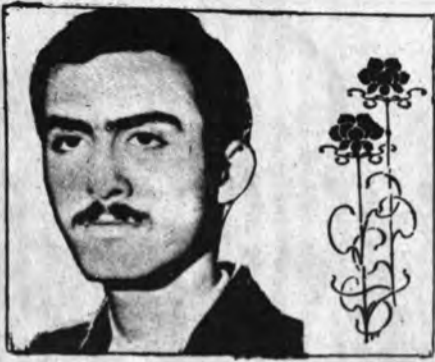
بنابر مرسد که حمله به جزیره سری خط صدام رجوی باشد چرا که

بقیه در صفحه ۲۷

در جنوب لبنان باید تمام کسانی که میخواهند با اسرائیل مبارزه کنند مسلح باشند آیت اله منتظری



# یادی از شهید مسعود مافی



میشدند و در حمله کاملاً به منطقه آشنایی داشتند و از لحاظ نظامی می توانستند بیشتر تحرک داشته باشند. چرا که تا موقعی که از خط اول جلو نمی رفتیم یک ذهنیت داشتیم. اصلاً یک حالتی داشتیم که میگفتیم بروم جلو، چطور میشود؟ مثلاً آنجا که می خواستیم بروم مین بگدا ارم شب بود، می خواستیم متر جلو بروم، می گفتم عراقیها هستند و نمیشود مین گذاشت بولی همینطور ۱۰۰-۲۰۰ متر جلو می رفتیم، یعنی آدم بروم جلو، ذهنیتش شکسته میشود، حالت تهاجمی و درگیری پیدا میکند ولی تا موقعی که حرکت نکرد می باشد، ذهنیت دارد و نمیخواهد حرکت کند، وقتی پا گذاشت و حرکت شروع شد دیگر حرکت پشت حرکت، نمونه اش همین درگیری است که ایجاد شد.

چند تا گشت آنطرف رودخانه بود. یکی از گشتهایی که رفته بودند منجر به درگیری شد که آن گشت آنفر شهید داد و آن گشت کشته نیروهای جدید بودند ضربه خوردند و برگشتند ولی باز مسئله ای نشد. باز هم بچه ها روحیه تهاجمی شان تقویت شد که گشت بعدی ۳۰ نفر رفته بودند و تقریباً گشت رزی بود. رفتند آنطرف رود و به میدان میمن رسیدند و شب هم بود که درگیر شدند و جایی درگیر شدند که عراقیها ۵۰ متری،

در آنجا درگیر شدند که حدود ۱۳-۱۴ اجنازه شهید آنجا بود که همین یک مسئله شد. بعد از یک هفته ای گفتند که آنجا مین دارند، تله دارند و در دید عراقیها است، البته در دید عراقیها بود و میگفتند این نقطه کوری است که برای حمله وسیع گذاشتیم و ما نمیتوانیم جنازه شهید را بیاوریم ولی همین پهلوان نژاد با فرمانده در میان گذاشت و گفت من میرم و جنازه را می آورم. که چند روز قبل تر گشت رفتند و فقط مسئله این بود که بروند جنازه ها را بیاورند در حالیکه بعضی ها میگفتند از لحاظ نظامی درست نیست که بروید جنازه ایمن شهید را بیاورید، منطق نظامی این شیوه را تایید نمیکند. اگر ما یک درصد احتمال بدیم که شهید میشود نباید بروم. ولی پهلوان نژاد با یک عدد می رفتند و جنازه شهید را آوردند و هیچ طوری هم نشد و کلی جبهه تحرک گرفت و ما هم به یک جمع بندی جدید رسیدیم و ما به آنها میگفتیم اینکه میگوئید نقطه کور کشف شده و دیگر از آنجا نمی توانیم حمله کنیم، مسئله ای نیست. ما یک خط کسور را از دست میدهم و از این جا گشت نیروم بلکه از جاهای دیگر گشت میروم، از آن طرف رودخانه گشت میروم و ۲۰ نقطه کور بدست می آید.

می گفتم این شهید خانواده دارند که ۶ ماه است منتظرشان هستند. این حماسه همدار شهرها پخته میشود و تضاد شهر در رابطه با جبهه حل میشود.

بعد برنامه کانال شروع شد، برنامه کانال ابتکاری بود که تمام بچه ها کم و بیر فعال

نی توانستند این جبهه را بگیرند که اینهم از مقاومت شدید بچه ها بود و بچه ها هم از لحاظ مهمات قوی تر شده بودند.

## عملیات ایذائی و شبیخون

یکسری کارهای کمی بعضی موقعها انجام میشد. مثلاً ۲ تا تیوپ اطرافش را مین و تی ان تی وصل میکردند و می انداختند به آب بروم طرف پل مارد. می دانستند که این بد آنجا نمیرسد ولی می انداختند که غرض بزنند و یک عملیات ایذائی بود. البته این کارها همه فشار یکسری از بچه ها جبهه بود. و یا ۳۰۰ متر جلو تر از خط خودمان می رفتند که در حدود ۱۰۰۰ متر - ۲۰۰۰ متر با خط دشمن فاصله داشت. ۲ تا آبی جی میزدند فقط بعنوان ترساندن.

## تفکر عملیات گسترده باعث سکون در جبهه شد

وقتی فرماندهای ویا فرماندهان دیگر از اصفهان می آمدند، عده ای میگفتند که این جبهه، جبهه ای است که اصلاً نمیشود حمله کرد. جبهه ای است که میدان مین زیاد دارد و دشمن ۶۰۰ تانک دارد و از این حرفها. یعنی فکر حمله از این جبهه را از سر بیرون کنید. مثلاً اینکه یک هماهنگی کامل باشد و نیروهای ارشاد زیاد باشند، نیروهای سپاه چه بشوند و چه نشوند و با اژدها مین هایشان را خنثی بکنیم تا جلو بروم به غیر از این شیوه هیچ شیوه دیگری نمیشود و شما فکر حمله را از سران بیرون کنید.

## حمله در جبهه های دیگر و تاثیرش در جبهه دارخوین

البته در جبهه های دیگر شبیخون بیشتر بود. گشت بیشتر بود، برنامه های زیادی داشتند، مثلاً در سوسنگرد و آبادان چند بار حمله کردند و این حمله ها در روحیه بچه ها خیلی تاثیر گذاشته بود. حالت روحیه تهاجمی در بچه ها بوجود آمد.

۵ مهرماه ۶۵، سالروز شهادت برادر مسعود مافی، فرمانده تخریب دارخوین است که در سانحه هوایی سال ۶۰ همراه با تنی چند از فرماندهان و سرداران اسلام در کهریزک تهران شهادت رسید.

مسعود در آغاز جنگ به جبهه رفت تا از اسلام و نظام جمهوری اسلامی دفاع کند. در این ۱۱ ماه که از آبان ۵۹ تا مهر ۶۰ که در جبهه دارخوین بود در جهت شکستن محاصره آبادان شب و روز فعال بود تا بالاخره مسعود و همزمانش بعد از طی مراحل جنگ و گریز، تک محدود "با" عملیات گسترده، ثامن الائمه، حکم امام را که گفته بودند حصر آبادان باید شکسته شود عملی ساختند. شهید مسعود معتقد بود در مرحله دفع تجاوز برای انجام عملیات گسترده ای همچون ثامن الائمه باید ابتدا "با" جنگ و گریز و شبیخون تحرک در جبهه بوجود آورد و شناسایی ها را زیاد کرد تا رزمندگان بطسور خود جوش دست به عملیات محدود بزنند.

حال در مرحله کربلایی جنگ هم باید برای گسترده تر کردن عملیات این مراحل را طی کرد. برای روشن شدن این موضوع، سیر تکاملی عملیات در جبهه دارخوین از زبان شهید مسعود می شنویم که پیاده شده نوار شهید می باشد.

شهید مسعود در این نوار به بررسی اینکه چگونه سکون جبهه منجر به تک محدود شد اول وضعیت جبهه را مطرح میکند و سپس در جریان را بازگو میکند که یکی معتقد به عملیات وسیع با سیوه های کلاسیک و مخالف هرگونه جنگ و گریز و عملیات محدود بود و جریان دیگر معتقد بوده، برای رسیدن به عملیات گسترده باید حرکاتی مانند گشت شناسایی - گشت رزی - شبیخون - عملیات ایذائی، تحرک در جبهه بوجود آورد تا رزمندگان آمادگی تک محدود را پیدا کنند و خود تک محدود توانایی لازم برای عملیات گسترده را در رزمندگان ایجاد کند.

## بسم الله الرحمن الرحيم

### وضعیت جبهه دارخوین در اوایل جنگ

جبهه های که ما بودیم در دارخوین بود. جبهه دارخوین جبهه ای بود که تقریباً نسبت به جبهه های غرب و سوسنگرد و آبادان و جبهه های دیگر سکون بیشتری داشت. درگیری کم بود. حتی خیلی وقتها درگیری نبود. بچه ها تحرک کمتری داشتند و ذهنیت نسبت به عراقیها زیاد بود. شناخت کافی نسبت به عراقیها نداشتند. عراقیها از شلمچه وارد شدند و از پل مارد آمدند این طرف کارون و در شمال آبادان قرار گرفتند و آبادان را محاصره کردند. بعد از عمان طرف آمدند طرف شمال یعنی اهواز که شادگان را بگیرند و یا اهواز را بگیرند که تقریباً "نا" محمديه و سلیمانیه که ما مستقر بودیم آمد بودند بچه ها از دارخوین آمدند محمديه و سلیمانیه اول بصورت کمین بودند. ۲۰ تا ۳۰ نیرو برادر رحم فرمانده عملیات خوزستان هم آنجا بود. عراقیها حدود هفت تا حمله کردند و هر هفت تا حمله با شکست مواجه شد. یک بار آمدند سلیمانیه را کاملاً در محاصره خود قرار دادند. بچه ها فقط یک خمپاره ۸۰ داشتند و یک خمپاره ۱۲۰ که با همانها مقاومت کردند و دشمن را عقب راندند. بعد از این هفت حمله ای که آنها کردند سکون در جبهه ها حاکم شد. یعنی عراقیها دیگر روحیه حمله نداشتند که شکست خوردند و

## آدم بروم جلو، ذهنیت اش شکسته میشود. حالت تهاجمی و درگیری پیدا میکند ولی تا موقعی که حرکت نکرده باشد ذهنیت دارد و نمی خواهد حرکت کند.

۲۰ متری شان بودند، ولی حرارت نمی کردند بیایند اینها را بگیرند. کلاً این مسائل و این پارامترها باعث شد که درگیری جبهه دارخوین و آن حمله و تهاجم جبهه دارخوین پیربیاید.

( البته این تهاجم که شهید از آن نام میبرد همان تک محدود "فرمانده کل قوا خمینی روح خدا" است که در این تک رزمندگان اسلام موفق شدند چند کیلومتر پیشروی کرده و خاکریز اول و دوم دشمن را فتح کنند. این تک محدود آنچنان قدرت رزی رزمندگان را افزایش داد که توانایی انجام عملیات گسترده ثامن الائمه را پیدا کردند )

بودند. بچه ها هم شب و هم روز کانال می کردند و اگر بچه ها در کانال کمی کار



میکردند. کارهای بچه ها باعث شد که طرح حمله ریخته شود که جوهر تر بچه های جبهه فعالین جبهه بودند و این باعث شد که ذهنیتها بشکند.

## گشت و شناسایی، زمینه عملیات شد

اما گشتهایی که بچه ها می رفتند. این گشتهای چه فایده ای داشت؟ اول اینکه اینها بیایند گشت، ترسشان از عراقیها ریخته شود. فایده دیگر، این بود که به منطقه آشنا

## نیروهای خود جوش و تحرک در جبهه

و از طرفی وجود یکسری نیروهای خود جوش و فعال در جبهه مثل همین شهید پهلوان نژاد و شهید رنمایی و شهید محسن و شهید رضا حبیبی الهی که با ناز و جد استرازی بین رفت و الان در بیمارستان است، وجود این نیروها و بچه های دیگر باعث شد که در این جبهه یکسری کارها بشود. وقتی که عراقیها از شلمچه آمد بودند و پل مارد را گرفتند یکسری بچه ها

آنان که ره دوست گردیدند همه

در گوی شهادت آرمیدند همه

در معرکه و کون فتح از عشق است

زیرا که سپاه عشق شهیدند همه







انگیزه نگارش :

# دکتر مصدق: نهضت مقدس مردم ایران و توطئه های استعمار

معمولا هر دولتی، تابع نظریات مجلس است. چنانچه مجلس از نمایندگان حقیقی ملت تشکیل شود... کاری برخلاف مصالح مردم نمیکند... ولی در این مملکت که غالباً نمایندگان مجلس با نظریات دول بیگانه به مجلس رفته اند این قبیل نمایندگان... د ولتهایی که اعضای آن، عمال بیگانه بود روی کار آورده اند.

سیر توطئه های استعمار علیه حکومت مردمی دکتر مصدق

مصدق در محکمه نظامی: نظر خارجی این بود که به هر وسیله ای که باشد مارا از بین ببرند.

دوم - بعضی اشخاص و بعضی از علمای راه و وسیله کار قرار دادند و روز نهم اسفند ماه راه وجود آوردند آنجا هم خدا خواست که من جان به سلامت در ببرم.

سوم - اینکه بین بعضی از نمایندگان جبهه ملی عضو مجلس اختلاف بیندازند و حکومت کنند که رفراوند روشنفکران ایران از آن جلوگیری کرد.

چهارم - ایمن کار هم نشد و چاره منحصر شد که مردی بنام سرهنگ نصیری کودتا کند.

پنجم - چنانچه کودتا نمیگرفت دستخط اعلیحضرت را بدهند... در این صورت دستخط اعلیحضرت از زمین رفته بود و اعلیحضرت در مملکت می ماندند و دولت جدید معرفی میشد.

ششم - چنانچه دستخط را اجرا نمیکردم آنوقت اعلیحضرت از مملکت تشریف میبردند که از بهاربان خانه وقتل من بکنی بی اطلاع باشند و خود را داخل معرکه نفرموده باشند هفتم - آنوقت اعلیحضرت تشریف میاورند و مشغول کار شوند.

هشتم - این کار من نتیجه قطعی نداد (و در ۲۸ مرداد کودتا کردند سراه مجاهد)

بسربردند آنها را آزاد کند. به این طریق هم در مقابل آن یک نفر سرتکریم و تعظیم فرود آورند وقایع ششپ ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ و از آن بیعد بی شبا هت به وقایع سوم حوت ۱۲۹۹ نیست. سیاست خارجی (راه مجاهد) اقتضا میکرد که در قانون اساسی بر اختیارات پادشاه بیفزاید که او هر وقت مقتضی می داند، مجلسین را منحل کند و حق وتو برای عدم اجرای قانون به او داده شود... می خواهم عرض کنم اگر شاه بتواند هر وقت می خواهد، اعلان جنگ دهد و هر وقت خواست صلح کند، پس سرزم چه کاره اند؟ پس مجلس چه کاره است؟  
دوم - بوسیله مجلس:

دوره اول انتخابات طبقاتی و آزاد بود نمایندگان دوره دوم انتخابات بود رجه ای وکیل مجلس شدند و در رجه دوم، اعمال نفوذهایی میشد... دوره سوم که نمایندگان آن با انتخاب مستقیم وارد مجلس شدند دست کمی از نمایندگان مجلس دوم نداشتند... از دوره چهارم تقنینیه که وکلای آن از نظر تصویب قرارداد و شوق الدوله انتخاب شدند و همچنین دوره پنجم و ششم به استثنای بعضی از نمایندگان تهران، بقیه با موافقت نمایندگان انگلیس و شرکت سابق نفت و بالا اقل با عدم مخالفت آنها وارد مجلس می شدند. فقط بعد از سقوط دیکتاتوری بود که بعضی از نمایندگان توانستند در مورد مطالب مطروحه در مجلس اظهار عقیده کنند و آنچه

خواهد گفت بوسیله دربار، دولت، مجلس یکم - بوسیله دربار:

قبل از مشروطیت که دولت تزاری روسیه و دولت انگلیس در امور این کشور دخالت میکردند، رویه سلاطین اصولاً "سیاست اصل موازنه بود و آن را حد المقدر رعایت میکردند مثلاً اگر یکی از این دول تقاضای مهمی داشت به این عنوان که اگر قبول شود دولت رقیب او هم همان قسم تقاضایی خواهد کرد، با آن موافقت نمیکردند. ولی البته نمیتوان گفت که با تعقیب از این اصل آنها نتوانسته باشند از خالتهای نامشروع این دولت رقیب مثلاً راجع به نصب یک والی یا عزل او و دیگر چیزها جلوگیری کنند. بعد از اعلام مشروطیت، مخصوصاً در زمان سلطنت احمدشاه که در امور هیچ گونه دخالتی نمیکرد، از این قبیل کارها با نظر دولتها میگذشت... من باب مثال عرض میکنم، بانک استقراضی دولت روسیه تزاری یک بانکی بود استعماری و پولهایی به مردم متنفذ قرض میداد و معاملاتی با آنها میکرد که از اصول بانکداری خارج بود و فقط از نظر اعمال نفوذ در متنفذین بود که اگر تقاضایی از آنها بشود از بیم اینکه بانک طلب خود را مطالبه کند تمکین کنند... نمایندگان دولت انگلیس هم تا سال ۱۲۹۹ اعتباراتی برای این قبیل امور در اختیار داشتند که هر وقت لازم بود مصرف مینمودند... یکی از وزرای

باتوجه به فشار اقتصادی ای که در اثر کاهش قیمت نفت به انقلاب اسلامی وارد آمده است، نیاز زمان ما در حل مشکل اقتصادی انقلاب، "خودکفایی اقتصادی" یا اقتصاد بدون نفت "میباشد و از آنجا که "حکومت بدون عواید نفت" در زمان حکومت مردمی دکتر مصدق تجربه شده است، توجه به شیوه های مرحوم مصدق در تحقق اقتصاد بدون نفت می تواند کمک زیادی به حل مشکل اقتصادی انقلاب بنماید. ولی متأسفانه دستهای مرموزی، آنقدر چهره مرحوم مصدق را مخدوش کرده اند که براحتی نمیتوان در پایه ریزی اقتصاد بدون نفت روی حکومت مردمی ایشان انگشت گذاشت و در راه نشان دادن آرمانهای اصولی مرحوم مصدق و رفع ابهامات تاریخی، بر آن شدید تاحلیل ایشان از نهضت مقدس مردم ایران و توطئه های استعمار (انگلیس و آمریکا) را ذکر نمائیم به امید اینکه قدمی باشد در راه رفع یکی از موانع پایه ریزی اقتصاد بدون نفت.

لازم به تذکر است که در مقاله زیر تنها تیر بندی از راه مجاهد است و اصل مقاله، دفاع دکتر مصدق در دادگاه بدوی میباشد که در کتاب "مصدق در محکمه نظامی جلد ۱" به چاپ رسیده است.

ویژگی پایدار مردم ایران  
استقلال طلبی و  
ضد اجنبی بودن است

مرحوم مصدق:  
من در این دادگاه، اقرار می کنم که مسلمان و شیعه اشنی  
عشری هستم، مسلک من، مسلک حضرت سیدالشهدا است یعنی  
آنجا که حق در کار باشد با هر قوه ای مخالفت می کنم.

### اسلامیت مرحوم مصدق

مصدق در محکمه نظامی: در دوره ششم گفتند "دکتر مصدق چند جلسه است نیامده باید قسم بخورد" گفتم "جلسه دیگر امروز عصر دارم" جلسه دیگر شامیل حضرت امیر را بردم و گفتم "من به این پادشاه اسلام قسم میخورم".  
من در این دادگاه اقرار میکنم که مسلمان و شیعه اشنی عشری هستم. مسلک من، مسلک حضرت سیدالشهدا است یعنی آنجا که حق در کار باشد با هر قوه ای مخالفت می کنم. زهمه چیز میگویم، نه زن دارم نه پسر دارم، نه دختر دارم... بیج چیز ندارم مگر وطنم را در جلو چشم دارم. رسول اگر فرموده است "قم فاستقم" بایست و مقاومت کن.



راجع به انتخابات دوره شانزدهم... تقنینیه اینجانب اظهار نموده ام که ۸۰٪ از وکلا نمایندگان حقیقی ملت بودند اشتباه محض بوده است... اما راجع به خطری که از مجلس متوجه دولت (حکومت ملی - راه مجاهد) بود، یقین داشتم که طولس نمیکشید دولت را در نتیجه استیضاح ساقط میکردند... رفتار مجلس سبب شد که اینجانب اقدامی کنم تا خطری که از مجلس متوجه دولت و پایه عبارت دیگر متوجه مملکت است مرتفع شود... این بود که پس از تأمل و فکر زیاد، بیج راهی غیر از رجوع به مردم، نظر نرسید.

مختار دولت انگلیس در تهران که اگر اشتباه نکنم نامش مارلینگ است و تا سه سال قبل از کودتا در تهران بود می خواست از ایران بیرون گفته بود: "هریک از ایرانیان که با من سروکار داشتند، ایران را بمن فرستادند و ولی اکنون که ما موریتیم خاتمه یافته و می خواهم بروم چیزی دستم نیست" ایمن در ورطیسی آن دسته از مردمی که برای سواستفاده خود با سفارتخانه های دول بیگانه ارتباط پیدا میکردند... سبب شد که دولت انگلیس کودتا کند و وضعیتی ایجاد نماید که سروکارش فقط با یک نفر بیشتر نباشد و بسیاری اینکه آن یک نفر مافوق همه قرار گیرد و کسی نتواند در مقابل او اظهار وجود کند، متنفذین را توقیف و پس از مدتی که در زندان

دکتر مصدق در محکمه نظامی: ملتایران پس از مداخلات بیرویه دولت تزاری روسیه و دولت انگلیس و فشار دولت دیکتاتوری (رضا خان - راه مجاهد) تا بیستم شهریور ماه ۱۳۲۰ تصمیم گرفت که خود را از خالتهای بیرویه دول خارجی برهانند و استقلال و آزادی خود را تأمین کنند. روی ایمن نظر با هر فرد یا جمعی که هواخواه سیاست اجنبی بودند به مبارزه برخاست.

### مرحوم مصدق و توطئه های استعمار

دکتر مصدق در محکمه نظامی: بعد از سقوط دیکتاتوری (رضا خان - راه مجاهد) و وزیدن نسیم آزادی، ملت ایران تصمیم گرفت که از مداخلات هر دولتی در امور این کشور جلوگیری کند و آزادی و استقلال کامل خود را تأمین کند. یکی از ولی که در کارها دخالت می نمود و قسمتی از جنوب ایران را منطقه نفوذ خود میدانست... دولت انگلیس بود... دولت انگلیس در امور مملکت علناً دخالت می کرد... اکنون باید دید که این مداخلات راه چه طریق و به دست چه اشخاصی می کرد چنانچه از یک نفر که کمترین اطلاع را از امور این کشور دارد سوال کنید

آزادی و استقلال، چیزی نیست که آنرا بتوان بدون فداکاری و جانبازی بدست آورد.



# خط امام

در گلام

## آیت العظمی منتظری



کیهان

۶۵/۴/۴

باید جوهای گازب را بکنید و از جوسازی  
بهراسید

جوهای گازبی که در جامعه گاهی اوقات  
بواسطه يك جهتی پیدا میشود مثلا فرض کنید  
هیجان درست میکنند و مردم تحت تاثیر  
این جور چیزها قرار بگیرند. بلکه جوها را  
بشکنید و واقعیتهایی که در جامعه است درك  
کنید و همان واقعیت ها را منعکس کنید.

راه مجاهد:

بنظر میرسد یکی از جوهای گازبی که  
بوجود آمده همان در قطبهای گازب بین بخش  
خصوصی و بخش دولتی است. در حالیکه  
همه اوقامی باید حول محور قناعت و خودکفا  
نی باشد. مملکت ام از بخش خصوصی بسیار  
دولتی تاکنون به دست آمده و وابسته بوده که  
در این مرحله از انقلاب خودکفایی رهایی از  
نفت مهم است. در این راه دشمن به  
هیچکدام از بخش رحم نمی کند.

خط دهنده با شهید ولی بهراساس  
خدا، قرآن، خمینی

خط صحیحی که مطابق اسلام و گفتار خدا  
و بهر است و امام هم الان رهبر انقلاب است  
و ایمان الگو و نمونه بر این معناست. خط  
صحیح اسلامی راهی که به ملت و دولت به  
مسئولین القا بکنید، خط دهند ما میسر

مردم ما دیگر عوام نیستند و رهبر  
فیکری - سیاسی کرده اند.

خلاصه بدین رود ریاستی نکوید مردم  
عوام هستند و نمی فهمند هر کس که مردم  
واقعاً يك رشد فکری و رشد سیاسی پیدا کردند  
این همه از تبلیغات سوئی است که در خارج علیه  
انقلاب مامیهور اگر مردم به سال پیش از این  
بود انقلاب شکست میخورد.

راه مجاهد:

باتوجه به این شناخت آیت ا. منتظری  
از مردم ایران، از دولت میخواهیم که با صراحت  
مسائل و مشکلات خود را با مردم جانپساز در  
میان بگذارد و از مردم راه حل بخواهد.

آبروی کسی را نبرید که گناهش از زانوهای بهتر  
است

دريك حدیث دارد يك در هم نباید تر از  
۷۰ زن است نه این که زن کوچک است، رسا  
خیلی مهم است آنوقت می فرماید از بهادتر  
بردن آبروی برادر دینی است. برای اینکه  
بمال برادر دینی را از چیز برود در این جور  
چیزها آبرو و شخصیت طرف را زمین بردی.

د برابر اند بچه های مختلف وسعت نظر  
داشته باشید

روزنامه ها وسعت نظر پیدا کنند اجازه دهند  
افکار رواند بچه های مختلفی بخش خود. البته  
يك وقتی است يك کسی اصلاً با انقلاب اسلام  
با اینها مخالف است می خواهد افکار مارکسیستی  
منتشر کند. این را اجازه نمی دهیم اما يك وقتی  
يك کسی به انقلاب و رهبر انقلاب  
عقیده دارد. در یکی از مسائل اجتماعی،  
اقتصادی فرض کنید سیاسی حرف دارد.  
اجازه دهید این حرف او بخش خود و تنگ  
نظر نباشد.

راه مجاهد:

باز آیت ا. منتظری در مورد  
آزادی دادن به افراد برای بخش افکار رهان  
رهنمود داده اند که کمتر مطلق شده است.  
برای بهتر اجرا شدن آن بنظر می آید سه  
پیشنهاد زیر مفید باشد.

الف: تقویت حریت در بین افراد و  
مطبوعات تا از زیر خدای بی بدیل نداشته  
باشند.

ب: بهتر شدن ارتباط افراد صادق  
ام از گروهها و نظام.

ج: ریشه یابی اینکه چرا بهار آزادی بعد  
از انقلاب با آن همه عظمت از بین رفت.

بازره منفی بشیوه گاندی برای خودکفایی

در شرایط فعلی کشور، هم گرفتار جنگ  
هستیم و هم نفت را توی سرش زدند و مواجعه با



از آنجا شبکه اخبار و اطلاعات صحیح (کما هی - هما نظور که هستند)  
تحلیلها را با رور میبندیم بدینسان شدم مجموعه ای از اخبار رسماً ما را در  
بخشی از نشریه که به این کار اختصاص داده ایم درج نمائیم.  
اهداف مورد نظر ما از این کار عبارتند از:  
۱- کمک به روری تحلیلها و سیاسی نیروهای مکتبی.  
۲- دادن پیشش استراتژیک از رویدادهای ایران، منطقه، جهان.  
۳- کمک به پیدا کردن دید استراتژیک از مراحل رشد خلق و افول  
امپریالیسم.  
ضمناً " راه مجاهد" این اخبار را بر خورد فعال میکند.

اهکالات هستیم. این مبارزه منفی را من  
انتظار دارم... همان کاری را که گاندی  
در هندوستان کرد و طرفدارانش با انگلستان  
مبارزه کردند. گفت لباس فاستونی انگلیسی  
نپوشید، تولیدات خود مان را توسعه بدیم  
و از آن استفاده کنیم و از این چیزهای لوکس و  
خرجهای زیاد و ورخت و ماش های زیاد و  
در ادارات و جاهای دیگر صرف نظر کنیم...  
برای ماننگ است که گوشت آژانتهنی و زلا ند نو  
و معلوم نیست که چه کوفتی است اینها راه ملت  
بدهند. باید مصرف را کم کرد. از آن طرف  
هم ریاستی لینیات و درآمدی خود مان را توسعه  
بدیم همان چیزی که در این خود کفایی میم.

با نظارت دولت مردم را اوقام را امور هر کس  
دهید

در اقتصاد، نصراً به اداری افراطی غرب  
نه اقتصاد دولتی هرق و آن عقیده ای که من  
همیشه اهته ام توزیع، واقعه آنه اسما فقط به  
مردم محول شود. منتها با نظارت و دخالت  
مستقیم دولت چند اهکال دارد یکی اینکه  
موجب تنفر و خصمهای ملت میشود و دیگری  
استعداد ها را کوید پیدا میکند.

بچه های خوب که بدام سران گروههای  
منحرف افتادند لاج بازی را کنار بگذارند

سران گروهها را اما از اول میدانستیم  
آدمهای منحرف هستند ولی بسیاری بچه  
های خوب و مخلص بدام اینها افتادند  
حالا خطاب من باین بچهها این است که  
هنوز تردید دارید در اینکه این راهی که  
میرفتید اشتباه است؟ بعد از اینکه این همه  
تروید ست گروهکها به محالاً که بدامن عدام  
جنایتکار رفته اند از آن طرف همکاری بسیار  
امپریالیسم هرق و غرب و اینها. اما هنوز  
بعضیها گرفتار شده لاج نکند و آدم نباشد  
لاج بکند.

کیهان

د ارتباط با خد مشکلات تابل تحمل میشود

آیت الله منتظری در دیدار با خانواده های  
شهدای هفتم تیر و خانواده شهدا:

انسان اگر به حال خودش باشد عاجز است  
از تحمل بسیاری مصیبتها و مشکلات، اما اگر  
ارتباط خود را با خد محکم کند خد او را  
انسان را کم می کند. از خد او ند کم  
بخواهید. صبر راهی خود قرار دهید،  
برد با راهی خد ارتباط پیدا کنید و نماز  
وسيله ارتباط با خد است.

در رهایی از صدام - رجوی در مقابل خد  
توجه کنید

به این جوانانی که در دام سران  
گروهکها افتادند نصیحت می کنم آیا هنوز  
تردید دارید؟ آیا روشن ندهد است که سران  
شما خود فروخته ابرقد رتها و استعمارگران  
هستند؟ وقتی سران شما صدام خائن با  
این همه جنایت همکاری دارند، هنوز هم  
هك دارید؟ حقیقتان بیاید از خودتان. لاج  
نکنید. به دامن اسلام و کهورتان برگردید  
توجه کنید و گذشتهتان را جبران نمائید.

استقلال و خودکفایی راه الگو شدن جمهوری  
اسلامی

دولت و ملت و روحانیت و ارگانها دست به  
دست هم در ده کاری کنید که جمهوری اسلامی  
قرار بگیرد و الگو نمونه باشد برای کشورهای  
اسلامی اگر توانستید استقلال کشور را حفظ  
کنید و خود کفایرید، نمونه می شوید. راهش  
هم همین است.

با اخلاق اسلامی مردم را جذب کنید

برادران پاسدار کمیته، مسئولین انتظامی  
هم که قدرت و اسلحه در دستشان است سعی  
کنند در همین حال که ریاستی نظم را حفظ کنند  
باید به ملت فراغت بدهند همه مردم اینطور  
نیست که در رصد حزب الله باشند با اخلاق  
باید آنها را جذب کنند. هم سعی کنید  
مردم در کشور احساس امنیت مالی و جانسی  
کنند و دلگرم بشوند.

اقتصاد منهای نفت را طرح ریزی کنید

شرایط کشور را درك کنید از اسراف و  
تبدیل و خرجهای بیهوده بپرهیز کنید. يك  
بقیه در ص ۲۹

ما باید با جدیت و بدون شعار و حرف به سمت جدایی از وابستگی به نفت و يك محصولی برویم منتظری آیت الله





# اخبار ولایت قمیه

## وایدولوژیک

### استراتژی فراگیر و تشکیلات منسجم

ماراجدل و بحثهای خارج از واقعیتها - کشاند.

لازم به ذکر است که این جریان به روش کارمجاهدین استناد کرده نه اینکه بعنوان مثال مطالب شناخت و اقتصاد به زبان ساده قبول داشته باشد.

ب - روش کار در انقلاب شوروی: این جریان معتقد است که بعد از انقلاب صدر اسلام و انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، انقلاب اکثریت بعنوان يك انقلاب جهانی و منقلب کننده ترین انقلاب بشری اهمیت دارد. جریان فوق گرچه با فلسفه لنین مخالف است لیکن با جمع بندی از طبل پیروزی و شکست انقلاب اکثریت بدینال شیوه های برای حل مشکلات انقلاب اسلامی می گردد که به نتایج زیر رسیده است.

۱ - لزومی ندارد که ما روی مفاهیم فلسفی و ایدئولوژیک کار کنیم. مشکلات که انقلاب اسلامی را تهدید می کند، مشکلات سیاسی در برابر واقعیتهاست. اعضا و سران حزب کمونیست در مقطع پیروزی انقلاب اکثریت از بچه های کمیته ای انقلاب ما کمتر درک سیاسی و ایدئولوژیک داشتند. اما آنچه انقلاب اکثریت را سر پا نگه داشت و باعث پختگی افراد آن شد عبارت بودند از سه عامل:

- ۱ - استراتژی فراگیر و برخورد متناسب با واقعیتها
  - ۲ - تشکیلات واحد مستحکم و منسجم
  - ۳ - غنای ایدئولوژیک در روبروی با احزاب مختلف نظیر سوسیالیستهای انقلابی و سوسیال دموکراتها و ...
- این جریان در مورد غنای ایدئولوژیک معتقد است که تشکیلات محکم و شعار استراتژیک و امکان برخورد آرا و عقاید در مقابل با گروهها و اقلیتها و راه حلها، موجب غنا و باروری ایدئولوژیک خواهد شد.

#### راه مجاهد:

اشکالی که قبل از ضربه ۴ ده رزمان مجاهدین وجود داشت این بود که وقتی صحبت از کار ایدئولوژیک می شد فوراً یاد مفاهیم ایده آلیستی می افتادیم و گفته می شد این کارها ترمز عمل است. منتها بعد از ضربه ۴ فهمیدیم که ایدئولوژی رانها در حد مفاهیم ذهنی و یا ذهنولوژی محدود کرد. آنچه به آن نیاز داشتیم "اسلام راهنمای عمل" بود که چنین مکتبی نه تنها ترمز نبود بلکه مؤید عمل صالح نیز بود. بعلاوه در جریان عمل صالح، این ایدئولوژی اصیل و اسلامی است که غنا و باروری پیدا می کند و در غیر این صورت ایدئولوژیهای ذهنی منحصر در جریان عمل نکشیده و منزوی خواهند شد و باید در آنها تجدید نظر نمود. کما اینکه لنین در انقلاب شوروی مجبور شد موازی بین ایدئولوژی مارکسیستی را کنار بگذارد و گرنه

جریانی در درون انقلاب معتقد است: "در انقلاب و وضعیت موجود آورده اند که ما یوس کننده است. یک عده تأیید مطلق میکنند و عده ای دیگر نفی مطلق، در همین ماهم درک درستی از مسائل وجود ندارد. هر چه که پیش بیاید و ببینیم گروهی از کارمندان تأیید میکنند. از یک طرف مظاهر سرمایه داری را نفی می کنیم و از طرف دیگر مزایای خوب و مثبت آن تمجید نموده و می گوئیم اسلام به همین خاطر سرمایه داری را نفی نمی کند. سوسیالیسم و مظاهرشست آنرا قبول نداریم و بعد در تأیید خصایص مثبت آن می گوئیم، اسلام خواهان همین است. یک جابه آیه ۳۹ سوره نجم کتیب لیلانسان الا مانعی استناد می کنیم تا چنین نتیجه بگیریم که ارزش واقعی با کار است، در جای دیگر آیه ۶ سوره قصص وَ نُریدُ اَنْ نَعْرِفَ عَلَی الذِّینِ اسْتَضَعْفَوْنِ الْاَرْضِ ... استناد می کنیم تا بگوئیم مستضعفین حاکم و وارث زمین اند و بالا خسره برای تأیید سرمایه داری به قاعده تسلط اشاره کرده و می گوئیم "الناس مسلطون علی اموالهم" یعنی مردم بر اموالشان مسلط اند. متأسفانه هر چه که به ذهنمان رسید و فعلاً می تواند مشکل ما را در برابر واقعیتهای جامعه حل کند بنام اسلام تأیید می کنیم. البته این چنین وضعیت نمی تواند دوام بیاورد و خوراک مناسبی برای انقلاب باشد."

#### غنای ایدئولوژیک در دل کار استراتژیک و تشکیلاتی

این جریان پس از سالها کار سیاسی و ایدئولوژیک اخیراً به این تحلیل رسیده است که اگر شرایط فعلی کار ایدئولوژیک وقت گیر و اختلاف برانگیز است و بدین منظور به جمع بندی و جریان استناد می کند یکی به روش کار مجاهدین در سالهای ۵۱-۵۰ و دیگری به روش کار لنین در انقلاب اکثریت.

الف - روش کار مجاهدین: مجاهدین در سالهای ۵۱-۵۰ در جواب این سوال که چرا کار ایدئولوژیک به معنی خاص کلمه نمی کنید، گفته بودند: "وقتی يك مسئله فلسفی و ایدئولوژیک مطرح میشود همه عطا خود را صاحب نظر می دانند و بحث گسترده میشود و مواز مسائل ضروری مبارزه علیه سلطنت و امپریالیسم باز می مانیم. کار روی مفاهیم

انقلاب شوروی نمی توانست از درون تعلیمات مارکس و لنین بجوشد. شعار استراتژیک و تشکیلات منسجم گرچه نیاز انقلاب است ولی بدون پشتوانه ایدئولوژیک پایدار نخواهد بود.

در جریان انفجار حزب جمهوری عده ای می گفتند با شهادت بهشتی کمر تشکیلات جمهوری اسلامی شکست و نظام جمهوری اسلامی سقوط خواهد کرد. ولی دیدیم که بعزت حاکمیت يك ایدئولوژی و خط مشی واحد جبران ضربه تشکیلاتی شد و نظام پابرجا ماند.

\*\*\*\*\*

## رشد سیاسی-فکری مردم و روحانیت

در جریان انتخابات میان دوره ای اخیر طی بحثی که با یک برادر روحانی انجام گرفته بود در مورد نا مردان انتخاباتیشان از وی دلیل و توضیح خواسته شده بود.

برادر روحانی ابتدا گفته بود: روحانیت چنین گفته و دلیل نمی خواهد، روحانیون هم اشتباه نمی کنند. تویز به روحانیت اعتماد کن، اگر هم اشتباهی رخ دهد از جانب شماست نه از سوی روحانیت. بعلاوه مردمی که مسلمانند و مقلد مرجع خود هستند، از روحانیت پذیرش دارند.

اما پس از بحث و تبادل نظر وقتی برادر روحانی موفق نمی شود طرف مورد بحث را قانع نماید او می گوید:

شما همانطور که تشخیص داده اید به نظر خود عمل کنید و به کاندیدای خود رای دهید ما هم به نظر خودمان عمل می کنیم.

این سخن جدیدی است که بیانگر معانی زیر میباشد.

۱ - رابطه مردم و روحانیت در مسائل سیاسی - فکری، تقلیدی و پذیرش صرف و کورکورانه نیست.

۲ - مردم با روحانیت برخوردی تنگاتنگ و فعال دارند و نسبت به مواضع سیاسی آنان دیگر مطیع و بیایی تفاوت نیستند.

۳ - روحانیون در مواجهه با مردم دیگر نخواهند گفت: از مرجعیت تقلید کن، به روحانیت اعتماد داشته باش بلکه به استدلال و نظر آنان گوش فرامیدهند و برای آنان صلاحیت تشخیص قائل هستند و همینطور آنان را نیز در برخی موارد پذیرفته و رسماً به آنها می گویند به نظر تو تشخیص خود عمل نمائید

۴ - امام در دوره دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی تلویحاً خطاب به جامعه مدرسین و حزب جمهوری اسلامی گفتند شما لیست ندهید چرا که مردم خود حق تشخیص دارند و بدین ترتیب رشد سیاسی - فکری مردم را تأیید نمودند.

۵ - T بنظری منتظری هم چنین گفتند مردم ما دیگر عوام نیستند و در انقلاب اسلامی رشد سیاسی - فکری پیدا کرده اند

رشد مردم و ارکان رسالت

۶ - در رابطه با تا سیس روزنامه رسالت بنظر میرسد اینکه روحانیت ارکان تشکیل می دهد و روزنامه منتشر می نماید بدان دلیل است که دیگر رابطه آن با مردم فرماندهی نیست و نظرات و روحانیت برای مردم مثل گذشته واجب الاطاعه نمی باشد بلکه روحانیت برای توضیح نظریات خود نیاز به ارائه دلیل و برهان می بینند. البته بنظر ما پیش بینی میشود که این روزنامه نمی تواند جوابگوی رشد سیاسی فکری مردم باشد.

رشد سیاسی - فکری مردم اصفهان

۷ - عده ای در رابطه با مردم اصفهان میگویند در اینقدر که مردم انجاشید داده اند ولی اختلافات زیاد است و رشدی نکرده اند در حالیکه رشد سیاسی - فکری مردم اصفهان بسیار زیاد بوده است بعنوان مثال شهری کسه در گذشته اگر یک روحانی هر حرفی میزد واجب الاطاعه بود حالها مردم اصفهان در کوچه و بازار و در محافل خود، در مورد مجتهدین جامع الشرایط بحث میکنند و نظر میدهند. و در انتخابات هم شرکت میکنند بالاخره یکی از دو مجتهد را بر میگزینند

رشد مردم تهران در انتخابات میان دوره ای

۸ - در انتخابات میان دوره ای اخیر مردم

از نظر شرعی زن ایرانی می تواند در مسائل سیاسی دخالت کرده و با قدرت تشخیص که دارد تحلیل نموده و به یکی از کاندیداها رای دهد.

تهران میخواستند بین دور روحانی حجت الاسلام احمدی و حجت الاسلام ناطق نوری قضاوت و حکم کرد و سپس به یکی رای بدهند. مجموعه بحثها و استدلالها که در این انتخابات در رشد سیاسی - فکری مردم را بالا برد

رشد زنان در انقلاب

۹ - امام خمینی و شورای نگهبان از نظر شرعی تأیید نموده اند که زنان نیز حق شرکت در رای دادن دارند و در همین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی که با نظارت شورای نگهبان بود نیز رای خود را به صندوق ریختند

از نظر شرعی زن ایرانی می تواند در مسائل سیاسی دخالت کند و با قدرت تشخیصی که دارد تحلیل نمود و به یکی از کاندیداها رای دهد.

این رشدی است که مردم در سایه انقلاب مشروطیت، نهضت خیابانسی، نهضت ملی نفت، نهضت آزادی و حرکت مرحوم طالقانی و مجاهدین و قیام ۱۵ خرداد و انقلاب اسلامی بر سر می ما خمینی و رهمندهای دلسوازه مرحوم آیت الله طالقانی و آیت الله منتظری گسب کرده اند.

\*\*\*\*\*

بار پروردگارا از ان غیرت علی، از آن درد علی، از آن ناله های علی نصیب ما هم بکن آیت اله طالقانی



# اخبار ایدئولوژیک ولایت فقیه

و مشرك \* قلداد كرد است .

بیم پایمال شدن نسل ها در انقلاب

... ما که نسل اول انقلاب هستیم داریم پایمال میشویم ، وای به حال نسلهای بعد . این خطر وجود دارد که تمام شمارهای انقلابی به ضد خود تبدیل شود ، مثلی است که می گویند آب رفته به جوی باز نمیگردد . . . . .

راه مجاهد :

به مقاله فقر بینشی راه مجاهد شماره ۳ مراجعه شود .

## آیت الله منتظری بهت شورتی از انقلابیون ولسوز

مجله نور علم شماره مسلسل ۱۴ در تاریخ اسفند ۶۲ در بخش اول سرمقاله خود نظرات آیت الله منتظری را در مورد مسائل داخلی کشور آورده است . که ایشان طی ملاقاتی با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مطالب فوق را اظهار داشته اند .

در اینجا قسمت توصیه آیت الله منتظری را خطاب به دولت با توجه به اهمیت آن یاد آور می شویم .

۱ - باید مسئله جنگ و صلح آن را در مسائل قرار داد و برای فرماندهی واحد و قوی طرح اساسی و امکانات آن فکر اساسی کرد .

۲ - بجا است همیشه از افراد بیطرف و مردم انقلابی و دلسوز غیر شاغل که در رشته های مختلف تخصص دارند برای تنظیم خطوط سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی کشور بدون نام و نشان و تبلیغات تشکیل شود و نظریات نهایی آنها به هیئت دولت گزارش شود .

۳ - باید به صنایع نظامی اهمیت بیشتری داده شود و از مخترعین در این قسمت استفاده شود تا هر چه زودتر از این جهت خود کفا شویم .

۴ - لازم است کمک های و امکانات رفاهی و بهداشتی و عمرانی و فرهنگی به طو سف روستاها و مراکز تولید و کار متوجه شود و از امکانات شهره خصوصا سوسپید را مورد غیر ضروری امثال آبن و تلویزیون و اتومبیل نحو اینها کاسته شود ، بلکه بتدریج حذف گردد ، به نحوی که ماندن در روستاها و مراکز تولید و دست زدن به کارهای تولیدی مقرون به صرفه و جرت به شهره اکم شود .

۵ - لازم است مردم در تجارت و وزارت و صنایع و ایجاد تاسیسات و کارخانجات عام - المنفعه و سایر شغلها آزاد باشند مگر در موارد ضرورت ، نه اینکه بر منع و محدودیت باشد مگر با اجازه دولت ، چون دولت ، دولت است نه بازرگان یا کشاورز یا کارخانه دار .

.....

# مرزبندی بین حکومت الهی و دیکتاتوری مذهبی

کیهان ۶۵/۳/۲۰

بخشی از سخنان آقای هاشمی رفسنجانی در مجلس شورای اسلامی

" شما میدانید که ماهم مشروعیت دخالتمان ناشی از اراده امام است ما ایدئولوژییمان این است . ما با دیگر دیکتاسیهای دنیا فرق داریم فکر میکنیم هر حق داریم ، هر رأیی که میدهیم دخالتی که میکنیم اموالی که از مردم میگیریم و تصرف می کنیم ، اگر چنانچه وظایف اصنام پشتیبانتر نباشد نامشروع است ماحق حکومت نداریم ، حق حکومت را در ایدئولوژی ما از رهبری میگیریم ."

این تفکر که مشروعیت نظام ناشی از اراده امام میباشد حـرف

درستی است ولی به یک مرزبندی ظریف نیازمند است . زیرا یک تفکر خدا را واقعاً حاکم بر جهان و انسانها دانسته و از آنجا به حاکمیت و وراثت امام بر زمین میرسد و با ملاک خدا و صفاتش وارد قرآن شده و با فرامین قرآنی به انتخاب ولی فقیه میردازد چنانچه در دوران انقلاب مردم شعار میدادند خدا ، قرآن ، خمینی . در این صورت حاکمیت ولی فقیه همچون حاکمیت الله می باشد . در مقابل عده ای به جای تسلیم به خدای حاکم ، خدا را اثبات کرده و به این ترتیب به حاکمیت خود میرسند . این تفکر منشاء فاشیسم و دیکتاتوری مذهبی می گردد . حال آنکه اساس مذهب تسلیم و اطاعت از خدا و عدم تسلیم و عدم بیعت با غیر خدا است ، و همین تفکر منشاء حریت و مبارزات رهاییبخش میباشد .

برای ما ملموس و عینی تر گردد چرا که قبلاً بر ناهت های متفاوتی در مورد عبور آن حضرت از رود نعل وجود ناعت و تنها بصورت یک امنا د غیبی بدون زمینه مطرح میشد . در حالیکه به روزی فا و این ابهام را از زمین برد .

اینک با توجه گمری از آیه ۵۰ سوره بقره که در مورد گذار حضرت موسی از رود نعل است به بررسی حرکت رزمندگان در فا و می پردازیم .

وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَبْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ .  
و هنگامی که شکافتم برای شما دریا را پس نجات دادم شما را و غرق نمودم آل فرعون را حالیکه بودید نگران .

در تفسیر مجمع البیان در رابطه با فَرَقْنَا بِكُمْ آمده است : «عما را جنایی نادیم با دریا در مفردات راغب اصفهانی نیز فَرَقْنَا به معنای جدا کردن ذاتی و ترونی آمده است نه جدا کردن مکانیکی .

برناستی که از این آیه میشود این است که آیه شریفه میگوید : فَرَقْنَا بِكُمْ ، معنای ما را جنایی نادیم با دریا و نه فَرَقْنَا لَكُمْ ، به معنای اینکه برای شما آب را جدا کردیم با آب را شکاف دادیم .

با توجه به معنای آیه می بینیم که انسان نسبت به دریا مبنا بوده و حاکمیت دارد ، بدینصورت که انسانهای نمازند و بسج شده زمانیکه به دریا میرسند میتوانند از دریا نیز در جهت اهداف خود استفاده نمایند معنی در اصل عوامل باطنی

عینت گذار حضرت موسی (ع) از رود نعل گذر رزمندگان اسلام از رود نعل و باعث شد که گذار حضرت موسی (ع) از رود نعل



بقیه اخبار راز ص ۲۱ جنگ و ایدئولوژی

عبور از رود نعل بود . عراق گرچه از چنین طرح و نقشه ای باخبر بود ولی بدلیل کوری سیستماتیک و اینکه احتمال عبور از این رود را بعید میدانست آنرا باور نکرد و با توجه به اینکه همزمان در سایر نقاط جبهه ها نیز نقل و انتقالات نظامی دیده میشد کوری عراق بیشتر شده و حتی گفته میشود قبل از عملیات عراق به برخی از پرسنل نظامی خود در این متعلقه مرخصی نمز داده بود . رزمندگان اسلام با توکل بخدا و عزمی راسخ از این رود عبور نمودند و آنرا به خدمت خود بر آوردند . گفته میشود رزمندگان بهنگام "مدیرا قایق از روی مناطق ممن گذاری شده که به زیر آب رفته بود عبور نمودند و خود را به پشت جبهه دشمن رساندند . رزمندگان بسج شده و حق الب توانستند از این رود استفاده های نظامی فراوانی ببرند . ناظر عبور بی سروصدای غواصان و رفتن به پشت جبهه دشمن .

عینت گذار حضرت موسی (ع) از رود نعل گذر رزمندگان اسلام از رود نعل و باعث شد که گذار حضرت موسی (ع) از رود نعل

# اینکه خلع سلاح فلسطینی ها را بهانه کرده اند توطئه ای است از طرف اسرائیل و آمریکا

ام خمینی





# اخبار جنگ اسلام و کفر

## نقش و ستمای مرموز

در دامن زدن به اختلافات سپاه و ارتش جمهوری اسلامی

کیهان

۶۵/۴/۲۹

همکاری را کاهش دهد.

امام خمینی:

"این اختلاف از زبان هر کس باشد، از زبان هر موجودی باشد، زبان، زبان شیطان است. چه از زبان یک روحانی باشد، چه از زبان یک مقدس باشد، چه از زبان یک نمازگزار و چه از سایر زبانها".

استکبار جهانی هر گاه می بیند که در انقلاب تحولی ایجاد شده و تنگنای جبهه ها گرم است، سعی می کند بوسیله عناصر نفوذی خود در درون بسیج و سپاه و ارتش جمهوری اسلامی درگیرها و تضادهای فرعی را حده کند و آنها سعی دارند این دو نهاد را که بهترین نقش را در تداوم جنگ دفاعی بمباران دارند درگیر تضادهای فرعی بنمایند تا بدینوسیله جنگ را به زیر سؤال بکشاند و چنین وانمود سازند که منشاء تمام مشکلات و درگیرها جنگ است. آنگاه نتیجه می گیرند که لازمه حل مشکلات اختلافات پایان جنگ است و در این میان صدام در صدد است بوسیله این عناصر نفوذی مرموز به اهداف زیراست دست یابد:

- (۱) جنگ را از اصلیت و اولویت آن اخته و نیروهای صادق نهادها را از مسئله جنگ دور بدام مسائل فرعی بنماید.
- (۲) در میان نیروهای متعهد کینه های غیر الهی را رها داده و میل به وحدت و

## مقاومت رزمندگان و نکت نیروی هوایی صدام

نیروی هوایی تضعیف روحیه برای پیروزی نیروی زمینی

روانی میان رزمندگان ایجاد نموده تا نیروی زمینی خود را که از جان برکفی و شهادت طلبی رزمندگان ضربه سختی خورده، به پیش روی وادارد.

در مقابل شیوه صدام، رزمندگان دست به ابتکاراتی زدند که نیروی هوایی دشمن را از کارایی آنچنانی انداخته و ابهت آنها در آسمان فرو ریخت. حال با طرح این ابتکارات مراحل

فروریختن برتری نیروی هوایی عراق رازگر می گنیم، باشد تا شور و ابتکار در میان رزمندگان شدت بیشتری یابد.

### الف) روز قدس و ناگام ماندن جنگ شهرها

مردم با حرکت در راهپیمایی میلیونی قدس با وجود تبلیغات دشمن در بمباران شهرها نیروی هوایی عراق را خلع سلاح نموده و آمادگی خود را برای مقابله با جنگ روانی بی اعلام نمودند.

### ب) نزدیکی خط مقدمها، نیروی هوایی دشمن را فلج میکند

رزمندگان در جزیره مجنون و فاو و کربلای بک و ۴۰۰۰ با روی آوردن به عملیات بی آسمان خط مقدم خود راه خط مقدم دشمن نزدیک کردند که در نتیجه وقتی عملیات بی آسمان و درگیرها مستمر و خط مقدم ها، نزدیک و متحرک باشد بمباران هوایی و شیمیایی اثر معکوس می گذارد.

### ج) عملیات سرتاسری و کاهش تلفات

رزمندگان با بکارگیری عملیات سرتاسری از تجمع نیرو و جلوگیری نموده که در نتیجه به علت پراکندگی نیرو در صورت بمباران صدام تلفات بسیار کمی دارد.



### د) پیروزی فاو و ضربه به حیثیت هوایی عراق

بعد از پیروزی فاو به علت پدافند قوی و ابتکارات مردمی رزمندگان در گمراه نمودن رادارها و... نیروی هوایی دشمن ضربه سختی خورد و بیش از ۷۰ هواپیمای خود را از دست داد.

دشمن جمع بندی کرده و می گوید اگر بنا باشد در هر عملیات آنقدر ضربه بخوریم، نیروی هوایی کارایی خود را بعنوان یک بزرگ برنده از دست خواهد داد و تأثیر روانی نخواهد داشت.

### ه) استتار طبیعی و مرموزی، نیروی هوایی دشمن را گمراه می کند

استفاده از تاریکی شب، ابرها، باران و مه که وجوهی از استتار طبیعی هستند در شروع عملیات خود پوششی برای مقابله با وقت عمل نیروی هوایی صدام است.

عملیات محدود و دو شیبه کارسازی تفکری وجود دارد که معتقد است عملیات

محدود و بی آسمان به کادرهای فراوان نیاز دارد و چون در حال حاضر ما چنین امکانش را نداریم بنابراین انجام مستمر عملیات محدود میسر نیست.

راه مجاهد: در رابطه با کادر سازی، دوشیبه وجود دارد الف- کادر سازی در سکون: در این شیوه به آموزش در یکجاها و پادگانها به عنوان اساسی ترین روش کادر سازی اصالت داده میشود، که مسلماً "وقت و هزینه زیادی را طلب میکند. از طرفی بعد از آموزش با یستی مدتی این کادرها در جبهه کارکنند تا عملاً آموخته های خود را در میدان نبرد آزمایند. نتایج اشکالی که جریان فوق بوسیله عملیات محدود منتسب میکنند ناشی از این است که به کادر سازی در سکون اعتقاد دارد و چون امکان گسترده یا بگونه کادر سازی وجود ندارد از این رو انجام عملیات محدود را غیر ممکن می داند.

ب- کادر سازی در حرکت: این شیوه کادر سازی مستلزم درگیری مستمر با دشمن میباشد. بدین ترتیب که ما به تنهایی با دشمن افراد آنها را در یکسری فعالیتها رزمی مانند دیده بانی، گشتی، شناسایی و گشتی رزمی آموزش عملی میدهم و در مرحله بعد این جنگ و گریزهای بی دردی و عملیاتهای محدود است که زمینه ساز ساخته شدن این افسراد خواهد شد.

کادر سازی در حین حرکت وقفه ای در سیر جنگ بوجود نخواهد آورد و ما بطور مستمر میتوانیم آموزشها و عملیاتهای رزمی را توأم انجام دهیم. البته کادر سازی در حین حرکت ناشی یکسری آموزشهای اولیه در یکجاها نمی باشد. و در مرحله اول آموزش با یستی مورد توجه قرار گیرد. ولی آنچه که مورد نظر می باشد این است که اساس آموزش در حین حرکت تحقق پیدا کند. اگر به بسیاری از فرماندهان کنونی واحدهای رزمی بسیج و سپاه توجه کنیم می بینیم همان کسانی هستند که در صحنه عمل به این صلاحیت رسیده اند.

آیا قضا حکام عملیات باید در جبهه باشیم؟  
اسلام کتبی است مولد و مبارز

دیده شده است عده ای از رزمندگان صرفاً "عشق به عملیات دارند و فقط در هنگام عملیات حاضرند و رفتن و ماندن در جبهه هستند و در بقیه مواقع به شهر می آیند.

آنچه مسلم است سراسر جبهه ها پر است از صفات و صفات، برادری و برابری، عشق و ایثار و شهادت طلبی، لذا زندگی در جبهه، زندگی در یک روابط بهشت گونه است و نسبت به زندگی پشت جبهه ارجحیت دارد. لذا حتی اگر عملیات هم نباشد در صورت ترتیب برنا مه های در جهت تعمیق رزمندگان در جبهه، شوق به ماندن در جبهه افزایش خواهد یافت. و از طرفی یقیناً "مقدمت عملیات نیز مثل خود عملیات اهمیت زیادی دارد.

برنا مه های پیشنهادی به شرح زیر میتواند در تعمیق و سردا سازی جبهه ها مفید باشد. بقیه در ص ۲۱

ملت عزیز ما جنگ را تا سرحد شهادت و لقاء الله ادامه می دهند، گرچه مادی گرایان لقاء الله را نابودی لقب می دهند امام خمینی



\* حکومت يك دستگاہ سياسي است. آنكه ميگويد دين از سياست جداست تكذيب خدا را کرده است. تكذيب رسول خدا را کرده است. تكذيب آئمه هدی را کرده است.

\* ان صلح تحمیلی که در عصر امام حسن واقع شد و آن حکمیت تحمیلی که در زمان امیرالمؤمنین واقع شد و هر دو ی آنها بدست افراد حيله گر درست شد این مارا هدایت می کند به اینکه نه زیر بار صلح تحمیلی برویم و نه زیر بار صلح تحمیلی

يك دستای خبیث بودند که منای عرفان انسان یک محلی بگویی و رقصی بکنند و اینها مرتبه اصلاعی عرفان را میزها در کارند

ارتش سپاه و بسیج همراهم باشید  
و وحدت خودتان را حفظ کنید

\* حوزه های علمی و دانشگاه های اهل تحقیق بیاخیزند و قرآن کریم را از شر جاهلان متمسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته و می تازند نجات دهید.

از همه وظایف بالاتر اینست که در اگر یک روز اتکاء خودمان را از تیم آنروز روزی است که ما روبه خواهیم رفت. اتکاء خودتان را اقوی کنید که نصرت بدی نمی شود.

از همه وظایف بالاتر اینست که در اگر یک روز اتکاء خودمان را از تیم آنروز روزی است که ما روبه خواهیم رفت. اتکاء خودتان را اقوی کنید که نصرت بدی نمی شود.

# ویژه نامه فقه امام خمینی

حکمیت را به حضرت امیر (ع) و باید از این قضیه عبرت بگیریم  
امام حسن (ع) نیز تحمیلی

امام صلاح دوم ملک ایران و عراق و منطقه  
ضربه نهایی به صدام است

در تجهیز رزمندگان اسلام و وارد کردن

سدرتهای بزرگی که به سلاحهای عجیب و غریب خود نیکه دارند در اضطراب زندگی میکنند و شما گمان نکنید که آنها در کاخ سفید و گرمین آرام زندگی میکنند و این اضطراب برای اینست که آنها تابع شیطان هستند و شیطان نمی گذارد که در لب آنها طمانینه پیدا شود



## امام امت در سالروز خجسته میلاد حضرت تاملان الصبح (ع)

### طی دیداری با فر مانده ان ار تش و سپاه

۴- شما ملاحظه کنید الان قدرتهای بزرگی که اتکاء دارند به آن سلاحهای عجیب و غریب خودشان، در اضطراب دارند زندگی میکنند، گمان نکنید که کاخ سفید و یا گرمین الان آرام نشسته اند و با وضع آرام زندگی میکنند، آنها با اضطراب زندگی میکنند و این اضطراب برای این است که آنها تبع شیطان هستند و شیطان نمیگذارد که طمانینه پیدا شود در قلب انسان شما بخواهید که اضطراب نداشته باشید و بخواهید که ایمانتان را قوی بکنید، بدانید که نصرت دنبال است، اول باید اخلاصتان را قوی بکنید، ایمانتان را قوی بکنید بعد دنبال کار بروید به آنطوریکه خدای تبارک و تعالی امر فرموده است و این اخلاص و ایمان شما را تقویت میکند و روحیه شما را بالا میبرد و نیروی شما طوری میشود که هیچ قدرتی نمیتواند مقابله بکند امروز هم می بینید که همبیطور است.

بسم الله الرحمن الرحيم  
این عهد سعید به همه ملتها خصوصاً ملت ایران و خصوصاً رزمندگان ما انشاء الله مبارک باشد، خداوند انشاء الله شما پیروان اسلام را حفظ کند که در راه اسلام، در راه ملت خودتان کوشش کنید انشاء الله. آن چیزی که میخواهم عرض کنم اینست که ما و شما پیروان مکتبی هستیم که این مکتب آئمه هدی علیهم السلام جریان دهنده او بودند بعد از رسول خدا و حضرت رضا سلام الله علیه که میماند ما ایرانیها هست و ما مفتخریم به اینکه زیر سایه ایشان هستیم، مجری این بودند.

۵- کوشش کنید که در بین، این نباشد که من ارتشی هستم، من سپاهی هستم، من بسیجی هستم، همه احساس این را کنید که ما خدمتگزار اسلامیم، وقتی بنا شد همه خدمتگزار اسلام باشیم اختلاف دیگر پیش نیاید، شما بدانید که اگر تمام انبیا علیهم السلام در یک عصر مجتمع میشدند هیچ اختلافی نداشتند، اختلاف برای اینست که انسان، هر کسی میخواهد پیش خودش برای خودش یک کاری انجام بدهد، هر اختلافی از هوای نفس پیدا میشود، وقتی انسان بخواهد برای خودش یک مسئله را درست کند میبیند که آن رفیقش شاید جلو بیفتد، این یک قدری جلوتر میرود، او به قدر، یک وقت میبیند که اختلاف حاصل میشود.

۱- آنها تمام عمر خودشان را صرف کردند برای اسلام، تاریخ از پیغمبر اسلام اینطور نقل میکند، از آئمه هدی هم نقل میکند که اینها دائماً مشغول مجاهده بودند علاوه بر آن مجاهدات معنوی که فوق طاقت ماهاست، مشغول مجاهده بودند برای تحکیم مبانی اسلام و کوتاه کردن دست کسانی که به ملتها ظلم میکنند متنا هر کلام به آن نقطه ای که آن وقت قدرت داشتند و مع الاسف نگذاشتند که آن قدرتی که باید برای آنها حاصل بشود تا ما طعم او را بچشیم و بتوانیم تبعیت کنیم، اما امروز ما در یک کشوری هستیم که به حسب واقع و به حسب ادعای همه ماها کشوری است که اسلامی است و برای اسلام خدمت میشود، این يك وظایفی دارد که ما باید در آن وظایف کوشا باشیم، وظیفه ای که از همه وظایف بالاتر است اینست که اخلاص داشته باشیم برای کارهایی که میکنیم، شما گمان نکنید که اتکاء به ماورای خدا برای ما بتواند يك کارگشایی بکند، اتکاء به خدا بکنید، اگر ما يك روز اتکاء خودمان را از خدا برداشتم و روی نفت گذاشتیم یا روی سلاح گذاشتیم بدانید که آن روز، روزی است که ما رو به شکست خواهیم رفت شما امروز بحمد الله موجب سرافرازی ملت ایران شدید و ما - ایران هم موجب سرافرازی اسلام و اخلاص پیدا کنید در کارهای خودتان، اتکاء خودتان را با خداوند تبارک و تعالی قوی کنید که نصرت و نصرت بدون اتکا او حاصل نمیشود.

یونانی - غربی ارسطورا تنها روش تعقل میدانند بنابراین چنین نتیجه میگیرند که صحبتهای امام را نمیتوان در مساجد ارس، دانشگاهها و حوزه های علمی آموزش داد. در صورتیکه امام معتقدند عرفان سرتاپا استدلال توحیدی است و بارها به دعای عرفه و دعای کمیل و مناجات شعبانیه استناد کرده اند.

۴- عده ای از خط امامها معتقدند، ایدئولوژی امام بדרך شرایط سخت میخورد و بדרך شرایط عادی و طبیعی نمیخورد. اینها معتقدند تا آنجا که بتوانیم باید از قوانین و فرمولهای طبیعی استفاده کنیم و اگر این قوانین نتوانست ما را یاری نماید، در شرایط سخت پیمانور الطبیعه تکیه کنیم و اینجاست که ایدئولوژی امام بדרך میخورد. باید توجه داشت که ایدئولوژی اصیل الهی است که موجب پیدایش ابتلائات میگردد و شرایط سخت را بوجود می آورد والا اگر در عقاید مان اختلاقی بنیادی با ظالمان نداشته باشیم بر ما فشار نمی آید. بطور مثال اگر اصول انقلابمان اصیل نبود هیچگاه صدامیان به ایران حمله نظامی نمیکردند.

۵- عده ای معتقدند، امام همه مسائل مبتلا به را در رساله عملیه خود یعنی تحریر الوسیله نوشته اند. با رجوع به آن نیازی به پیامها و صحبتها ایشان نداریم. برخی از آنها معتقدند که تا صحبتهای امام در حوزه ها تدریس نشود و اجماع علما بر آن تعلق نگیرد نمیتوان بعنوان چیزهای مشروع و معقول از آن نام برد و در اختیار طبلا قرار داد. در حالیکه آیت الله صانعی که به نقطه نظرهای فقهی امام آگاهند در مراسم تودیع از مقام دادستانی کل کشور بدین مضمون گفتند: مجموعه صحبتها و پیامهای امام سه برابر فقه جواهری ارزش دارد.

## بسم الله الرحمن الرحيم انگیزه و هدف

مدتی است این سؤال برای ما مطرح است که چرا روی پیام و صحبتهای امام و آیت الله منتظری آنطور که شاید نباید کار نشده و پیگیری نمیشود. مشاهده کردیم هر وقت پیامی میدهند یا صحبتی میکنند تا چند روز عنوان مطبوعات میگردد و آنگاه به فراموشی سپرده میشود. در ریشه یابی علت این امر به نتایج رسیدیم و ملاحظه کردیم موانعی در کار است که ما اجمالاً به ذکر این مسوانع می پردازیم:

۱- عده ای از خط امامها می گویند از آنجا که پیامهای امام را باید با رهنمود ایدئولوژی خود امام تفسیر کرد، لذا این کار جرات میخواهد و به همین دلیل است که کسی در تیسریس آن نرفته و دست به آن نمی زند. در حالیکه ایدئولوژی امام در کتاب تفسیر الحمد و دعای سحر و ... و پیامها و صحبتهایشان وجود دارد و در دسترس می باشد.

۲- عده ای از خط امامها میگویند ایدئولوژی امام عرفانی بوده و بדרך عبادت فردی انسان میخورد و نمی توان از آن در جهت سلکت داری و کارهای اجتماعی استفاده کرد و بعبارت بهتر ایدئولوژی عرفانی امام متنی به فطرت بوده و قابل نظام شدن نمیباشد و مشکلات نظام جمهوری اسلامی را نمیتواند حل کند. در حالیکه امام معتقدند فطرت بازی نمیخورد و اینکه سیاست از متن دیانت نشأت گرفته و باید برای نجات انسانها از طریق تشکلهای اسلامی عمل کرد.

۳- عده ای از خط امامها معتقدند ایدئولوژی امام "عرفانی" بوده، لذا غیر "منطقی" میباشد. اینها از آنجا که منطق

کدام نفع بالاتر از کوتاه کردن دست جها خوران از ممالک اسلامی است.

امام خمینی



ما در صد آن نیستیم که به نظرات فوق بطور تفصیلی پاسخ داده و رفع موانع کمزیرا قبلا" اینکاره در مقالات مختلف راه مجاهد انجام شده است اما یقین داریم صحبتها و پیامهای امام، راهنمای عمل و قابل فهم و قابل آموزش بوده و میتواند مشکلات انقلاب را حل نماید.

اعتقاد ما بر این است که صحبتهای امام در روز تولد امام رضا (ع) و همچنین پیام حج و صحبتهای ایشان در عید غدیر مجموعا" "منشوری" را تشکیل میدهد که نقطه عطفی است در "فقه سیاسی" و "انقلاب اسلامی". ما بر آنیم تا با توکل بخداوند در آغاز هفتمین سال جنگ اسلام با ظلم و کفر کمپ دیویدی، این صحبتها و پیام حج امام را همراه با برداشتهای پید تولوزیک و استراتژیک خودمان بصورت یک ویژهنامه در آوریم. امیدواریم در این راه خداوند ما را از خطا مضمون داشته و نقطه شریعی گردد تا صاحب نظران و اندیشمندان در زمینه صحبتها و پیامهای امام گامهای بلندی بردارند. به منظور ساده فهمی، پیام و صحبتهای امام را فraz بندی و شماره گذاری کردیم و در برداشتهای خودمان به آن شمارهها استناد می کنیم.

انبیا" و تمام ائمه هدی دائما" در مجاهده و مبارزه با طاغوتها بودند.

اخیرا" یک استاد سوئدی در یک سمیناری در سوئد گفته است: "نباید از انقلاب اسلامی وحشت کنیم. درست است که انقلاب اسلامی ایران از امام علی و امام حسین الهام میگردد ولی شیعیان به امام دیگر نیز معتقدند که آن امامها اهل جنگ نبوده و سر صلح و سازش داشتند. استاد مزبور اضافه کرده "تا زمانیکه در عراق صدام بیزید بر سر کار است انقلاب اسلامی در خط امام حسین حرکت میکند ولی اگر کاری کنیم که در عراق صدام-معاویه روی کار آید در ایران هم خط امام حسن حاکم گشته و آنوقت جنگ پایان می یابد".

از طرفی می بینیم در سرمقاله "یک روزنامه کثیرالانتشار ایران نیز شبیه به همین مطالب به چشم میخورد. در این مقاله در مذمت افراط و تفریط در جنگ بدین مضمون آمده است که از اصام چهارم به بعد در صلح بودند و امام علی و امام حسن هم صلح کردند. نویسنده در مقاله معتقد است که مبارزه" داعی یک تفکر مارکسیستی است. در این مقاله "اولا" یک امتیاز بزرگی به مارکسیستها داده شده است که آنها همیشه تحت مبارزه هستند در حالیکه از ایدئولوژی مارکسیسم، مبارزه" مستمر در نمی آید. ثانيا" شعار "جنگ تا رفع فتنه در جهان" امام نیز مارکسیستی تلقی میگردد. ثالثا" به محتوای تهاجمی صلح امام حسن توجه نداشته در صورتیکه عاشورا در کربلا تداوم صلح امام حسن (ع) می باشد. رابعا" تصویری که در ذهن خواننده میگردد این است که امامهای دیگرما اهل سازش بوده و کلا" موجب میشود که جوانها از اسلام زده شوند. امام خمینی در روز تولد امام رضا (ع) گفتند: "ائمه هدی دائما" مشغول مجاهده بودند (صحبت امام در روز تولد امام رضا (ع) فraz ۱).

واقعیت هم همین است که انبیا" و ائمه اطهار همگی یک منطق داشته اند و آن اینکه به موازات بالا رفتن عرفانشان، مبارزه شان را با طاغوت زمان بیشتر کرده اند. در پیام حج و عید غدیر نیز به تک تک انبیا" و ائمه (ع) و مجاهده و مبارزه شان اشاره کردند. در روز عید غدیر بدین مضمون گفتند: "صلح تحمیلی به حضرت علی (ع) کار حیلہ گرها و خواج بوده است والا حضرت علی صلح نمیخواست

و با صلح تحمیلی و حکمیت تحمیلی و حکمیت تحمیلی مخالف بود. (صحبت امام در عید غدیر فraz ۷)  
اضطراب و وحشت و رکود غرب

امام به مناسبت تولد امام رضا بدین مضمون گفتند: غرب علیرغم طول و عرعر و سلاحهای پیچیده ما در اضطراب بسر میسرند به نظر ما یکی از موارد مهم اضطراب غرب این است که رکود وحشتناکی را در انتظار خود می بینند. امریکا مدتی است که اصلی ترین دشمن خود را تروریسم میدانند. منظور امریکا از تروریسم عبارت است از انقلاب بنیاد گرایانه" اسلامی و شیوه های چریکی دفع تجاوز در ایران، فلسطین، لبنان و خاور میانه. رابین رایت، تحلیلگر روزنامه" امریکایی کریستین ساینز مانیفور در توضیح تروریسم به عنوان دشمن اصلی چنین میگوید: "امریکایی غالبا" در تنهایی و عزلت بسر میبرد

یک گروه پیشمرگ، غذاهای آشپزها را میخورند تا مبادا نفوذی های جریان بنیادگرا در آشپزخانه های شیخ را مسموم کرد باشند. اشغال نظامی گرانا و مباران لیبی و حمله نظامی عراق به ایران همه به این دلیل است که غرب در اضطراب بوده و پایگاهی در میان مردم منطقه ندارد و مجبور است به سرکوب و سلاح متوسل شود. با یقین در خط مشی و با توجه به موارد بالا بایستی دفاع مقدس را ادامه دهیم و بدانیم که غرب و وابستگان نترامینی به آینده نداشته و در سراسر اشیبی سقوط قرار دارند.

تکیه کردن بر نفت و سلاح موجب شکست میشود  
در این شش سال که از جنگ میگذرد، چهار رکن تبلیغاتی غرب به شرح زیر بوده: رکن اول، مطرح کردن دامن زدن به اختلاف مسئولین برای از بسیج انداختن رزمندگان.

### اضطراب و وحشت غرب در این است که "انقلابیون مسلمان" نه "روسیه" شوروی "دشمن اصلی امریکا شده است و لذا دیگر سلاحهای اتی و صنایع فضایی و سلاحهای پیچیده بدرد نخورده و فلسفه وجودی خود را از دست داده اند.

ایالات متحده امریکا عملا" درگیر جنگ است در جنگی سخت و خارج از قاعده که تاکنون مواجه شده است. مخالفین بدون تشکیلات و رهبری هستند و غالبا" فاقد رهبری قابل شناسایی، اعضا یا دفتر مرکزی می باشند. ما میخواهیم انتقام بگیریم و ضربه متقابل بزنیم و حمله کنندگان با نیروی نظامی غیر اتی پاسخ بدیم ولی علیه کدام کشور و کدام سرزمین زیرا این دشمن کشوری نیست و مرزی ندارد. دشمن امریکا یک دشمن مذهبی است که

رکن دوم، مطرح کردن کمبود اسلحه و برتری تسلیحاتی عراق برای از بسیج انداختن ارتشها.  
رکن سوم، مطرح کردن ضربه پذیری خارک و سیری و قطع درآمد نفت جهت از بسیج انداختن مسئولین.  
رکن چهارم، دامن زدن اختلاف ارتش و سپاه برای از بسیج انداختن مردم.  
امام خمینی در روز تولد امام رضا (ع) با توجه به توطئه کاهش قیمت نفت و توطئه های

سریازانتر به یک مرز و بوم و کشور خاص مربوط نیستند.  
اضطراب و وحشت غرب در این است که "انقلابیون مسلمان" و نه "روسیه شوروی" دشمن اصلی امریکا شده اند و لذا دیگر سلاحهای اتی و صنایع فضایی و سلاحهای پیچیده بدرد نخورده و فلسفه وجودی خود را از دست داده اند. با این مقدمات ملاحظه خواهیم کرد رکود ناشی از مغلوبیت و بیکاری در آینده نزدیک سرتاسر امریکا را فرا خواهد گرفت.

همانطور که امام گفته اند غرب واقعا" در اضطراب است و طول و عرعر آن نباید ما را خود کم بین کرده و همینوتین نماید.

ملک حسن یکی از علل ملاقات خود با شمیمون پروز صهیونیست را "جلوگیری از تفسیرهای بنیاد گرایانه از اسلام" توصیف کرده است یعنی حرکتهای انقلاب اسلامی به حدی رشت و گسترش یافته که سلاطین منطقه به وحشت افتاده تا آنجا که آرمانهای خود را زیر پا میگذارند و هویت خود را از دست میدهند. در اجلاس شورای همکاری خلیج فارس در کویت

قد رو سیررهای از تکیه به نفع هر روز که میگردد شیوه های کم هزینه و مردمی و چریکی جنگ روه فزونی میورد بطوریکه در پیروزی فاو صرفا" از تانکهای خود دشمن استفاده کردیم. حتی گاری سیک مشاورانیشی کارتر اعتراف کرده که هر در آمد نفت مانع آن نشده از راههای کم هزینه و مردمی ادامه نیابد. (راه مجاهد شماره ۳۷)

اخلاص در خط مشی  
امام در تمامی مراحل جنگ یقین داشتند که صدام اهل صلح نیست و اگر شعار صلح و آتش بس میدهد برای این است که: اولاً" انسجام ما را به هم زده و بین ما اختلاف بیندازد.

ثانیا" فرصتی برای رفع خستگی و تجهیز بیشتر و هماهنگی با سایر نیروهای مرتجع پیدا نماید.  
توضیح اینکه نعم حداد عضو شورای فرماندهی عراق در زمستان ۶۴ اعتراف کرد که تا زمانی که حکومت مذهبی در ایران بر سر کار است، جنگ از طرف عراق ادامه دارد. چرا که حکومت مذهبی، مرز و بومی نشناخته و موجب دخالت در سایر کشورها میگردد. این اطلاع یقینی امام که صدام اهل صلح نیست ناشی از اعتماد به نفس خود و عدم شک نسبت به اصول انقلاب می باشد.

نتیجه میگیریم که صدام مجری اشاره های امریکا است جنگ را برای به زانو در آوردن جمهوری اسلامی و تعدیل اصول انقلاب ادامه خواهد داد، امام به طرح عملیات بی امان میرسد و میگوید نباید به صدام مهلت داد تا تجدید قوا کند. (پیام حج امام فraz ۸ و صحبت امام در روز تولد امام رضا (ع) فraz ۱)

خط مشی عملیات بی امان ناشی از اخلاص و زردن امام به خدا و عدم تکیه به نفت و اسلحه است. اخلاص به خدا به اخلاص در خط مشی تبدیل میگردد. این اخلاص موجب میشود که رزمندگان در عمل به قاطعیت برسند و هدفشان یگانه بوده و از هدف دو گانه یا چند گانه بپرهیزند. بعنوان مثال برخی از مسئولین معتقدند که بایستی به صدام مهلت داد تا سرعتل بیاید. آنگاه اگر سرعتل نیامد دست به عملیات بزنند. ما در رابطه با بسیج و اعزام نیرو به جبهه برخی هدف دو گانه دارند و معتقدند اگر غرب با مشاهده این بسیج کوتاه آمد و لغو حمایت از صدام کرد به هدف خود میرسد و گرنه دست به عملیات خواهیم زد.

وقتی رزمنده یقین داشته باشد که صدام اهل صلح نیست، نسبت به خط مشی عملیات بی امان به قاطعیت رسیده و عملیات را شتاب میدهد. البته یکی از نتایج عملیات بی امان این خواهد بود که امپریالیسم برای اینکه فشار نظامی ما را به سیاسی تبدیل کند امتیاز میدهند نظیر محکم کردن عراق بعد از پیروزی فو و بعثت کاربرد بسبب شیعیایی در سازمان ملل.

البته نباید در هدفمان چنین امتیازاتی را منظور نماییم. چرا که اخلاص را در خط مشی گرفته و قاطعیت را کم می نماید. امام دفاع مقدس و عملیات بی امان را عمل صالح و تکلیف الهی میدانند. و معتقدند هدف پیروزی نیست و بهترین پیروزی همان است که در صراط مستقیم مانده و از اصول جدا نشده تا به لغا" برورد کار برسم.

از انزوای اصولی نهراسیم

یکی از توطئه های غرب این است که انقلاب و جمهوری اسلامی را در سطح بین المللی از یکطرف و از طرف دیگر در بین نیروهای داخلی منزوی نمایند. امام بارها به

کیست که نداند صلح با این حزب بوسه و شرعیت شناختن حکومت بعث و از واضحترین خیانتها به مسلمین است امام خمینی





ای کاروان که میروی خجسته دل به کربلا  
رسان به محضر حسین خبیرز کربلای ما

### عقل و شرع حسینی و عقل و شرع غیر حسینی

امام در پیام حج، فراز ۲ به دو "عقل" و دو "شرع" در چهار مورد زیر اشاره کردند:

- ۱- تبیین قیام حسینی با عده و غده کم
- ۲- تبیین حرکت از کشوری به کشوری دیگر
- ۳- صلح با نمرودیان و امریکای جهانخوار
- ۴- تبیین لبیب به فریاد یا للمسلمین و نجات ملت عراق

به نظر میرسد این اولین مرزبندی آشکاری است که بعد از انقلاب توسط یک مقام رسمی اظهار شده است. مدتی است مسئولین از دو فقه صحبت میکنند. واژه‌هایی نظیر فقه نفتی و فقهاموی در نطقهای پیش از دستور مطرح شده ولی همانهایی که از دو نظام فقهی صحبت میکنند بر سر "عقل" و "حدت نظر" داشته و معتقدند کلید فهم قرآن و مدخل فلسفه، علم، فقه، عرفان و تصوف چیزی جز منطق تعقلی ارسطویی نباشد.

البته امام در تولد رسول اکرم (ص) سال ۶۲ در مورد کتابهای ارسطویی گفتند:

"کتابهای ارسطویی بوی از آنچه که در قرآن کریم دنبال میشود نمیدهد"

در تفسیر الحمد به "عقل" به حسب نظریه اشاره کرده اند و به نظر میرسد منظور امام از دو "عقل" یکی "عقل متکی بر فطرت خدا جو" است که مبنای استدلال شرعی است و اولی "عقل" است و دیگری "عقل" ارسطویی که مبنای استدلال اولیات ارسطویی است که خدا در آن منظور نشده است. (رجوع شود به شماره‌های گذشته راه مجاهد و کتاب منطق توحید)

امیدوارم مطبوعات کثیرالانتشار و صاحب نظران در این مورد گامهای بلندی برداشته و نگذارند قضیه مسکوت بماند. برخی از فقها معتقدند که "عقل" مقدم بر توحید است و میگویند در تمامی کتب اصول منجمله اصول کافی باب عقل اول آمده است.

به نظر میرسد یک عقل و عقلی است که تعقل را در کادر توحید می پذیرد و عقل دیگر عقلی

### یک عقل، عقلی است که تعقل را در کادر توحید می پذیرد و عقل دیگر عقلی است خود محور و حسابگر

است "خود محور" و حسابگر که عقل مقدم بر توحید را قبول دارد و تعقل را برای اثبات خدا لازم میدانند نه برای تحقق امر خدا. فرق بین حرمین یزید ریاحی و عمر بن سعد در این بود که اولی عقلش متکی به فطرت بود و دومی عقلش حسابگر. از هر پرسیدند چرا بدنت می لرزد گفت بخدا بین بهشت و دوزخ گیر کرده‌ام و اسب خود را به طرف اردوگاه امام حسین راند و دیگر حساب نکرد که امام حسین پیروز میشود یا نه ولی این سعید علیرم اینک به حق بودن امام حسین علم داشت و معتقد به کشتن امام حسین نبود ولی بالاخره عقل حسابگرش او را بطرف اردوگاه یزید خواند. عدمای معتقدند منظور امام از دو عقل و دو نظام عقلی متفاوت نیست بلکه بیش از یک عقل یعنی همان برهانی که صغری، کبری، نتیجه است وجود ندارد منتهی اگر دو صغری و دو کبری متفاوت بکار ببرند به دو نتیجه متفاوت میرسند. مثلاً "ممکن است یک کسی صغرایش این باشد که جنگ چیزی جز فخر و خون و خرابی بیارند و است و نتیجتاً به

پایان جنگ برسد و دیگری صغرایش این باشد که دفاع مقدس علیه جنگ تحمیلی یک عمل صالح و تکلیف الهی است و نتیجتاً به ادامه بی وقته جنگ برسد.

باید دقت داشت که این استنباط را نمیتوان دو عقل گفت چرا که در برهان ارسطویی - صغری و کبری بایستی مقدمات یقینی باشند نه "احساسی" و "اعتباری". در این مورد ارسطو گفته حتی دو دو تا چهارتا هم یقینی نبود و اعتباری است و نباید به آن اکتفا کرد بلکه بایستی آنرا به اولیات ارسطویی ارجاع دهیم تا به یقینیات تبدیل گردد. نتیجه اینکه دو مقدمه احساسی را نباید با دو عقل اشتباه گرفت. اگر دو مقدمه احساسی به اولیات ارجاع شوند یکی از آنها تایید میشود و یکی از آنها معقول خواهد بود.

### خدمتگزار اسلام باشیم، نه نهادگرا و گروهگرا

این روزها تحلیلگران غرب، ویژگی ارتش اسلام را، روحیه بالا و کمی تجهیزات دانستند و برعکس ویژگی ارتش عراق را فقدان روحیه ولی تجهیزات و امکانات زیاد میدانند. آنها برای تضعیف روحیه ما شبانه روز تلاش دارند تا بین ارتش و سپاه در جبهه همسایه اختلاف انداخته و با اختلافات طبیعی رادامین بسازند.

به نظر میرسد امام در مقابله با این توطئه و در جهت انسجام و هماهنگی بیشتر نیروها تلاش زیادی بکار بردند و در رابطه با راهبانی که در حول مسئله جنگ وجود دارد دلایل

### وحشت غرب از همین است که تمدن اسلامی بعنوان یک مجموعه دوباره زنده شده و قدرت تشکیلاتی و نظامی هم پیدا کرده است

عقلی و شرعی خود را بر شمرده اند. شاید بتوان مهمترین ویژگی صحبتها و پیام امام را همین امر بدانیم. امام بدین مضمون گفتند که همه احساس کم خد متکرار اسلام نه اینکه بگویم، بسیجی، سپاهی و ارتشی هستیم. زبان اختلاف، زبان شیطان است و لوروحانی یا نمازگزار باشد. (صحبت امام در روز تولد امام رضا (ع)، فراز ۷ و ۵)

امام در اینجا شیوه منافقین را مطرح می نمایند تا رزمنده فریب لباس و ظاهر افراد را نخورده و منافق را در عمل بشناسد.

### حفظ اسلام از حفظ احکام اسلام بالاتر و حفظ نظام جمهوری اسلامی، فریضه است

قبل از پیروزی انقلاب یکی از اتهاماتی که هواداران شرق و غرب به اسلام و مسلمانها میزدند این بود که اسلام نظام حکومتی از آن خود نداشته و مسلمانان باید یا به شرق متکی شوند یا به غرب.

این روزها افکار عمومی جهان اگر کم و بیش انقلاب و جمهوری اسلامی را قبول ندارد ولی یک مطلب را عمیقاً باور و اعتراف کرده اند که اسلام نظام حکومتی، سیاسی، اجتماعی، حقوقی، اقتصادی و منطقی و فلسفهای از آن خود دارد.

وحشت غرب از همین است که تمدن اسلامی بعنوان یک مجموعه دومرتبه زنده شده و قدرت تشکیلاتی و نظامی هم پیدا کرده است که حداقل شش سال است در مقابل عظیم ترین پویش امپریالیسم مقاومت نموده. بنظر میرسد امام در این رابطه است که گفته اند حفظ نظام جمهوری از فراتر و از اهم واجبات است (صحبت امام در روز تولد امام رضا (ع)،

فراز ۶) از آنجا که بالاترین عبادت انتظار فرج یعنی ظهور حکومت جهانی واحد به رهبری امام زمان (عج) است بنظر میرسد امام خمینی جمهوری اسلامی را گامی در جهت ظهور کامل مهدی (عج) دانسته و به همین دلیل است که حفظ آن را از اهم واجبات میدانند. پس از پیروزی انقلاب امام در رابطه با

دولت موقت هم گفتند این دولت، دولت امام زمان است. به نظر میرسد منظور امام اینست بود که دولت موقت با مواضع اسلام شده اش در جهت دولت امام زمان و در راستای انقلاب مهدی (عج) حرکت کرده و گامی و مقدمه ای است در جهت ظهور کامل امام معصوم.

ضرب المثلی است که میگویند اگر شب هنگام برقها خاموش شدند منتظر سپیده دم و روشنایی نشده بلکه چراغی روشن نموده و مقدمات روشنایی برق را با آن چراغ فراهم می آوریم. روشن کردن چراغ عین انتظار

### دخالت دادن اصل امامت و اصل انتظار فرج در احکام یک تحول بسیار عمیق در فقه سیاسی و اجتهاد انقلابی است

و چراغ گامی است در جهت روشنایی کامل صبح

از آنجا که امامت و امام زمان از اصول مذهب ماست باید لذا بنظر میرسد امام خمینی تشکیل جامعه توحیدی و صلواتی امام زمان و هر گونه تلاش و تشکیلی در آن راستا را حکم اولیه میدانند. بنظر میرسد علت اینکه حفظ نظام را از اهم واجبات بالاتر از احکام میدانند این باشد که نظام جمهوری اسلامی در شرایط فعلی یک تشکل اسلامی بوده که در راستای جامعه امام زمان میباشد.

دخالت دادن اصل امامت و اصل انتظار فرج در احکام یک تحول بسیار عمیق در فقه سیاسی و اجتهاد انقلابی است. اینکه امام میگویند حفظ اسلام بالاتر از احکام اسلام است به نظر میرسد منظورشان از اسلام، اصول اسلام و منظورشان از احکام، فروع اسلام باشد. در اینجا به نظر امام تحقق اصل امامت در شرایط فعلی، تشکیلات جمهوری اسلامی است که حفظ آن بالاتر از احکام میشود. برخی به غلط تصور کرده اند که امام در این بیانات ارزش چندانی برای احکام اسلام قائل نیستند در حالیکه امام احکام را



با اسم رب حرکت کنید و با اسم رب انحرافات را مستقیم کنید

امام خمینی



در صحنه قدرتش روز افزون بوده و صلح و سازش تحمیلی بدتر از جنگ چه معنی میدهد.

(پیام حج امام فخر رازی)

۴- برپا داشتن حیثیت اسلام و جمهوری اسلامی:

انقلابیون و مسلمانان زیادی در اطراف و اکناف عالم پراکنده شده که به اسلام و جمهوری اسلامی روی آورده و آنرا جزو ایدئالهای خود میدانند. در صورت صلح و سازش با آدم ظالمی همچون صدام، حیثیت جمهوری اسلامی لکه دار خواهد شد و بسیاری نسبت به اسلام منفعل میشوند.

۵- صلح مسلح:

یکی دیگر از توطئه های امپریالیسم توطئه صلح مسلح است که از طریق آن صدام فرصت پیدا میکند تجدید قوا و تجهیزات نموده و در یک دور وسیعتر حمله دوباره ای به انقلاب بنماید و نیروهای مولد و مبارز ما را در امتداد مرزها در حال آماد مبارزه نگه دارد و درآمد هر دو کشور صرف خرید اسلحه گردد. بنا توطئه صلح مسلح، نه جنگ خواهیم داشت

نه صلح و نه نیروی جوانان برای کار تولیدی، آزاد خواهد شد بولمان هم صرف خرید اسلحه خواهد شد. ولدا امام بهترین راه را ادامه بی امان جنگ میدانند. لازم است چند مطلب دیگر که دلایل ادامه جنگ هستند گفته شود.

۱- اعتقاد حزب بعث در صحبت های نعم حداد: وی گفته است تا زمانیکه در ایران حکومت مذمبی بر سر کار است جنگ از طرف عراق ادامه دارد چرا که مذهبمزمز و بسوس نشناخته و موجب دخالت در عراق میگردد. (رجوع شود به قسمت "اخلاص در خط مشی" ویژه نامه)

۲- علت محدثه علت عقبه هم هست: در حکمت اسلامی گفته میشود علت حدوث شیئی علت بقای آن نیز می باشد. حزب بعث جنگ را شروع و ایجاد کرد و حالا هم علت بقای جنگ همان حزب بعث عراق است. تا زمانی که حزب بعث عراق از کرده خود توبه نکنند و تجاوزش را به انقلاب و میهن ما محکوم ننمایند جنگ را ادامه خواهد داد و هرگونه صلحی، کاغذ پاره ای بیش نیست و به قول امام و همچنین حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی صلح مسلحی بیش نخواهد بود.

ایا راهی جز ادامه بی وقته عملیات نیز موجود است؟

امام حزب بعث را یک انفعی زخم خورده ای میداند که اگر فرصت پیدا کند زخمهایش التیام یابد، باز دوباره به ما حمله خواهد کرد.

باید توجه داشت که امام در سرتاسر دلایشان، جنگ ما را یک جنگ دفاعی در برابر تجاوز همه جانبه عراق به انقلاب و میهن اسلامی دانسته و نیاستی این تجاوز را صرفا جغرافیایی و زمینی دانست.



است که باید به شدت وحدت توفته های نظامی، سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی علیه حادی در مملکت بوجود آمد، متارکه بهتر از



صلحی است که موجب دخالت امریکای ابر قدرت که خضرناکتر از صدام است گردد. در این رابطه امام گفته اند صلح با حزب بعث موجب گرفتاری همیشگی میهن عزیزمان در جنگال ابرقدرتها میشود (پیام حج امام فخر رازی ۱۶).

بد در صورت صلح و سازش، نیروهای انقلابی، فرماندهان، رزمندگان و خانواده شهدا که خون داده اند ناراضی شده و ممکن است به ناامنی مملکت بیانجامد.

تجربه مصر را نباید فراموش کرد. آن عده که خیسهال میکنند پس از صلح، مملکت بطرف آبادی، عمران و بهسودی اقتصادی میروند سخت در اشتباهند. سادات هم چنین اعتقادی داشت و میگفت در سایه امنیت ناشی از صلح به بهبود اقتصادی می پردازند. مغافل از آنکه نیروهای عدل طلب و سازش ناپذیر

جمهوری اسلامی توجه کنند و حفظ نظامی را که به لانه جاسوسی حمله کرده و با کمپ دیوید درگیر بوده گروه گرای و خود محوری ندانند. در رابطه با صحبت های امام برخی چنین استدلال کرده اند که اگر نظام جمهوری اسلامی نباشد، ما هم نیستیم. بنابراین باید برای حفظ نظام کوشید که این باروح صحبت های امام نمی خوانند. یا برخی ولایت و حکومت را در ردیف احکام گرفته و تا اینجا آمده اند که هدف، اجرای احکام است و جمهوری اسلامی وسیله ای است برای اجرای احکام و به این دلیل است که حفظ جمهوری اسلامی واجب میشود. البته صحبت های عید غدیر امام که بدین مضمون گفته اند: ولایت در ردیف احکام نبوده و بالاتر است، متوجه این دسته می باشد (صحبت های امام در عید غدیر، فخر رازی ۱۵).

### در صورت صلح، پای سازمان ملل و ابر قدرت امریکا و شوروی در امور کشورمان باز شده که با اصل نه شرقی نه غربی مغایرت دارد. در حالیکه عراق مجری نظرات امریکا بوده، آیا درست است که پای امریکا در قضیه باز شود؟

قیام کردند و امنیت داخلی سادات و مبارک را بهم زدند.

شاید توطئه ای در کار باشد که ابتدا صلحی امضا شود و سپس همان نیروهای صلح خواه امام راه سازش متهم کرده و جنگ داخلی را شروع کنند.

۱- مشروعیت و رسمیت یافتن حزب بعث: امام مشروعیت یافتن و رسمیت شناختن شدن حزب بعثی را که پوونده اش قتل و جنایت در یک کشور اسلامی است، بزرگترین گناهان و واضح ترین خیانتها دانستند.

(پیام حج امام فخر رازی ۱۶)  
۲- قدرت روز افزون اسلام: عده ای مطرح میکنند که فردا خیلی دیر است و هر روز که صلح نکنیم، ضعیف تر شده و باید هر چه زودتر صلح کرد. امام در جواب گفتند جمهوری اسلامی و ارتش و سپاه و ملت

علل ادامه بی وقته جنگ

امام در پیام حج ضمن برشمردن دلایلی به شرح زیر، ادامه بی امان جنگ دفاعی را تا سر حد شهادت و لقا، الله اعلام نمودند:

۱- صلح و سازش بدتر از جنگ: علیرغم شایعات ضد انقلاب، امام در این جمله مختصر نشان دادند که ذاتا جنگ طلب نبوده، جنگ را بد ولی صلح و سازش را بدتر میدانند.

به دو دلیل صلح و سازش بدتر از جنگ است: الف- در صورت صلح، پای سازمان ملل و ابر قدرت امریکا و شوروی در امور کشورمان باز شده که با اصل نه شرقی نه غربی مغایرت دارد. در حالیکه عراق مجری نظرات امریکا، بوده، آیا درست است که پای امریکا در قضیه باز

واجب ولی تحقق اصل امامت را مهمترین اند. آنچه مسلم است بدون توجه به اصل امامت توحیدی و اصل ولایت و حکومت الهی برای احکام فرودین، مفید به فایده نبوده و پذیرفته نمیشود.

یکی از توطئه ها و ضد حمله های مهم امپریالیسم علیه انقلاب اسلامی همان ضیاء الحق گسردن کشورهای اسلامی می باشد و آن بدین ترتیب است که یک آدم وابسته و فاسد را بر سر کار آورده و او را در می نمایند تا احکام اسلامی را به شدت و حدت و همچون کاسه دغتر از آش اجرا نمایند مانند نیمی و ضیاء الحق در خارج و گروه عاقبت طلب در داخل.

اسلام و اطاعت از هر قلدر نوکر صفتی را ممنوع دانسته آنوقت چطور میتواند چنین فتوی احکام اسلام را اجرا نماید. حکومت اسلامی قانونی از متقین و صالحین است که حکمی بالاتر از حکم خداوند نمیدانند، حکم عبودیت خدا و لاغیر... و از اینجاست که حکم عدم بیعت با یزید، نمرود، فرعون و شیطان بزرگ، ام الفساد امریکا بصورت یک خط مشی در میاید، خط مشی عدم سازش در وابستگی به امریکا. ملاحظه میکنیم ضیاء الحق اصل اسلام و بالاترین حکم آن یعنی حکم بندگی خدا و عدم بیعت با امریکا را زیر پا گذاشته و میخواهد شمرگونه احکام اسلامی را اجرا نماید.

به نظر میرسد صحبت امام که حفظ اسلام و حفظ نظام جمهوری اسلامی بالاتر از حفظ احکام و فرود است در مقابل با این توطئه نیز می باشد.

در دعای کمیل آمده است: فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَتِكَ بِعِبَادَتِكَ وَأَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ... ای خداوند بدرستی که تو حکم کردی که بندگانت بنده، تو باشی و بندگانت را امر کردی تا تو را طلب کنند.

همچنین در قرآن سوره زلمیات آیه ۵۶ آمده است: وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ در این آیه شریفه خداوند فلسفه خلق را این دانسته که بندگان، بندگی او کنند و بنده غیر خدا نبوده، با طاغوت زمان سازش نکنند. آیا میتوان این حکم اساسی اسلام را زیر پا گذاشت و سایر احکام را اجرا کرد؟ آیا میتوان به ام الفساد قرن و شیطان بزرگ امریکا وابسته بود و مبارزه با فساد کرد؟ در دعای افتتاح آمده اللهم إنا نَرْفَعُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ... یعنی هر تشکل اسلامی حتی دولت کریمه امام زمان نیز وسیله ای است برای رفعت و عبادت و عدم بیعت با غیر خدا. آنگاه چطور میشود یک گروه یا نظام وابسته به امریکا بتواند احکام اسلامی را اجرا نماید.

عده ای به غلط تصور کرده اند منظور امام از حفظ اسلام، حفظ روحانیت و گروه گرای بوده در حالیکه منظور امام، نظامی است که در حال مبارزه همه جانبه با کمپ دیوید یعنی امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع عرب است و مسئولین چنین نظامی دائما جان بکف و خائفا ترقت بوده. در جمهوری اسلامی، نان و حلوا که خیر نمیکند یا شهادت در جیبه است یا در شهر.

یادی از شهید شریعتی پیشم که از نظام حکومت عثمانی دفاع کرده بود. آنگاه چپولها به او انتقاد کردند که دکتر ارتجاعی شده است. دکتر در جواب آنها گفت گرجه حکومت عثمانی الکوی اسلام نیست ولی از آنجا که سنگر مقاومی بود در مقابل امپراطوری بریتانیا و از تجزیه کشورهای اسلامی جلوگیری میکرد باید آنرا مترقی خواند و تایید کرد. روشنفکران انقلابی اگر به اصالت اسلام و خط امام پی نبرده اند ولی حداقل قضیه این



نجات انسانها و احکام

در روح یابی صحبت‌های امام و پیام حج به یک جوهره مهمی برخوردار می‌گردد و آن نجات انسانهاست. حتی در انجام مناسک حج به حجاج توصیه می‌کنند در اوج عرفان خودشان به عده‌های حق در رابطه با حکومت مستضعفین بیاندیشند و به فکر نجات محرومین باشند و در لحظه لقاء خدا از خداوند کسب شیوه نمود و راه حل نجات محرومین از دست مستکبرین را هم پیدا نمایند. (پیام حج امام، فرزاد ۱۱ و ۱۲)

عرفان امام نشان می‌دهد که روش شناخت ایشان با متدولوژیهای یونانی و غربی سنخیت نداشته و تسلیم به خدا و طلب حق رکن اصلی متدولوژی امام را تشکیل می‌دهد. امام حسین (ع) حج را نیمه تمام گذاشته و در کربلا آن را تمام نمود و در مناسک حج نیز به فکر نجات محرومین کوفه بودند.

برخورد های امام خمینی با احکام در خط و روش ائمه اطهار است. گفته میشود اگر شخص نمازگداری طفلسی را ببیند در آب افتاده و در حال خفه شدن است باید نماز را نیمه تمام گذاشته و آنرا با نجات بچه کامل و آنگاه به پایان رسانده و فائده ائمه اطهار نیز نجات انسانها بوده است.

حریت و بیزاری از ظالمان

در حالیکه امپریالیسم سعی دارد آزادی خواهان را به آنچنان آزادی ای مشغول نماید که در آن درگیری با امپریالیسم، صهیونیسم، ارتجاع و دستهای مرموز نداشته باشند (مانند بی نظیر بوتو، اکتیو و برخی جریانات در داخل که درگیری با امریکا و صهیونیسم این ظالمین و مشرکین بزرگ ندارند)

امام آزادگان جهان را آتانی میدانند که از ظالمان و مشرکان برائت می جویند. (پیام حج امام، فرزاد ۱۰)

از ائمه اطهار نقل شده است "بنده دیگری نباشد خدا تو را آزاد آفریده است". منظور امام از حریت و آزادی این است که بنده غیر خدا نباشم و نسبت به ظالمان بیزاری جویم.



آنکس که ترا شناخت، جان را چه کند  
فرزند و عیال و خانان را چه کند  
دیوانه کنی، هر دو جهان را بختی  
دیوانه تو هر دو جهان را چه کند

عرفان و عبادت فردی

امام در پیام حج مرز عرفان را با جوکی گری و تصوف، خانه نشینی و عبادت فردی نشان دادند و گفتند به موازات عشق بحق بایستی مبارزاتمان را با طاغوتها و سفاکین افزایش دهیم. (پیام حج امام، فرزاد ۱۰ و صحبت‌های امام در روز عید غدیر، فرزاد ۶)

با بیانات امام جای برای شک و شبهه ناعدین و عافیت طلبان و عارفین بی عملی نمی ماند که عرفان و عبادت بدون مبارزه با طاغوتها و مستکبران نه عرفان است و نه عبادت.

قرآن راهنمای عمل سیاست و اقتصاد

امام بدین مضمون گفتند که قرآن صرفاً جنبه معنوی نداشته و راهنمای عمل حکومت و سیاست نیز هست. لذا بایستی در این زمینه کسار بشود. همچنین گفتند، قرآن کتاب برهان است و سعی کنید بر همین آن را کشف کنید و در اختیار اهل آن بگذارید. (پیام حج امام، فرزاد ۱۳) از این رهنمود امام میتوان چنین استنباط کرد که نیازی به پراگندگی قرآنی نداریم و این خود میتواند تحول بزرگی در نظام آموزشی حوزه‌ها و دانشگاهها ایجاد

به نظر میرسد که تنها به کمک فقه چهارده معصوم است که می توان تحولی در فقه بوجود آورد. فقه سیاسی حکومتی را استخراج نمود.

نمایند

جناب حجت الاسلام خامنه‌ای در سخنرانی مشهد در سال ۶۴ بدین مضمون گفتند که فقه موجود سیاسی نبوده و بیدرد حکومت نمیخورد. وی بنیم امام در این پیام به ریشه مشکلات

توجه کرده و توصیه کردند که روی آیات سیاسی، اجتماعی و جنگی قرآن کار شود. امام حوزه های علمیه را به قیام برای نجات قرآن از دست جاهلان متتسک و عالمان متهاک دعوت میکند. همانطور که امام گفتند این کار عمل بزرگی است و نیاز به قیامی عظیم دارد. ما امید داریم که قرآن نیز جز در دستهای رسمی حوزه‌های علمیه منظور شود. (نمی دانم چرا به این قسمت

از پیام امام در مورد قرآن چندان توجهی نشد و کسی مقاله‌ای ننوشت)

امام و فقه چهارده معصوم

یکی از ویژگیهای امام در این سری از پیامها و پیامهای گذشته این بوده و هست که ایشان برای رهگشایی و حل مشکلات موجود عمدتاً به قرآن و سنت، آنهم سنت قرآنی انبیا و ائمه اطهار استناد می نمایند.

بنیم که امام اقتدر که از شیوه‌های حضرت ابراهیم و موسی و عیسی و ائمه اطهار توشه‌گیری میکنند کمتر به قواعد فقهی رایج استناد می نمایند.

ایشان ادعیه ائمه نظیر کبیل، مناجات شعبانیه، دعای عرفه و صحیفه سجادیه را ملو از معارف اسلامی دانسته و معتقدند هر چه به در اسلام و متون اصلی برگردیم به برداشتهای قرآنی از اسلام نزدیک میشویم و به نظر میرسد که تنها به کمک فقه چهارده

معصوم است که می توان تحولی در فقه بوجود آورد و فقه سیاسی حکومتی را استخراج نمود.

با بیانات امام جای برای شک و شبهه قاعدیسن و عافیت طلبان و عارفینسن بی عمل نمی ماند که عرفان و عبادت بدون مبارزه با طاغوتها و مستکبران نه عرفان است و نه عبادت.

ولایت بالاتر از احکام است

امام خمینی در صحبت‌های عید غدیر، فرزاد ۵ بدین مضمون گفتند که تفویض ولایت یک تفویض معنوی نبوده چرا که معنویت قابل تفویض نیست. امام گفته، بعضی ولایت را به معنای دوستی میگیرند، در صورتیکه ولایت به معنای تشکیل حکومت است یعنی همان کارهایی که پیامبر اکرم (ص) میکردند نظیر حکومت و سیاست و... به علی (ع) واگذار شد.

در اینجا می بینیم که علی (ع) از جانب خدا به ولایت منصوب شده است و نصب علی (ع) امر مستقیم خدا به پیامبر اکرم (ص) است.

بدنیال این استدلال بود که امام گفتند ولایت علی (ع) در عرض احکام نمیباشد بلکه بالاتر از احکام و فروع است. بنظر میرسد امام در این صحبتها "امامت"، "جعل حکومت" و "ولایت" را در ردیف هم و جز اصول مذ هب قرار داده اند و بنظر میرسد باز آنجا که امام نظام جمهوری اسلامی را در اینستا راسا می بینند آن را بالاتر از احکام میدانند. ایشان بدین مضمون گفتند، اگر حکومت نباشد عرفا، فقها و علما نمیتوانند اجتهاد کنند و دستاوردهای خود را عرضه کنند.

جدایی سیاست از دین

پس دیدیم استدلال امام به اینجا منتهی شد که ولایت علی (ع) نصب خداست و تفویض کارهایی است که پیامبر اکرم (ص) میکردند نظیر سیاست، حکومت، اصلاح امور و... امام جای شک و شبهه‌ای برای هیچکس باقی نگذاشت که هر کس ولایت علی (ع) را قبول دارد، بایستی در جهت تشکیل حکومت و اداره امور آن تلاش نماید.

اما ولایت به مفهومی که اهل سنت و فقیه‌هاست طلبان بکار میبرند را نفی کرده و آنرا صرفاً دوستی بدون عملی (ع) نمی دانند و گفتند جدایی سیاست و دین یکدیگر را بطلان میسر است.

نه صلح تحمیلی، نه حکمیت و نه حکم خمینی

امام خمینی در صحبت‌های بی‌الله غدیر فرزاد ۱۱ مطالب مهمی در توشه‌گیری از تاریخ

اسلام (صلح حضرت علی (ع) و امام حسن (ع)) و ربط آن به جنگ ایران و عراق ایراد کردند که ما طی دو محور به بررسی آن میپردازیم. الف - اصلت با عمل صالح است نه رای اکثریت: عده‌ای از طرفداران دمکراسی غربی معتقدند که نقطه قوت حضرت علی در رابطه با جنگ و صلح در صفین این بود که به رای اکثریت مردم تن داد.

از طرفی می بینیم شیوه انبیا و ائمه اطهار این نبود که اگر رای اکثریت مردم بر باطل قرار گیرد، به آن تن دهند. یعنی مثال حضرت لوط به خواسته غیر مشروع اکثریت قومش تن نداد. با نگرشی عمیق‌تر می بینیم که شیوه حضرت علی (ع) در صفین نیز همین بوده است. امام علی (ع) و مالک اشتر و یاران نزدیکش علیرغم صلح خواهی معاویه با ادامه عمل صالح جنگ موافق بودند. اما دستهای مرموزی مثل اشعث بن قیس که از ایادی معاویه در داخل سپاه اسلام بودند به جوسازی پرداخته و خوارج ساد هاندیش را با خود همراه نمودند و در مجموع بصورت نیروی فلج کننده درآمد و حضرت علی (ع) را تهدید به قتل کردند. نتیجه اینکه بایستی حساب مردم را از حساب دستهای مرموز جدا نمود. توجه داشته باشیم که طی شش ساله جنگ نیز تمامی راد یوهای بیگانه علیه دفاع مقدس، تبلیغات میکردند و حالا نبایستی با مردم برخورد آماری و خشک خالی نماییم.

در قضیه صفین نیز باید به نیاز حضرت علی (ع) توجه کرد نه به آنچه که دستهای مرموز بر سر او آوردند و بر او (صلح را) تحمیل کردند.

برای توضیح این مطلب بد نیست بسه صحرائ کربلا رفته و قضیه حل بیعت امام حسین (ع) با یارانش را در عصر تاسوعا بیاد آریم. امام حسین (ع) به یارانش رسیدن مضمون گفتند که من اینجا می مانم اینها با من کار دارند. شما با اهل بیت من بروید به دیار و بلاد اسلامی و... یاران وفادار امام حسین (ع) ملاحظه کردند که نیاز و تحلیل امام حسین (ع)، این است که در کربلا بماند و لذا آنها هم با توجه به این نیاز اصیل ماندند و قول امام حسین (ع) دایر بر تون کربلا را انجام ندادند. در قضیه صفین نیز باید به نیاز حضرت علی (ع) و تحلیل او توجه کرد نه به آنچه که دستهای مرموز بر سر او آوردند و بر او تحمیل کردند. تاسف این است که برخی از پیروان علی (ع) که از متفکرین اسلامی زمان ما نیز هستند به این نریاد های علی (ع) توجه ننموده و رای اکثریت (اجماع مردم) بدون دخالت نظر امام معصوم را اصلت میدانند. در توضیح "اجماع" که در آیه اربعه آمده است عموم شیعیان نظر امام معصوم را داخل در اجماع دانسته اند که در غیر اینصورت اجماع اسلامی با دمکراسی غربی فرقی نخواهد داشت.

با استراتژی امید در عبرت گیری از تاریخ در مقابله با دستهای مرموز، برخی بر اساس استراتژی یاس معتقدند آنچه در صدر اسلام و در زمان ائمه اطهار اتفاق افتاد در مورد انقلاب اسلامی نیز تکرار خواهد شد. بعنوان مثال میگویند بالاخره پس از فوت پیامبر اکرم (ص) جریان سقیفه حاکم شد و کار حکومت اسلامی بد آنجا کشید که دست مرموزی چون مروان بن حکم به حکومت رسید. اینها میگویند انقلاب اسلامی که عظیمتر از انقلاب

موازات عشق بحق از بهای بزرگ و کوچک و طاغوتها و وابستگانشان، برانگت جوئید.



رسول اکرم (ص) در صدر اسلام نمیباشد ، لذا خیلی طبیعی است که دستهای مرموز حاکم شوند .

این دیدگاه با القای جمعبندی یاس ، مقاومت ما را در برابر دستهای مرموز از بین برده و به حاکمیت آنها منجر میگردد و لسی استراتژی امید معتقد است که با عبرت گرفتن از تاریخ انبیا و اولیا بایستی به جلوگیری از توطئهها پرداخت و نگاه ابرم شرایطی که منجر به حاکمیت دستهای مرموز شد بوجود آید و تکرار شود . هر خونی که از صدر اسلام تا بحال ریخته شده یک پیام دارد و پیام آن شهدا این است که نگذارید آنچه به ما تحمیل کردند به شما هم تحمیل شود . استراتژی امید بر اساس این تحلیل معتقد است ، برای حفظ انقلاب اسلامی و جلوگیری از سقوط و یا هر لحظه تاخیر در سقوط جمهوری اسلامی ، بایستی خون داد و در برابر دستهای مرموز مقاومت کرد .

عدهای میگویند امام خمینی خود را از امام علی (ع) و امام حسن (ع) برتر دانسته و گفته است اگر به آنها صلح و حکمیت و تحمل کردند ولی ما زیر بار نمیرویم . واقعیت این است که امام خمینی همچون مالک اشتریه خواسته واقعی علی (ع) توجه نموده و همچون خوان تابع شرایطی که دستهای مرموز به حضرت علی (ع) تحمیل کردند نشده است .

حل اصولی تضاد شیعه و سنی

عدهای به غرضیایه غلط تضاد شیعه و سنی را دامن میزنند که عملکرد آن به نفع آمریکا است . عدهای هم تضاد شیعه و سنی را مسکوت گذاشته و با آن برخورد فحشالی نمی نمایند . اینها نیز راه درستی نمی بینند . امام در صحبتهای عید غدیر ، فرآز ۸

نه این تضاد را دامن زده و نه آنرا به سکوت برگزار کردند بلکه آنرا به شکل اصولی حل نموده و مسئله اولی الامر قلدرها را مطرح کردند و بدین مضمون گفتند که نباید از هر قدری بنام اولی الامر تبعیت کرد ، کسار اولی الامر واقعی اقامه امر است . امام گفتند و ... نباید موجب کارشکی شده . بطوریکه امریکاسود جوید .

امام اختلاف بنیادی شیعه و سنی را مزیندی کرده و آنرا حول مسئله حکومت الهی به شکل صحیحی حل کردند ، بطوریکه نظر امام در اکثر فطرتهای پاک و جوانان اعلا تسنن پایگاه دارد .

قرآن نازل است . توضیح اینکه اگر پیامبر اکرم (ص) دعا نمیکرد و خدا را طلب نمی نمود و نیازمند ویرسنگر نمیشد قسرا ن مکتوب بر آن حضرت نازل نمیشد و در شان حالات عرفانی ایشان آیهای نمی آمد . امام خمینی در رابطه با روش توشه گیری از قرآن به حدیث (إِنَّمَا يُغْرَبُ الْقُرْآنَ مَنْ خَوَّطَبَ بِهِ) بارها استناد کرده بدین معنی که تا کسی مسورد خطاب قرآن قرار نگیرد آن را نمی شناسد .

پیامبر اکرم (ص) بادعامندی و نیازمندی و سیوررت الی الله مورد خطاب خدا قرار گرفت و آیات برایشان نازل شد . عدهای به

تا کسی مورد خطاب قرآن قرار نگیرد آن را نمی شناسد . پیامبر اکرم (ص) با دعامندی و نیازمندی و سیوررت الی الله مورد خطاب خدا قرار گرفت و آیات برایشان نازل شد .

علی (ع) بود که غدیر را ایجاد کرد

امام در صحبتهای عید غدیر فرآز ۱ بدین مضمون گفتند که علی (ع) بود که غدیر را ایجاد کرد و نه غدیر علی را ، که نشان دهنده روش شناخت امام خمینی و روش توشه گیری شان از قرآن نیز هست . امام قبلاً گفته بودند که دعا قرآن "صاعدا" است و این قرآن مکتوب که در دست ماست

غلط فکر میکنند که منظور امام از استناد به این حدیث این است که فقط پیامبر قرآن را درک میکند ، در صورتیکه منظور امام روش توشه گیری از قرآن است یعنی تا کسی دعامتد و نیازمند نشود نمی تواند از همین قرآن مکتوب نیسز توشه ای گرفته و قرآن را راهنمای عمل نماید و هر کس خود را تزکیه کند البته مورد خطاب آیات قرآن قرار گرفته و آن را درک میکند . مطلبی را که امام در مورد حضرت علی (ع) گفتند این بود که این ارزشهای علی (ع) بود



که غدیر را بوجود آورد ، غدیر ارزشی را برای علی بوجود نیاورد . به نظر میرسد ، منظور این است که شرایط نعمتواند انسان را رشد دهد بلکه این انسان کامل و معصوم بود که شرایط را ساخت و بیع الله غدیر را بوجود آورد . به علت رشد و فسر الی الله علی (ع) بود که آیهای در شان او بر پیامبر اکرم (ص) نازل گشت که اگر او را به جانشینی خود معرفی کنی رسالت به پایان نرسیده است . (یَسَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ مَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ) .

سوره المائدہ آیه ۱۷

ترجمه : ای پیامبر آنچه از جانب پروردگارت به تو میرسد ابلاغ فرما که اگر نکنی رسالتت کامل نشده است و خداوند تورا از توطئه های مردم حفظ میکند . همانا خداوند هدایت نمیکند قوم کافران را .



سپاهی داریم و یک همچین ارتشی داریم و یک همچین قوای مسلحهای داریم و یک همچین ملت واشخاصی داریم و همچنین دست اندرکارانی داریم که همه آنها انشاء الله برای خدا عمل میکنند . والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

امام امت بمناسبت عید سعید غدیر با مسئولین مملکتی

و اعضای ستادهای پشتیبانی سراسر کشور :

این شده است که غدیر پیش باید . غدیر برای ایشان ارزش ندارد . آنکه ارزش دارد خود حضرت است که دنبال آن ارزش غدیر آمده است . خدای تبارک و تعالی که ملاحظه فرموده است که در پسر بعد از رسول الله کسی نیست که بتواند عدالت را به آن طوری که باید انجام بدهد آنطوری که دلخواه است انجام بدهد مأمور می کند رسول الله را که این شخص را که قدرت این معنا را دارد که عدالت را به تمام معنا در جامعه ایجاد کند و یک حکومت الهی داشته باشد این را نصب کن .

نصب حضرت امیر به خلافت این طور نیست که از مقامات معنوی حضرت باشد مقامات معنوی حضرت و مقامات جامع او این است که غدیر پیدا شود و اینکه در روایات ما و از آن زمان تا حالا این غدیر را اقتدر از آن تجلیل کرده اند نه از باب اینکه حکومت یک مساله ای است حکومت این است که حضرت امیر به این عباس می گوید که بگذار این کشش بی قیمت هم پیش من نیست آنکه هست اقامه عدل است . آن چیزی که حضرت امیر (سلام الله علیه) و اولاد او می توانستند در صورتی که فرصت به آنها بدهند اقامه عدل را به آنطوری که خدای تبارک و تعالی رضا دارد انجام بدهند اینها هستند لکن فرصت نیافتند .

بسم الله الرحمن الرحیم  
امیدوارم انشاء الله این عبد مبارک به همه ملت های مظلوم و بخصوص به ملت شریف ما مبارک باشد . خداوند انشاء الله که با عنایات خاصه خود نظری به این ملت بزرگ که باید گفت پرچمدار اسلام در این عصر هستند به اینها عنایت خاصی بفرماید و آنها را از عنایات خاصه خود نصیب بزرگ عنایت بفرماید . من در باره شخصیت حضرت امیر چی می توانم بگویم و کی چی می توانم بگویم . ابعاد مختلفی است که این شخصیت بزرگ دارد به گفتگوی ما و به جستجوش پشری در نمی آید . کسی که انسان کامل است و مظهر جمیع اسماء و صفات حق تعالی است ایمانش به حسب اسماء حق تعالی باید هزار تا باشد . ما از عهد بیان حتی یکی اش را نمی توانیم برآئیم . این شخصیت که جامع تعداد است ، امور متضاده در او جمع است کسی نمی تواند در حول و حوش او سخن بگوید از این جهت من در این موضوع بهتر می دانم که مالکت باشم .

لکن مسئله ای را که بهتر است ما بگوئیم آنرا آن است که برای ملت ها و خصوصاً برای شیعیان این حضرت پیش آمده است در طول تاریخ و دستهای که این آنرا را از اول بوجود آوردند و توطئه های که بوده است در طول تاریخ و اخیراً در این سال های اخیر ، سدهای اخیر پیش آمده است آنها را عرض کنم . مسئله غدیر مسئله ای نیست که به تشه برای حضرت امیر یک مسئله ای پیش بیارد ، حضرت امیر مسئله غدیر را ایجاد کرده است . آن وجود شریف که منبع همه جهات بوده است موجب

امروز قضیه ، قضیه دفاع است ، دفاع از یک قدرتهای که میخواهند حمله کنند ، میخواهند به هر طوری شده است باز شما را و ما را برگردانند به اسارت اولی و این دفعه اگر آنها خدای نخواسته یک قدرتی پیدا کنند مثل سابق نیست آنها اساس اسلام را از بین میبرند برای اینکه دهند اسلام است که میتواند کار بکند و در مقابل بایستد و این یک فریضه ایست بر همه ما و از اهم فرائض است حفظ اسلام یعنی حفظ اسلام از حفظ احکام اسلام بالاتر است ، اساس اسلام اول است و دنبال او اساس احکام اسلام است ، بر همه ما بر همه شما به مقداری که قدرت داشته باشیم ، به مقداری که توانائی داشته باشیم واجب است که جدیت کنیم در اینکه این دفاع مقدس را ما بطور شایسته عمل بکنیم .

شما در جبهه ها هیچ نگذارید آرامش پیدا کند دشمن اگر بگذارید آرامش پیدا کند می رود و تجهیز زرادت میکند و شما را به زحمت می اندازد باید نگذارید که او یک شب از اضطراب بیرون بیاید الان در اضطراب هستند ، نگذارید که آنها از اضطراب بیرون بیایند و ثابا همه ملت ایران باید در این امر شرکت داشته باشند ، مسئله مسئله یک حکومت نیست مسئله مسئله یک جنبه نیست ، مسئله مسئله اسلام است ، مسئله اسلام یعنی برزن و مرد این کشور واجب است که دفاع کنند ، هر کس به اندازه ای که میتواند باید دفاع بکند و این دفاع را باید تعقیب بکنیم تا انشاء الله به پیروزیهای که خدای تبارک و تعالی میخواهد برسیم که من امیدوارم که خداوند به همه شما توفیق عنایت کند همه شما را حفظ کند و وحدتتان را حفظ کند و جدیتتان را دوچندان کند و شما مطمئن باشید که شما پیروزید برای اینکه کسی که برای خدا عمل میکند پیروز است .

این پیروزی برای شما هست ، خدا وعده کرده است که اگر نصرت کنید خدای تبارک و تعالی را شما را نصرت میکند . نصرت ها هم که همه دیدید و همه اوقات دیدید که چه نصرت های حاصل شده است و حاصل میشود و حاصل خواهد شد . مطمئن باشید قلب هایتان قوی باشد و هیچ از هیچ اسری نترسید ، از هیچ قدرتی نترسید ، این قدرتها قدرتهایی نیستند که بتوانند با اسلام مقابله کنند . شما انشاء الله امیدوارم که موفق باشید و انشاء الله من هم که دعا میکنم به شما و واقعا متخرم به اینکه ما یک وقت واقع هستیم که یک همچین ملتی داریم و یک همچین

ان در این مقطع زمانی که ما موجود هستیم و می بینید که همه قدرتها برخلاف ما دارند فعالیت میکنند و استثناء آن بسیار کم است شما اگر در داخل خودتان یک خطی پیدا شود ، یک اختلافی پیدا شود خدای نخواسته و انشاء الله نخواهد شد و اگر خدای نخواسته شیاطین بخوانند یا شیاطین داخلی ، یا شیاطین خارجی ، رسانه های

گروهی بخوانند یک اختلافی ایجاد کنند شما بدانید که علاوه بر اینکه در اینجا شکست خوردید در آن عالم هم پیش خدا مسئول هستید برای اینکه حفظ جمهوری اسلامی یک فریضه است بر همه ما و ما اگر چنانچه این فریضه را بدرستی بخوایم انجام بدهیم باید همه با هم همراه باشیم ، یعنی نه همین شما ، نه همین سپاه و عرض کنم ارتش ، نه همین قوای مسلحه ما ، همه ایران ، همه افراد ایران ، از روحانیون گرفته تا بازاریها نامجلس نامه جا وقتی همه اینها با هم شدند یک قدرت ، یک قوه هستند و این قوه میتواند در مقابل همه چیز ایستادگی کند و بداند که امروز که از جهات دیگر مایوس شدند از جهت اینکه

در جبهه ها آنها یک پیشرفتی بکنند با بتوانند وفایه را برگردانند و یا بتوانند در مهرا ن کاری بکنند آنها مایوس شدند از این نکته مایوس نیستند که بین خودتان بیاند ۷- ایجاد کنند اختلاف را این اختلاف از زبان هر کس باشد ، از زبان هر موجودی باشد این زبان ، زبان شیطان است ، چه از زبان یک روحانی باشد ، چه از زبان یک مقدس باشد ، چه از زبان یک نمازگزار باشد و چه از سایر زبانها بدانید که این زبان ، زبان شیطان است و گاهی هم خود آن آدم ملتفت نیست که تحت تاثیر شیطان است و زبان شیطان در او دارد فعالیت میکند بنابر این از امور مهمه ای که بر همه ما واجب است دفاع از اسلام ، دفاع از جمهوری اسلامی است و آن بستگی دارد به وحدت . هر کس در هر لباسی باشد و در هر مکانی باشد و زایش به جریان پیدا کند برای اینکه ولو به واسطه هایی بخواند ایجاد اختلاف بکند بین شما این از جنود ابلیس است و مطروود است پیش خدا و مسئول است پیش خدا ولو اینکه یک آدمی باشد که نماز شبش ترک نمی شود ، این مسئله مسئله مهمی است مسئله وحدت بین شما و وحدت همه قشرهای مختلف ایران یک امر مهمی است برای حفظ کبان اسلام که واجب است بر همه ما ، چنانچه بر همه ما واجب است که به هر طور میتوانیم دفاع کنیم از اسلام

شما ای فرزندان برومند اسلام ، حوزه ها و دانشگاه ها را از توجه به شئونات قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار کنید . (امام خمینی)



جمل حکومت است، این است که قابل نصب است. والا مقامات معنوی قابل نصب نیستند یک چیزی نیست که با نصب این مقام پیدا شود لیکن این مقامات معنوی که بوده است و آن جمعیتی که برای آن بزرگوار بوده است اسباب این شده است که او را به حکومت نصب کنند و لهذا می بینیم که در عرض صوم و صلاه و امتثال آنها می آورد و ولایت مجری آنها است ولایتی که در حدیث غدیر است به معنای حکومت است. نه به معنای مقام معنوی و حضرت امیر را معنای حکومتی که من راجع به قرآن عرض کردم که قرآن و در روایات است این نازل شده است به منزل مختلف کلیت سبب و الی سبب و الی زاینتر تا حالا رسیده است به دست ماها بصورت یک مکتوبه. حضرت امیر هم اینطور است، رسول خدا هم اینطور است. مراحل طی شده است، نازل پیدا کرده است از وجود مطلق نازل پیدا کرده است از وجود جامع نازل پیدا کرده است و آمده است پائین تا رسیده است به مقام طبیعت در عالم طبیعت این وجود مقدس و آن وجود مقدس و اولیای بزرگ خدا.

بنابراین اینکه حدیث غدیر را ما حساب کنیم که میخواند یک معنوی را برای حضرت امیر با یک شایقی برای حضرت امیر درست کنند نیست. حضرت امیر است که غدیر را بوجود آورده است، مقام شایخ اوست که اسباب این شده است که غدیر تبارک و تعالی او را حاکم قرار بدهد. مسئله، مسئله حکومت است. مسئله سیاست است. حکومت عدل سیاست است تمام معنای سیاست است. غدای تبارک و تعالی این حکومت را و این سیاست را امر کرده که پیغمبر به حضرت امیر واگذار کنند چنانچه خود رسول خدا سیاست داشت و حکومت بدون سیاست ممکن نیست. این سیاست و این حکومتی که همین با سیاست است در روز غدیر برای حضرت امیر ثابت شد. این را که در این روایت هست در روایات هست که مبنی الاسلام علی خمس؛ این ولایت، ولایت کلی است است نیست. آن امامی که هیچ عملی مقبول نیست قبول نشود الا به اعتقاد به امامت این معنایش این حکومت نیست. خوب ما بسیاری از امامان حکومت نداشته اند. ما الان معتقدیم که حضرت امیر در یک برهه از زمان به حکومت رسید. حضرت امام حسن هم یک مدت بسیار بسیار کمی به حکومت رسیده بقی الله حکومت نداشته اند.

۲- آنکه غدای تبارک و تعالی جمل کرده و میناش هم برای الهه مدنی جمل شده است حکومت است لیکن نگذاشتند که این حکومت کسر پیدا بکنند بنابراین حکومت را خدا جمل کرده است برای حضرت امیر (سلام الله علیه) و این حکومت یعنی سیاست، یعنی همین با سیاست، از امرجا جهانی که پیدا شده است مع الاسف اینست که یعنی امواج زیاد پیدا شده است اما از بزرگترین این است که معنای از زمان سابق از زمان خلفای اموی و خلفای عباسی (علیهم السلام) از آن زمان معنای پیدا شده است که بگویند که مبنی علیهم السلام است و سیاست علیهم السلام است و حکومت است. هر چه طرف پائین آمده است این لغت گرفته است تا وقتی باز پگرهای دنیا که میدیدند باید این را یک چیز نمیدی قرار داد این بازگرا آمدند و اینطور کردند که ماها هم باورمان آمده بود که مبنی چکاروارده به سیاست سیاست مال

امیر اطوره این معنایش این است که نطقه کنیم خدا را و رسول خدا و امیر المؤمنین را برای اینکه حکومت سیاست است ۲- حکومت که دعا خواندن نیست، حکومت که نماز نیست حکومت روزه نیست. حکومت، حکومت عدل اسباب این میشود که اینها گفته شود اما خود حکومت بکنند سیاسی است آنکه میگوید مبنی با سیاست جدت تکلیف خدا را کرده است تکلیف رسول خدا را کرده است تکلیف الهه غدیر را کرده است و این تکلیف این قدر صدای غدیر بلند است و اینقدر برای غدیر ارجح قائل شده اند و ارجح هم دارد برای این است که با اقامه ولایت یعنی با رسیدن حکومت به دست صاحب حق همه این مسائل حل میشود.

۳- همه اینها را مبنی بر حکومت است (سلام الله علیه) حکومت را که میخواند بهما کند تمام انتحرفات از بین میرفت و محیط یک محیط صحیح و اسلام میشد که آن وقت مجال برای همه اشخاص که دارای افکار هستند حرفا که دارای افکار هستند حکما که دارای افکار هستند. البته همه برای آنها مجال هم پیدا شود. از این جهت اسلام بنی علی حسن نه معنایش این است که ولایت در عرض این است ولایت اصطناس مساله حکومت است و حکومت هم اینطوری است حتی از فروغ هم نیست. آن چیزی که برای الهه ما قبل از غدیر و قبل از همه چیزها بوده است این یک مقام است که تمام ولایت کلی است که آن امامت است که در روایت هست که حسن و حسین امامان لهما اولیاء گفته که امام نیست. امام به معنای حکومت نیست این یک امام میگردد و یک مساله دیگری است. مساله ایست که اگر او را کسی قبول نداشتند باشد اگر آن ولایت کلی را قبول نداشتند باشد اگر تمام نمازها را مطابق با همین قواعد اسلامی شیعیه هم چنان یادرو باطل است این غیر حکومت است این در عرض اینها نیست این از اصول مذهب است این است که اعتقاد به آن لازم است و از اصول مذهب است و انتحرفاتی که پیدا شده است خلاصه بر همه انتحرفاتی که همین انتحرف است که ما باور کردیم که سیاست به ما چه ربط دارد فلسفه سیاست است که

بنهاند که سیاست به همه مربوط است. در هر عصری باید حکومتی باشد با سیاست متناهی سیاست عدالت که بنهاند به واسطه آن سیاست انفسه صلاصه صلاصه صلاصه صوم کنند. البته هیچ کس نداشتند البته همه معارف را بکنند و راه را باز بگذارند برای اینکه صاحب افکار یعنی آرام کند که صاحب افکار، افکارشان را با دلگرمی و با آرامش ارائه بدهند. بنابراین اینطور نیست که ما خیال کنیم که ولایتی که در اینجا می گویند آن امامت است و امامت هم در عرض فروغ مبنی است نه غیر این ولایت نظیرت از حکومت است حکومت مجری اینهاست در عرض هم به آن معنی نیست مجری این مسائل دیگر است این انتحرفات خیلی زیاد است نمیشود معنایش ۳- را احصاء کرد. خیال کردند یک دسته زبانی که معنای عرفان عبارت از این است که انسان یک محطی پیدا شود و یک دکری بگوید و یک سری حرکت بدهد و یک رقصی بکند و اینها این معنی عرفان است مرتبه اعلی عرفان را امام علی (سلام الله علیه) داشته است و هیچ این چیزها نبوده در کار خیال میکردند که کسی که عارف است باید بکلی کنار بگذرد از همه چیز و بیرون کنار نشیند و یکدیگر بگوید و یک قدری نشانی بشود و یکدیگر چه بکنند و دکانتاری امیر المؤمنین در حین حالیکه اعرف خلق الله بعد از رسول الله بر این است، اعرف خلق الله به حق تعالی بود مملکت نرفت کنار نشیند و هیچ کاری به هیچی نداشته باشد هیچ

و وقت هم حلقه فکر نداشت مشغول بود به کارهایش ولی آن هم بود. با خیال نمیدید کسی که اهل سلوک است اهل سلوک باید به مردم دیگر کار نداشته باشد. در شهر هر چه میخواند بگذرد من اهل سلوکم بروم یک گوشه ای بنشینم و در بگویم و سلوک پول خودش پیدا کنم این سلوک در انبیا و اهل انبیا از انبیا بوده است در اولیا زاینتر از دیگران بوده است لیکن ترفند توی عاقلان نشینند و بگویند ما اهل سلوکیم و بچکار داریم که به ملت چه میگذرد و هر کسی حرکتی میخواند بکنند اگر بتواند که اهل سلوک باید بیرون کتار نشینند پس باید انبیا هم همین کار را بکنند و نکرند موسی بن عمران اهل سلوک بود ولی مملکت رفت سراغ فرعون و آن کارها را کرده و با برانیم هم همینطور رسول خدا هم که همه میدانیم رسول خدا که سلوهای طولانی در سلوک بوده است. و فیکه فرصت پیدا کرد یک حکومت سیاسی ایجاد کرد برای اینکه عدالت ایجاد شود. تبع ایجاد عدالت فرصت پیدا میشود برای اینکه هر کسی هر چیزی دارد یادرو و فیکه آشفته هست نمی توانست در یک محیط آشفته نمی شود که هر حرفان حرفشان را عرضه کنند اهل فلسفه، فلسفه ایشان را و اهل فقه فقهشان را و لیکن وقتی حکومت یک حکومت عدل الهی شد و عدالت را جاری کرد و نگذاشت که فرصت طلبی به مقاصد خودشان برسد یک محیط آرام پیدا میشود در این محیط آرام همه

حکم باید بشود را، بعد که حضرت امیر با فشار اینها نتوانست، میخواستند بکشند او را اگر نکند لیکن آنها چیز کرده بودند که چه بشود. حکم قرار بدهید قرآن است، قرآن است. این ابتلا را حضرت امیر داشت. الان نظیر آن را ما داریم

اینکه میگویند، این دور و آن دور راه میآیند که بگذارید یک حکمینی پیدا بشود بیاید، حکم پیدا بشود که بیاد کارها را انجام بدهد، تشخیص بدهد که کی چی است. دنیا نمی دانند که کی متجاوز است؟ ما از آن قضیه باید عبرت بگیریم و زیر بار حکمیت، ما این در این هفت سالی که بوده است فهمیدیم که این حکمها کی هستند و اینها که میخوانند صلح ایجاد کنند کی هستند. قضیه امام حسن و قضیه صلح انهم صلح تحصیلی بود. برای اینکه امام حسن، دوستان خودش یعنی آن اشخاص خلعتی که دور او جمع شده بودند او را جوری کردند که نتوانست خلافتش بکند. صلح کرد، صلح تحصیلی، این صلح هم که حالا به ما میخوانند بگویند همین است. بعد از این که صلح کردند به حسب روایت به حسب نقل، معاویه به منبر رفت و گفت که تمام حرفهایی که گفتیم ما قرار دادیم، زیر پای من، مثل پاره کردن این مرد که آن قرار دادها را. این صلح تحصیلی که در عصر امام حسن واقع شد، آن حکمیت تحصیلی که در زمان امیر المؤمنین واقع شد، و هر دوشی بدست اشخاص خردگر درست

انتحرفات را ایجاد کردند و ما و دیگران در حال غفلت هستیم ۱- از انتحرفات زیادتی که دستهای فوری دشمنهای اسلام دست درش داشتند همین اختلافات است که بین طوائف مختلف هست اختلاف سنی و شیعه. البته سنی و شیعه در بسیاری از عقاید مختلفند و باید هم باشند. من نمی گویم که مابذ اینگونه نباشد ولی خوب هستند از آنجا. اما این اسباب این بشود که ما کارشکنی کنیم که مبادا یک وقتی یک کشوری مسلط بشود و آمریکا را بیرون کند. کارشکنی کنیم که مبادا یک وقتی بتوانیم یک نفری که دارد اسلام را به هم میزند، دارد یک کشوری را از بین میبرد، ما بخوایم او را از بین ببریم کارشکنی کنید بعضی آخوندها، آخوندهای درباری، کتاب نوشتند در همین زمان در مکه، منتشر کردند، باز کتاب تفرقه اینها نمی دانم که چه فکر میکنند جز این است که اینها نوکر آمریکا یا بعضی بلاد دیگر هستند که اینها را وادار به این میکنند که یک همچو مسائلی را بگویند و تفرقه ایجاد کنند. در بین خود ما هم تفرقه های هست این شیخی است و آن صوفی است و آن اشعری است و آن اصولی است. عقاید مختلف اسباب اختلافات خارجی چرا میشود؟ چرا در این امری که همه مشترک هستیم ما هم نایسیم؟ اینها جوربست که یک تریبی پیدا شده است بدست این نوطه گرها که از جوانی و از بچگی ما را تربیت کردند به اینطور که شما باید یک طوری کنید که دیگران نباشند. آنها هم یک جوری دیگر که شما نباشید همه باهم مختلف، از این اختلاف نتیجه اش را آنها می برند تا حلق چه اقتضا میکند.

من از خدای تبارک و تعالی عاجزانه استدعا میکنم که این جمهوری اسلامی را قدرت عانت کند. و اسلام را در همه جا تقویت کند. و مسائل اسلامی را در همه جا تقویت کند. و افکار مختلفی که در این امور هست خدای تبارک و تعالی این افکار را برگرداند به یک فکر صحیح. به یک فکر اسلامی به یک فکری که باید مشی کرد. به اینطوریکه باید اداره کرد یک کشور اسلامی را. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

# صلح و حکمیت تحصیلی رانمی پذیریم

## پیام امام امت خطاب به ملت های اسلامی و زائران خانه خدا

بسم الله الرحمن الرحيم  
هو افان من الله و رسوله الی الناس یوم الیوم الاکبر ان الله برهمنی من المشرکین و رسوله صدق الله العمل العظيم.  
ستایش و نیایش مخصوص ذات مقدس است که با عنایات خاص خود و فرود فرستادن وحی بر انبیا عظام از آدم صلی الله تا محمد صلی الله علیه صلوات الله وسلامه راه و روش چگونگی زیستن و حیا چه آفریده شدن و مقصد آفرینش را بر جمله بشری آموخت و درود بی پایان بر پیغمبران اولوالعزم چون ابراهیم بت شکن و موسی طاقت بر انداز و عیسی مسیح که اگر فرصت یافته بود همانند آنان بود و محمد شکسته ناسی بت ها و براتت پیوسته از تمامی مشرکان و مستکاران.

و سلام جاویدان بر الهه مسلمین، این راه گشایان پیکارگری علیه مستکاران مسلمان نما و جباران غاصب حقوق الله و حقوق الناس و کج فهاهم داغ و پیشانی.  
و سلام بر آن ابراهیم خلیل الله که یک تنه بر بتها و بت پرستها پورش برد و از تنهایی و آتش نهراسید و آن موسی کلیم الله که با عصای چوپانی بر فوجیونان خروش کشید و از بی کسی باک نداشت.

و سلام و درود بر محمد حبیب الله که به تنهایی قیام کرد و تا آخرین ساعات زندگانی با کفار ظلم پشه جنگ بر خاست و از کمی عده و غده نتالید.

و سلام بر مسلمانان صدر اسلام که با اندک تدارکات جنگی به سلاطین جور و دم و ایران تاختند و از کمی یاران بخود ترس راه ندادند.

و درود بی پایان بر حلی بی این طالب که با درخیمان بصورت مسلمان و مقدس نماهای بدتر از کفار جنگید و از هیچ قدرتی نهراسید.

۱- و سلام بر حسین بن علی که با پاران معدود خویش برای برچیدن بساط ظلم غاصبان خلافت یا خلاصت و از تاجیز بودن عده و غده بخود خیال سازش با مستکر را راه نداد و کربلا را قتلگاه خود و فرزندان و اصحاب معدودش قرار داد و فریاد و هیبتا منا الله باش را بگوش حق طلبان رساند که در نظر دنیا گریبان و ملت پرستان آنچه از این اولیاء معظمه الهی صادر شد بر نمی سپند و شرح آنان اجازه نمیدهد و نیز بعقیده آنان حرکت از ۲- خلاف شرع و است. قیام بدون تجهیزات کافی را عقل آنان

کشوری به کشوری دیگر که دارای حکومت و تشکیلاتی می باشد متخالف با عقل و ملت بوده و بالاخره متخالف با موازین شرعی و الهی است و هم چنین صلح با نمرودیان و فرعونیان و ملحدان و مستکاران و سازش با ظالمان بصورت مسلمان و یا زهد فروشان داغ بر پیشانی طریق صواب و عقل و شرع بوده و هست و با این انگیزه تسلیم و سازش با آمریکای جهانخواور و وابستگان به او لزوم عقلی و شرعی دارد و تخلف از آن متخالف شرع و عقل است و دفاع از ملت مظلوم عراق که زیر چکمه دژخیمان بچان آمده اند و فوج فوج حمله عظام و ابرار بی پناه آنان شهیدات میرسد و زنان و کودکان آنان زیر گداهای مستگران میسوزند و میزند و فریاد باللمسلمین میکشند بر خلاف عقل و شرع می باشد.

این انگیزه و ملی گرایه و خلود در ارض است که مصالح مسلمانان را فراموش کرده و دفاع از مصالح مسلمین را در حصار ملت خاص قرار داده و قلم سح بر قرآن گرم و احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و انمه معصومن علیه السلام وسیره ستمره انبیا عظام و اولیای معظمه علیه السلام در طول تاریخ کشیده است.

ملت غیور متعهد ایران در آن روزهای سخت مصیبت بار که دشمن جنایتکار از زمین و هوا و در با غافلگریانه بشکورشان حمله کرد و قسمت عظیمی از آن را تصرف شد و جنایتکاران داخل و قدرتهای بزرگ خارج و عاقلان در سطح کشور به خرابکاری و قتل و غارت دست زدند. با ارتش از هم پاشیده و نیروی مسلح تاجیز آرایش ندیدند، فقط با اتکال بخدای متعال و نیروی ایمان دشمن را با شکست و زبونی از کشور عزیز خود بیرون راند و

شد، این ما را هدایت میکند به اینکه نه زیر بار صلح تحصیلی برویم و نه زیر بار حکمیت تحصیلی. ما باید خودمان به حسب رای خودمان، به حسب رای ملتمان آنطوری که الان همه ملت دارند میگویند ما باید این جنگ را ادامه بدهیم تا وقتی که اشدافه پیروزی حاصل شود و نزدیک است اشدافه. متهمی اگر میخواند ملت ما نزدیکتر بشود این پیروزی زیاد نزدیک بشود که به صلاح ملت ماست و به صلاح ملت عراق است و به صلاح منطقه است باید مجهز بشود. باید در این برهه زمان باید به تمام معنا مجهز بشود برای جبههها آگاهان گفتند که در بسیاری از جاها هست در کشور که از دولت یک چیزهایی هست آنجا که انزایست برای ایجاد سازندگی، برای جبهه و زیادهای است آنجا من عرض می کنم که اگر یک ابزاری در یک جایی زیاد است و تشخیص دادند فرمانداران، استانداران و الهه جمعه تشخیص دادند که این در اینجا دیگر اضافی است زیادهای است لازم نیست اینجا، این لازم است که برای جبهه برود. اگر بخواید که کشورتان آباد بشود، کشورتان اسلامی شود و زود بشود، طولانی نشود باید مجهز بشود. با همه قوا مجهز بشود تا اینکه کلک این مرد را بکنید. در آن اوایل گفته شد به این که سیلی خواهد خورد صدام سیلی را خواهد خورد الان گویج است، الان نمی دانند که چه می کند و اقامت نمی دانند که الان چه می کند. از یک طرف اشطوم می کند، از یک طرف التماس میکند، از یک طرف گدایی میکند. این الان در حال گیبی است و من خوف این را دارم که اگر این دیوانه بشود بیشتر از اینکه الان هست، اگر بواسطه شکست دیوانه بشود به کشور عراق یک طور صدماتی وارد کند. بگوید حالا که من فرقت شدم بگذار که همه فرقت شوند. یک همچو موجودی است این. من خوف این را دارم که به نیت عیالیت هم می اینطور کند و خداوند اشدافه مهنش ندهد. باید کاری کرد که یک سیلی دیگری بخورد و برود سراغ کارش یا خودکشی کند، یا فرار کند از اینجا به یک جای دیگری و برود دنبال کارهایی که هست.

در هر صورت انتحرفاتی که بعد از غدیر هم پیدا شد و ماها هم غفلت کردیم همه نه، بسیاری از ماها، اکثریت شاید غفلت کردند و ما را کنارگردد کردند نگذاشتند که در امور مسلمین دخالت بکنیم اسباب این گرفتاریهای شده است که الان در سرتاسر کشورهای اسلامی داریم می بینیم در همه جا این مسائل هست. باور کردند علمای اهل سنت به اینکه اطاعت از هر قدری باید کرد اینهم بدست اشخاص قلدر پیدا شده است امکان دارد یک همچو چیزی که پیغمبر اسلام احکام بفرستد و بگوید که از آن تانورک که احکام را محو می کند اطاعت کنید. این را کدام عقل می پذیرد؟ پیغمبر اسلام احکام بفرستد خدای تبارک و تعالی احکام بفرستد بگوید که نماز بخوانید بندش هم بگویند اطاعت کنید از آنانورک که می گوید نماز نخوانید از کدام بشنومیم از خداها از آنانورک این را چه عقلی باور می کند این اولی الامری که در قرآن وارد شده است

واضح است که کسی است که ظور رسول خداست، الهه است، رسول خداست اولوالامر. او باید یک همچو صفاتی داشته باشد معقول نیست که خدای تبارک و تعالی مردم را وادار کند که از رضایحان که همه جهات شرعی و اسلامی را کنار می گذاشت شما اطاعت کنید. جین بفرستد و بعد بگوید که از کسی که لادین است اطاعت کنید یعنی شما هم لادین بشوید. میشود این؟ این انتحرفاتی است که پیدا شده است و مع الاسف دستهای فوری ای این

اشکانتاری می کنند. نه یک اشخاصی باشند که حالا تأثیری داشته باشد اما هستند. هستند اشخاصی که میگویند بیاید صلح بکنیم، بیاید یک سازش بکنیم، ما از تاریخ باید این امور را یاد بگیریم. به حضرت امیر تحمیل کردند، مقدسین تحمیل کردند. آنها آنهایکه چهره اشان داغ داشت و اضر مرده بر مسلمین. آنها تحمیل کردند به حضرت امیر حکمیت را. و تحمیل کردند آنکه

چیز پیدا میشود بنابراین معالوفی بشی، مثل مائودی بالولایه برای اینکه حکومت است به هیچ چیز مثل این امر سیاسی دعوت نشده است و این امر سیاسی بوده است زمان پیغمبر بوده است زمان امیر المؤمنین بوده است بعدها هم اگر فرصت پیدا میشد آنها هم داشتند.

انتحرفات زیاد شده است بعضی از اهل علم خودمان هم همین معنی را دارند لیس جنسی حرام است، لیس شهوت است یعنی عادات مطهر است. حضرت امیر عادل نیسوده حضرت سیدالشهدا هم عادل نیسوده حضرت امام حسن هم عادل نیسوده پیغمبر اکرم هم عادل نیسوده؟ اینها که لیس جنسی داشته اند اینها را زین کردند به ما به ما انظر، دستهای توفه گر زین کردند که ماها

باورمان آمده است توجه کاردارای به اینکه چه میگذرد نومشغول درس خودت باش، تو مشغول فقهت باش، تو مشغول فلسفهات باش، تو مشغول فرائط باش چکاردارای که چی میگذرد در آن وقت اوایل که این مسائل پیش آمد یکی از رفقای ما که بسیار خوب بود، بسیار مرد صالحی بود و اهل کار هم بود لیکن من وقتی یک قضیه را نصبت کردم که در این قضیه ماباید تحقیق کنیم گفت به ما چکار دارد، حاصل امری سیاسی است به ما چکار دارد اینطور زین شده بود که یک مرد عالم روشن فکر متوجه به مسائل این طور میگوید که بهما چکار دارد. پیغمبر هم میگفت سیاست به ما چکار دارد؟ امیر المؤمنین هم که حکومت داشت میگفت سیاست حکومتی داشت برای ذکر گفتن و برای قرآن خواندن و برای نماز خواندن و همین دیگر

حکومت بود، ولایت بود و تجهیز جوش بود و عرض می کنم حکومت ها در نصب کردن اینها بود. هوش سیاست است اینها.

آنکه میگوید که آخوند چکار دارد به سیاست این با آخوند خوب نیست، این با اسلام بد است میخواند آخوند را کنار بگذارید کی می تواند یک کاری توی مردم انجام بدهد هر کاری دلشان می خواهد بکنند و لهذا اینطور شد. البته علمای ما در طول تاریخ اینطور نبود که منزل از سیاست باشند، مساله مشروطیت یک مساله سیاسی بود و بزرگان علمای ما در آن دخالت داشتند تأسیس کردند. مساله تحریم تنباکو یک مساله سیاسی بود و میرزا شیرازی (رحمته الله) این معنا را انجام داد. در زمانهای اخیر هم مدرسه، کلتاری، اینها مردم سیاسی بودند و مشغول کار بودند. اما با قدری قدرت داشت این دست قوی نوطه گر که نمیشد از ذکر حتی اهل علم محترم هم بیرون کرد به اینکه نه مساله اینطور نیست، مساله حکومت در زمان پیغمبر بوده و سیاست هم بوده، در زمان امیر المؤمنین بوده و سیاست هم بوده و این که همه نقل کرده اند و اینقدر غدیر را بزرگ کرده اند برای اینکه به ما بجهاندند تعلیم بدهند به ما که اینطوری باید باشد.

۷- ما الان بیاییم به جنگ یک دسته ای در همین قضیه هم دارند اشکانتاری می کنند. نه یک اشخاصی باشند که حالا تأثیری داشته باشد اما هستند. هستند اشخاصی که میگویند بیاید صلح بکنیم، بیاید یک سازش بکنیم، ما از تاریخ باید این امور را یاد بگیریم. به حضرت امیر تحمیل کردند، مقدسین تحمیل کردند. آنها آنهایکه چهره اشان داغ داشت و اضر مرده بر مسلمین. آنها تحمیل کردند به حضرت امیر حکمیت را. و تحمیل کردند آنکه

## زبان اختلاف زبان شدیگطان است

«امام خمینی»



هیچگاه ضعف و سستی و زبونی بخود راه نداد و از شهادت استقبال نمود و به سازش و صلح با افعی زخم خورده تن در نداد...  
۴- و جز ممدوی مصیاف قلب با خیانتکار و دنیا طلب و راحت خواه که به اسلام و مصالح مسلمین اعتنائی نداشتند و ندارند با ضعف و دلپسری از صلح و صفاد میزدند و میزدند و نعمت داشتند و بی...

۵- نمیدانستند که صلح با این جنایتکاران در هر موقع باعث بر باد دادن حیثیت اسلام و کشور اسلامی بوده و نیز موجب گرفتاری...

۶- همیشگی مین هرزیمان در چنگال ابرقربتهاست.  
۷- اکنون که با عنایت خداوند تعالی و توجه بقیه الله روحی فداه نظام جمهوری اسلامی ما از هر جهت در موضع قدرت قرار گرفته است و ارتش نیرومند و سپاه عظیم مومن و مسلحشور و قوای صلح قدرتمند و ملت حاضر در صحنه دارد و پشت دشمن را در ابعاد مختلف شکسته است بر ایمان سازش و صلح تحمیلی...

۸- چه کسی است که نمیداند صلح طلبی دشمن برای مجیز شدن بیشتر و غافلگیری است که جمهوری اسلامی باید برای احتراز از آن در طول بیش از هزار کیلومتر نوای مجیز آماده داشته باشد؟ و کیست که نداند صلح با این حزب، برسمیت و شریعت شناختن حکومت بعث است که با قتل و جنایت بر یک کشور اسلامی حکومت میکند؟ و کیست که نداند این امر از بزرگترین گناهان است و از واضحترین خیانتها به مسلمین است؟

ملت هرزیز ما با تمهیدی که به اسلام دارند جنگ را تا سرحد شهادت و لقا الله که از بزرگترین امداد اولیای خدا و ارباب معرفت است ادامه میدهند، گرچه آنرا بی خبران، نابودی انگازند و مادی گرایان، لقا الله را نابودی لقب میدهند.

اکنون که حجاج بیت الله الحرام از خانه تن و دنیا، مهاجرت الی الله و رسوله که خانه دل است میکنند و همه چیز جز محبوب حقیقی در وراه آناتست بلکه چیزی جز او نیست که درون و بیرون باشد، باید بدانند که حج ابراهیمی محمدی صلی الله علیه و آله و سلم است و هم از جهت سیاسی و اجتماعی و روحی و معنوی و عرفانی و هم از جهت سیاسی و اجتماعی و روحی و معنوی و عرفانی و هم از جهت سیاسی و اجتماعی و روحی و معنوی و عرفانی و هم از جهت سیاسی و اجتماعی و روحی و معنوی و عرفانی...

از آن دوریم. ما مأمور به جبران مافات هستیم. این کنگره سراپا سیاست که به دعوت ابراهیم و محمد صلی الله علیه و آله و سلم میبود و از هر گوشه دنیا و از هر لبخ همی در آن اجتماع میکنند برای منافع دنیوی است و قیام به قسط است و در ادامه بت...

شکنتهای ابراهیم و محمد است و طاغوت شکنی ها و فرعون زده‌نهای موسی است و کدما بت به پایه شیطان بزرگ و پتیا و طاغوت های جهان خوار میسرند که همه مستضعفان جهان را به سلطه خود و ستایش خویش فراخوانند و همه بندگان آزاد خدای تعالی را بنده فرمانبردار خویش دانند؟ در فریضه حج که لبیک به حق است و هجرت بسوی حق تعالی ببرکت ابراهیم و محمد است، مقام دهنه بر همه پتیا و طاغوتهاست و شیطان ها و شیطان زاده‌هاست و کدما بت از شیطان بزرگ آمریکای جهانخواه و شوروی ملحد متجاوز بزرگتر و کدما طاغوت و طاغوتی از طاغوت های زمان ما بالاترند؟

در لبیک لبیک، دهنه بر همه پتیا گوید و فریاد براه بر همه طاغوت ها و طاغوتیها کشید و در طواف حرم خدا که نشانه عشق به حق است دل را از دیگران نهی کشید و جان را از خوف...

۱۰- هر حق پاک سازید و بسوزانید عشق به حق از تنهای بزرگ و کوچک و طاغوت ها و وابستگانشان برات گوید. که خدای تعالی و دوستان او از آنان برترند و همه آزادگان جهان از آنان برتر هستند. و در لمس حجرالاسود بیعت با خدا بنیدید که با دشمنان او و رسولانش و صالحان و آزادگان دشمن باشید و به اطاعت و بندگی آنان هر که باشد و هر جا باشد سر نهید و خوف و زبونی را از دل بزداید که دشمنان خدا و در رأس آنان شیطان بزرگ زیورنده هر چند در ابزار آدم کشی و سرکشی و جنایتشان برتری داشته باشند. و در سعی بین صفه و دروه با صلح و صفا سعی در یافتن محبوب کشید که با یافتن او همه بافت های دنیوی گسسته شود و همه شکر و شکر و شکر و شکر و همه خوف و رجحای حیوانی زائل شود و همه دل بستگیهای مادی گسسته شود و از آرزوهای گسسته گردد و قید و بند شیطان و طاغوت که بندگان خدا را باسلطرت و اطاعت کشند در هم ریزد و با حال شعور و هوش را به مشرف الحرام و حرمت روید و در هر موقع به اطمینان قلب بر وعدههای حق و حکومت مستضعفان بیفزاید و با سکوت و سکون، تفکر در آیات حق کشید و بفکر نجات محرومان و مستضعفان از چنگال استکبار جهانی باشید و راههای نجات را از حق در آن موافقت کریمطلب کشید.

۱۱- پس بنی روید و آرزوهای حقانی را در آنجا دریابید که آن، قربانی نمودن محبوبترین چیز خویش در راه محبوب مطلق است و بدانید تا از این محبوب ها که بالاترینش وجه نفس است و وجه دنیا تابع آنست نگزیدید به محبوب مطلق نرسید و در این حال است که شیطان را راجع کشید و شیطان از شما بگریزد و رجم شیطان را در موارد مختلف با دستورهای الهی تکرار کشید که شیطان و شیطان زادگان همه گریزان شوند. و شرط همه متمسک و موافق برای رسیدن به آرزوهای فطری و امال انسانی، اجتماع همه مسلمانات در این مراحل و موافقت و وحدت کلمه تمامی طوایف مسلمین است بدون احتنا بر زبان و رنگ و قبیله و طایفه و مرز و بوم و صهیبتی جاهلی و هم آهنگ خویشیدن بر دشمن مشترک است که دشمن اسلام عزیز است و در این عصر از آن سلی خورده است و آنرا مانع غارتگری های خود میداند و با تفرقه افکنی و نفاق پراکنی میخواند این مانع ملموس را از سر راه خود بردارد و همان مزدور آنان که در رأس آنها اخوندی حسود دنیابگرای درباریند و در هر جا و هر وقت خصوصا در ایام حج و مراسم الهی آن مأمور اجراء این مقاصد شوم می باشند.

مسلمانان در موافقت و مراسم این عبادت که یکی از مقاصد بزرگ آن، اجتماع مسلمین از تمام بقاع زمین برای منافع مستضعفان جهان است و کدما بتغ بالاتر از کوتاه کردن دست جهانخوازان از ممالک اسلامی است، لازم است با شویاری مراتب اعمال ضداسلامی و قرآنی این اعمال حیثیت و اخوندیهای نفاق افکن باشند و آنان را که با نصیحت به اسلام و منافع مسلمین وفقی نخواهند گذاشت از خود برانند که ایشان از طاغوتیان شیطان تر و پست ترند.

و اینک این جانب به تذکراتی که لازم می دانم حسب معمول میبردام و از خداوند توفیق همگان را برای خدمت به اسلام میجویم:

۱- به زائران بیت الله الحرام ایدم الله تعالی عرض میکنم که اعمال و متمسک را بطور دقیق از روحانیون محترم که در کاروانها...

هستند فراگیرید و به هیچ عملی بدون راهتمالی آنان دست نزنید چه بسا باشد که خدای نخواست با سهل انگاری، عملتان باطل شود و جبران را تا آخر نتوانید بکنید و یا به احرام باقی بماند و در برگشت موجبات زحمت خود و نزدیکان خویش شوید و این یک تکلیف شرعی است که از آن غفلت نباید کرد. و به روحانیون محترم عرض میکنم که علاوه بر آنکه مسایل را بطور وضوح که همه کسی بفهمد در جلسات متعدد بگروه خود یاددهید، در وقت اعمال آنان نیز مواظب آنها باشید و آنها را هدایت فرمائید.

۲- به رالترین محترم تذکر میدهم که در این موافقت مظمه و در طول سفر به مکه مکرمه و مدینه منوره از انس با قرآن کریم، این صحیفه الهی و کتاب هدایت غفلت نورزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده از برکات...

۳- سرشار این کتاب مقدس است. و از همین فرصت از تمامی علمه اسلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که دنیای کل شیء است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تاییده است غفلت نفرمایند.

این کتاب آسمانی الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسماء و صفات و آیات و بیانات است و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جمیع من غوط به از اسرار آن کسی آگاه نیست و ببرکت آن ذات مقدس و بتعلیم اوخص اولیای عظام دریافت آن نموده‌اند و ببرکت مجاهدات و ریاضت های قلبیه خلص اهل معرفت به پرتوی از آن بقدر استعداد و مراتب سیر بهره‌مند شده‌اند و اکنون صورت کتبی آن که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد بستم ما افتاده است، خدای نخواست میاد که مهجور شود. و گر چه ابعاد مختلف آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از مترس بشر هادی دور است لکن پاندازه علم و معرفت و استعدادهای اهل معرفت و تطبیق در رشته‌های مختلف...

۴- بهره‌مائی بردارند و بدینگونه بدهند و اهل فلسفه و برهان با بررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسایل عمیق، گذشته پراهمین فلسفه الهی را کشف و حل کرده در دسترس اهتش قرار دهند، و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشمه و جرحهای از آنچه قلب عوالم از ادبانی رهبر دریافت فرموده برای تشنگان این کوثر به هدیه آورید و آنان را مودب به آداب الله تاحدیب نمایند. و متیان تشنه هدایت باره‌های از آنچه به نور تقوی از این سرچشمه جویان هدای لملمتین هدایت یافته‌اند برای عاشقان سوخته هدایت الله باره‌هان آوردند و بالاخره هر طایفه‌ای از علمای اعلاوم و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس نامن به کمر زده و قلم بدست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآورند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است، از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست، تا بی خبران نگویند عرفان و فلسفه، یافته‌ها و تخیلاتی پیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیا است، یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با سیاستمداران بری است، و پسر قرآن، آن آورند که فلسفی جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

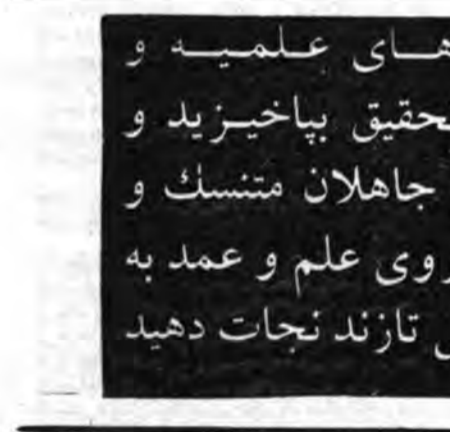
این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست و گمان نشود قصد ابراهیم و موسی و محمد علیهم و علی الهی السلام مخصوص بزمان خاصی است. فریاد برات از مشرکان مخصوص بزمان خاص نیست. این دستور است و جاوید، در صورتیکه مشرکان حجاز متفرض شده‌اند و قیام نامی شخص بزمانی نیست و دستور هر زمان و مکان است و در هر سال در این مجمع عمومی بشری از جمله عبادات مهم است الی الابد. و همین است نکته سفارش اکید الهی مسلمین علیهم السلام براقامه عزای سید مظلومان تا آخر ابد و فریاد مظلومی آل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و ظالمت بنی امیه علیهم لعنه الله. با آنکه بنی امیه متفرض شده‌اند فریاد مظلوم بر سر ظالم است و این برخلاف فریاد باید زنده بماند و برکاتش امروز در ایران در جنگ با یزدیان و ارض و ملموس است و لازم است حجاج بیت الله الحرام در این مجمع عمومی و سبیل غروشان انسانی، فریاد برات از ظالمان و مستکاران را هر چه راست برآورند و دست برآوردی را هر چه بیشتر بشمارند و مصالح عالی اسلام و مسلمین مظلوم را فدای فرقه‌گرایی و ملی گرایی نکنند و برادران مسلم خود را هر چه بیشتر متوجه به توحید کلمه و ترک صهیبتی جاهلی که جز نفع جهانخوازان و وابستگان آنان تمام نمیشود بنمایند که این خود نصرت خداوند تعالی است و وعده حق تعالی بامید واقع شامل حالشان میشود و اگر خدای نخواست از عمال جهانخوازان که در رأس آنان اخوندیهای جیره‌خوار تفرقه‌افکن واقعند پیروی کنند به معصیت بزرگی دست زده‌اند و مشمول غضب قادر جبار خواهند شد و در قید و بند ابرقدرتها باقی خواهند ماند و باید به خداوند از این پناه برد.

۲- از زائران محترم کشور ایران تقاضا دارم که توجه کنند از چه کشوری میروند و بسوی کی رو آورده‌اند. از کشوری میروند که برای اسلام عزیز و اجرای احکام نورانی آن بجای احکام...

### صلح طلبی دشمن برای مجیز شدن بیشتر و غافلگیری است و از آن در طول بیش از هزار کیلومتر قوای آماده داشته باشد

معرفت و استعدادهای اهل معرفت و تطبیق در رشته‌های مختلف و ربانهای متفاوت نزدیک تفهیم از این خزینه لاتنهاهی حرف الهی و بصر مواج کشف محمدی صلی الله علیه و آله و سلم بهره‌مائی بردارند و بدینگونه بدهند و اهل فلسفه و برهان با بررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسایل عمیق، گذشته پراهمین فلسفه الهی را کشف و حل کرده در دسترس اهتش قرار دهند، و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشمه و جرحهای از آنچه قلب عوالم از ادبانی رهبر دریافت فرموده برای تشنگان این کوثر به هدیه آورید و آنان را مودب به آداب الله تاحدیب نمایند. و متیان تشنه هدایت باره‌های از آنچه به نور تقوی از این سرچشمه جویان هدای لملمتین هدایت یافته‌اند برای عاشقان سوخته هدایت الله باره‌هان آوردند و بالاخره هر طایفه‌ای از علمای اعلاوم و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس نامن به کمر زده و قلم بدست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآورند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است، از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست، تا بی خبران نگویند عرفان و فلسفه، یافته‌ها و تخیلاتی پیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیا است، یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با سیاستمداران بری است، و پسر قرآن، آن آورند که فلسفی جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

طاهوت با خواسته وزن و مرد و پیر و جوان هر چه داشته‌اند ندا کردند، جوانان هرزیز متهمی که هر یک از آنها ارزش های الهی ای دارند که ما از درک آن عاجزیم شهید شده‌اند و معلول گردیده‌اند و به اسارت در آمده‌اند و ملتی که مشتاقانه در راه خود را از جان و جوان و مال و نوسال خود گذشته‌اند و داغ هرزیزان خود را بجان خریدند و بسوی کشوری میروند که خانه خداوند تعالی و کعبه امان انبیا نظام و اولیای کرام و محط وحی و مهبط جبرئیل امین و ملائکاته است. بسوی خدا میروند تا هر حرکت و دستورشان الهی باشد و بسوی قربانگانه اسمعیل هرزیز میروند که دستور گذشتن از هر چیزی را در راه او به ما داد. و بسوی مدینه محمد صلی الله علیه و آله میروند تا محمدی شوند و چگونه زیستن و چگونه مجاهدت کردن و چگونه رفتن بسوی مشوق را بیاموزند. رفته‌اند بسوی قبر رسول عظیم الشان و قبول اولیای عظیم المنزله‌ای که لحظه‌ای به دنیا و زخارف آن توجه نکرده‌اند و بجز خدا و اوامر او نایندیشده‌اند و بجز رضای او قدم بر نداشته‌اند. پس، آگاه باشید که از کجا و بکجا میروید. پس تکلیف شما جدا زیاد است و حرکات و افعال شما علاوه بر آنکه در محضر حق تعالی و حضور اوست و در مراقبت اولیایه‌الله و ملائکاته است، در پیش چشمان هزاران زائر است که از کشورهای اسلامی و از سراسر جهان به آنجا آمده‌اند و چه بسا تحت تأثیر تبلیغات دامنه‌دار رسانه‌های گروهی دشمنان اسلام و ایران قرار گرفته‌اند که از هر صبح تا شام بسیاری از وقت خود را صرف فروغ پردازی در بساطه اسلام و ملت ایران و دست اندکاران خدمت گذار این کشور مظلوم کرده و می کنند و مردم بیاطماعت این مرز و بوم را بطیر از آنچه هستند معرفی...



میکنند. که شاید بواسطه این تبلیغات، بسیاری از مردم مسلمان جهان یا باور نموده یا در ابهام بسر برند. و نیز از ملت هرزیزان، معلولین و شهیدان زنده و یازمانگان و وابستگان به آنان که در کاروانها کم نیستند مراتب اعمال شما هستند و اینک شماستد و این بار سنگین امات الهی و تکلیف اسلامی و وجدان و فطرت خود، با انشاء حق تعالی بیاسی خون شهیدان و بیاسی آبروی اسلام و ملت مظلوم هرزیزان باسرافرازی مادی حق و صلح عملی و فوای اسلام و جمهوری اسلامی میشود و علاوه بر ثواب عظیم زیارت بیت الله و قبور اولیای خدا بویژه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مورد عنایات حق تعالی و دعای بقیه الله ارواح لمقدمه‌القداه و فریق رحمت باری تعالی و غیر و ثواب در دنیا و آخرت خواهد شد، و با دعای نخواستن منادی شیطان و مروج تبلیغات دشمنان اسلام و موجب هتک حرمت اسلام و جمهوری اسلامی و شهیدان شامد و رنجیدگان امت خود می شوید و دست رد الهی برسه شما نامر و مان میزند.

اکنون شما هرزیزان بر سر دوراهی سعادت ابدی و تحصیل رضای حق و خاصان او و شقاوت و محرومیت ابدی هستید و امیدوارم ببرکت موافقت و موافقت متبرکه و دعای ملت محروم که بدرقه راه شما است از طبقه اول باشید و اسلام و شهاده و جایزتان و ملت و مبین خود را سرفراز کنید و دست رد بسپه دشمنان اسلام و مسلمانان زیند و دشمنان را مخلول و دل شکسته و دوستان را شاد نماید و شما گرچه میدانید باید چه بکنید و از چه پرهیز نمائید لکن این جانب نیز برای آداء تکلیف و اتمام حجت به مهمات آنها اشاره میکنم:

الف - اخلاق کریمه انسانی - اسلامی را با همه زور از هر طبقه و هر طایفه و هر رنگ و هر زبان و هر کشور باشد با دقت مراعات نمائید و در برخوردها و رفت و آمدها در جمیع اوقات و احوال و پیش آمدعا صبور و بردبار باشید و کریمانه با همه رفتار نمائید و در مقابل درشتیها، نرشی و سلم و در مقابل بدرفتاریها، خوبی و محبت کشید و برای رضای خداوند تعالی تحمل هر پیش آمد بدی از هر کس باشد با روی گشاده و همه صبر نمائید که آن موافقت کریمه و بقاع شریفه، محل نزاع و جدال نیست و آنچنان کنید که معلوم شود شما از کشور امام صادق سلام الله علیه و هم عینان عزیز است و بدانید که پس از رجوع از سفر، لذت این امر را بطور شایسته خواهید برد.

ب - در راهیابی ما لازم است در وقت و کیفیت و شمار و امثال آنها از متصدیان امور پیروی کنید و نظم و آداب اسلامی را بطور شایسته مراعات نمائید و هیچ کس اجازه ندهید که سرخود و بدون دستور شمار مدد که ممکن است عمال دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی که برای تفرقه افکندن و بنام نمودن شما آمده باشند در بین شما تفرقه کنند و با تحریکات و شمارهای خلط مخالف اخلاق اسلامی به آبروی شما و ملت شما و اسلام و مذهب لطیفه‌ای وارد کنند. و در هر صورت لازم است همه گوش به دستورات و شمارهای نماینده اینجانب جناب حجت الاسلام آقای کریمی و دیگر متصدیان امور فرا معید و از غیر آنها جدا پرهیز نمائید.

ج - کالاهایی که در حین باز به حجاج محترم عرضه میشود، آنچه مربوط به آمریکای مخالف با آرمانهای اسلامی و اساسا مخالف با اسلام است، خریداری آنها کمک به دشمنان اسلام است و ترویج باطل است و از آنها باید احتراز شود. اصفاف نیست که جوانان عزیز ما در جبهه‌ها جان دهند و جانبازی کنند و شما با خرید این کالاها به جنایتکاران جنگی کمک کنید و باسلام و جمهوری اسلامی و ملت مظلوم خود با این اعمال مدعن کتبی نمائید. شما برای خودتان یا دوستانتان نمیتوانید چیزیهای مکتوب از خود ایران تهیه نمائید که دشمنان ایران و اسلام کمک شود. اینجانب وظیفه خود را ادا نمودم و شماستد که در زیارت خدا و رسول و ائمه‌السلام آنان کمک تنماید و موجب سرافراختگی ملت و مبین خود شوید. اینها تذکراتی است که بواسطه اهمیت آن در سالیهای قبل داده شد و تکرار آن وظیفه این جانب است.

د - خوب است که سران کشورهای اسلامی در مسایل روز کشورهای اسلامی تحت نام و سننهای مظلوم تحت یکجمله‌ای اجانب و غارتگریهای شیطان های بزرگ و سایر شایطین دیگر که ذخایر خفی آنان را جابول مینمایند و ملتها در فقر و فاقه میسوزند، تفکر نموده و بخود آید و خوف و وحشی را که ابرقدرتها با تبلیغات خود بر آنها تحمیل کرده‌اند تا مصالح کشور خود و سایر مسلمانان و مظلومان را نادیده گرفته و تن به ملت مرگبار دهند، با ارزیابی صحیح سنجش نموده و با وجدان به تضادوت بنشینند و پیش از این امر خویش و کشورهای خود ننگ بیار بیاورند و در حال ملت و دولت ایران مطالعه کنند که خود را از زیر بار قدریهای هر دو قطب خارج کرده و پرتو پیروزی آن و اسلام عزیز در سراسر جهان نورافشانی میکند و در راه شرف اسلام و عزت مبین اسلامی خویش بیاطماعت و در این راه که همان راه انبیا عظام علیهم و آلهم السلام است از همه چیز عیان خود گذشته و فریاد دهبیات منا الله را با گوش جبهاتین رسانده است و اگر دولتای مطلق بجای همانک شدن با ملت ایران کمک به حرب عظیمی عراق که اسلام زده‌ای جزء مرام آنست نمیگردند، حذر همان ماهیهای اول کوبیده شده بود و ملت عزیز اسلامی عراق از شر او راحت شده بود و کشور ایران و عراق و سایر کشورهای منطقه با برادری زیست مینمودند. و اکنون نیز که بازیگران حرفه‌ای با ترندهای مختلف میخوانند سلطه غارتگرانه سالیهای...

طولانی را حفظ و از وحدت مسلمین و از اسلام بزرگ که سبلی خورده‌اند و سخت آشفته هستند حصال معلوم الحال خود را براه انداخته‌اند تا نگذارند اسلام به پیروزی برسد. همچون حسن مراکتی که با ملاقات و دست دوستی داد ن به پرزه به اسلام و ملتهای مسلمان بویژه ملت عرب و فلسطین عیالیت فاشش نابخشودنی نموده و بر ملت و دولتهای اسلامی و عربی است که با برخورد قاطع، دست این خیانتکار را قطع کنند و چون حسین ارفنی، این دلال دوره گرد خیانتکار که تا دولتهای مطلقه را پدام شیطان بزرگ بینادازد از پای نخواهد نشست، و چون حسنی مبارک نسخه دوم انورالسادات و دیگر خائنین به اسلام را از خود برانند که اینانند که شما را بازیچه خود قرار داده‌اند که تا متمسقا با بدون عهد سده راه شرف و عزت اسلام شوند.

ما از دولتهای منطقه میخوانیم که دست از حمایت دشمنان اسلام و بشریت بردارند و بیش از این با مصالح اسلامی که مصالح خویشان و بینشان و مظلومان جهان است معارضه نکنند و با حسویتی و همکاری جمهوری اسلامی دست رد بسپه فتنه‌گران و جهانخوازان زنند. و باید بدانند این حزب مرده زنده نخواهد شد. «والعاقبة للمتین».

اینجانب بحسب وظیفه اسلامی آنچه صلاح مسلمانان و حکومتهای کشورهای منطقه است گوشزد کردم و از خداوند متعال بخواهم آنان را براه راست هدایت فرماید و از کجیروها باز دارد.

والسلام علی عباده الصالحین.  
روح الله الموسوی الخمینی  
یکم ذیحجه الحرام ۱۴۰۶

## مقدسین که برچهره‌شان داغ داشت حکمیت رابه حضرت امیرتحمیل کردند والان نظیران را ما داریم ایام خمینی





بخوان!  
بخوان بنام رب  
تا به مقام تسلیم برسی  
تا در مقابل هیچ  
سنگری سرتسلیم  
فرو نیآوری

امام که در یزد ناغاز بکار کرده بود ملی سخنانی اظهار داشت: "اگر بخواهم در امر جنگ و انقلاب بهروز شوم و صنایع و حزب بعث را از عراق بیرون کنم، کنترل اقتصاد دنیا در اختیار مسلمانان قرار میگیرد و آنگاه ما تعیین کننده قیمت نفت و میزان صدور آن در دنیا می شویم."

راه مجاهد

هدف انقلاب اسلامی خط میانی اصیل آزادی قلم بوده و ممکن است یکی از نتایج آن این باشد که قدرت تعیین کننده اقتصادی و نفتی هم بشویم و ولی این امر نباید هدف ما قرار گیرد چرا که آزادی قلم تدریجا به فراموشی سپرده میشود.

## جنگ وایدنلوشی

اراده حق طلب سازمان یازدهم خرداد

اروند را شکافت

مقدمه

مهمترین مسئله ای که در و الفجر ۸ توجه جهان نمان را به خود جلب کرد عبور رزمندگان اسلام از اروندرود بود. يك افسر عراقی گفته بود: "علت اینکه در اول جنگ ما از شدت العرب حمله نکردیم برای این بود که عبور از آنجا را محال میدانستیم لذا ارتش عراق از حمله وارد خاک ایران شد."

کوری سیستماتیک یعنی ها

در واقع یکی از عوامل استتار عملیات فاوناباوری و کوری سیستماتیک عراقی در بقیه درص ۱۱

است. این شیوه ضربه پذیری ما را در رسیدن به اهدافمان (آزادی قدس و کربلا) کمتر نموده چرا که با زدن نفت نیز ما خود را ناخسته و نیاز خود را از جهات دیگر (کهاروزی، دامداری، شیلاتو...) می توانیم تامین نمائیم.

البته ترس از زدن نفت نباید مصلک خودکفا شدن برای ما باشد بلکه در هر لحظه حتی در موقعیت امنیت نفتی نیز ما باید به فکر یک اقتصاد خودکفای دفاعی باشیم.

چرا که به خاطر ویژگی انقلاب اسلامی که مستقل از هر گونه وابستگی به اجانب است هر لحظه مورد توجه و توطئه دشمن می باشد.

باید با طرح برنامه دقیق و راز مدت اقتصادی را پایه ریزی کنیم که در هر شرایط و با احتمال وجود هر خطر و حمله ای بتواند ثبات دائمی خود را حفظ کند.

ب- این دیدگاه معتقد است که باید جنگ را تا جایی ادامه دهیم که به صدور نفت خللی وارد نشود در واقع این جریان نفت را اصل گرفته و از امنیت و وضعیت نفت در جهان به چگونگی ادامه دادن جنگ می رسد از آنجایی که اقتصادمان تک پایه و متکی به نفت است و هر لحظه ضربه پذیر است، لذا وسیله است در دست دشمن تا از آن طریق ما را برای تعدیل در مواضع و به سازش کھاندن در جنگ تحت فشار قرار دهد.

این جریان برای ادامه صدور نفت به مرور تابع روابط بین المللی می گردد. به نظر این جریان جنگ و تحولاتش در منطقه باعث رشد بنیادگرایی و گسترش جنگ چریکی گفته و امنیت و ثبات نفتی را تهدید میکند.

با بدبا طرح ویرنا مدقیق و دراز مدت اقتصاد دیر با به ریزی کنیم که در هر شرایط و با احتمال وجود هر خطر و حمله ای بتواند ثبات دائمی خود را حفظ کند.

رشد جریان مکتبی و چریکی فشار مستقیم بر روی ادامه جریان نفت دارد در نتیجه این جریان به مرور به پایان اضطراری جنگ آن هم با شیوه نارسا معتقد می شود.

قدرت اقتصادی نفتی مسلمین در گرو

نقطه صدام است

کمان ۱۹/۴/۷۰

برادر محسن رنایی در سمینار لیبک با

عالمی رتبه ای راه فرودگاه فرستاد و از آنسان استقبال نمود و حداکثر تبلیغات را به نفع خود کرد. لیکن در دل این چپ نمایی با گرفتن پاسپورتهایشان بواقع آنان را در عراق زندانی کرده است.

به مصداق آیه شریفه قرآن: إِنَّمَا أَلَمْتُكَ زِيَادَةَ نَفْسِ الْكَفْرِ رَجَوِي د چارفراموشی شده است وی از جمله کسانی بود که از شکنجه های درمناشه رژیم بعث به ۹ نفر از اعضا \* مجاهدین در زندانهای بغداد سخن می راند و حال چه شده که از یک شکنجه گر پناهندگی سیاسی می خواهد. رجوی بسا رفتن به بغداد بیشتر پایگاههای خود را در داخل و خارج از دست داد. پس این رفتن چه سودی برای او داشت؟ آیا جز این است که آمریکا او را به عراق گسیل داشت تا وجهه صدام حفظ شده و کسب اعتباری برای او باشد؟ آیا جز برای ابقای صدام حسینی که مجاهدین چون شهید مشکین قام و شهید شامخی را تا سرحد مرگ شکنجه کرد؟

## جنگ و نفت

در راه آزادی قدس

بسیل هدف نگر

و جنگ تابع نفت نگر

جریانی از مسئولین معتقد است ما باید قبل از اینکه فشار اقتصادی دشمن که تیلورش در کاهش قیمت نفت است، بر روی ما اثر بگذرد، کار جنگ را بکسر کنیم.

راه مجاهد:

در رابطه با جنگ و دیدگاه در بین مسئولین به چشم می خورد الفداین دیدگاه معتقد است که جنگ سرلوحه امور و نفت وسیله است در

خدمت جنگ دفاعی و خود جنگ وسیله است در خدمت آزادی قدس.

این عده به همین خاطر در برنامه ریزیها، جنگ را اصل گرفته و در برنامه ریزی خود مراحل مبارزه با کمپ دیوید را در نظر گرفته اند.

این جریان به يك اقتصاد خودکفای مستقل از نفت معتقد می باشد. که در واقع هم نفت و هم اقتصاد خودکفا را با تکیه بر هیچ توده ها در خدمت صلح صالح در می آورد که عمل صالح زمان ما مبارزه با آزادی قدس و مبارزه با کمپ دیوید

۱- خواندن قرآن و نهج البلاغه با ترجمه و تعمق

۲- خواندن پیام های امام و آیتا .... منتظری: رزمندگان با خواندن این پیامها تحلیل صحیح از شرایط و جریانهای داخل کشور پیدا کرده و نسبت به اخباری که از اطراف میرسد لاسرد نشده و دنباله رو خطوط انحرافی نمی شوند.

۳- انتقال شناسائی، تجربیات نظامی و جمع بندی از عملیات گذشته از ابتدای دفع تجاوز تا حال.

۴- نقل خاطرات و ایثارها و وصیت نامه های شهدا و توضیح لحظات لقاء الله رزمندگان

۵- ایجاد الگوی زندگی خودکفا در جبهه ها بطور: کاهش سبزی و صیفی جات و کسب درآمد مزارع و زمینهای اطراف جبهه و سنگر که علاوه بر مصرف روزانه رزمندگان باعث زنده شدن روحیه آنها شده و علاقه و میل به زندگی را در آنها تشدید می کند.

از طرفی دشمن نیز با علم به این که جبهه برای رزمندگان یک نوع زندگی محسوب میشود، در تصمیم خود نسبت به ادامه و زتردید می کند.

۶- طرح زندگی امت واحد از طریق حل مشکلات هم سنگران: بعنوان مثال بعضی از رزمندگان شیوه های غلطی برای تامین درآمد خود در شهرها را که از اخلاصان میکاهد اگر در جبهه این مشکلات با یکدیگر مطرح شود بدلیل اخلاص موجود زمینه ای است برای رسیدن به شیوه های اقتصادی بدور از تزویر و کلک.

انشاء الله در سیر جنگ اسلام و کفر رزمندگانی ساخته شوند که در عین مبارزه و مولد بودن متفکر در قرآن نیز باشند.

## رجوی وجه المصلح پایان جنگ

جمهوری اسلامی ۶۵/۴/۲۱

خبرگزاری جمهوری اسلامی - نشریه العمل الاسلامی در شماره اخیر نوشت: وزیر خارجه رژیم بعث طارق یوحنا هزین سه سفیر عربستان سعودی در بغداد ... ابلاغ کرد که رژیم بعث عراق در پی راهی برای پایان بخشیدن به جنگ شش ساله میباشد حتی اگر اقتضای کند که رجوی راه تهران جهت محاکمه تسلیم نماید.

شنیده شده است که به هنگام ورود رجوی و همراهانش به عراق، در فرودگاه پاسپورتها آنها گرفته شده است و ممنوع الخروج شده اند.

راه مجاهد: صدام با ورود رجویست به عراق هیئت

صلح با این جنایتکار در هر موقع باعث برباد دادن حیثیت اسلام و کشور اسلامی است امام خمینی





# اخبار داخل

## دست مرموز در ترور دکتر فاطمی کب بود؟

شهید سید حسین فاطمی وزیر خارجه حکومت مردمی دگر مصدق در سال ۱۳۳۰ به هنگام سخنرانی بر سر مزار مرحوم محمد مسعود روزنامه نگار معروف، توسط محمد مهدی عبد خدایی ترور شد.

از آنجا که شهید نواب صفوی، رهبر و محمد مهدی عبد خدایی عضو ۱ ساله فدائیان اسلام بود، عده‌ای به غلط طراح ترور را نواب صفوی میدانند. توضیح اینکه هنگام ترور، شهید نواب عده‌ای از یاران در زندان بودند. برای روشن شدن نقش دستگیر مرموز در این ترور، به قسمتی از سخنان شهید حاج مهدی عراقی و حقه الاسلام شیخ صادق خلخالی اشاره میکنیم. در انتها نظر مرحوم آیت الله کاشانی درباره ترور دکتر فاطمی میاوریم.

الف - توضیح شهید حاج مهدی عراقی برای مهندس سبحانی

شهید حاج مهدی عراقی درباره واقعه ترور، توضیحی داده‌اند که در کتاب "جنبش ملی کردن صنعت نفت ایران" نوشته سرهنگ نجاشی بدین مضمون آمده است: "شهید حاج مهدی عراقی که در سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ از جوانان وابسته به فدائیان اسلام و از زمره یگان شهید نواب صفوی بود واقعه ترور دکتر فاطمی را برای مهندس سبحانی چنین نقل کرده بود:

در زمان ترور مرحوم دکتر فاطمی، نواب صفوی در زندان بود و امیر فدائیان در خارج از زندان را مرحوم سید عبدالحسین واحدی رهبری میکرد. شخصی بنام ابراهیم صرافان روی واحدی نفوذ فراوانی داشت و طرح ترور دکتر فاطمی را وی به واحدی القا نمود. چون شایعات زیادی درباره وابستگی ابراهیم صرافان شنیده و نسبت به او مشکوک بودیم وی را تحت نظارت و مراقبت قرار دادیم و معلوم شد که او از افراد حزب اراده ملی و از وابستگان سید ضیاءالدین طباطبایی است. صرافان حتی اسلحه هم در اختیار واحدی گذارد که منشا همه آنها، سید ضیاء بود.

راه مجاهد: دستهای مرموز به شیوه‌های اخلاقی روی نیروهای صادق تاثیر گذارده و سعی میکنند آنها را به جان هم بینانند. از زند تا با فرسوده کردن آنها حاکم شوند، در قضیه ترور دکتر فاطمی، یکی از کارهای مرحوم مصدق از بین میرفت و از طرف دیگر چهره فدائیان اسلام نیز مخدوش میشد. در این میان دستهای مرموزی چون ابراهیم صرافان سالم میمانند تا در فرصت مقتضی به قدرت برسند. امید داریم وقایع تاریخی عبرتی باشد برای نیروهای انقلاب، در برخورد ظریف و قاطع با دستهای مرموز در این راه وزارت اطلاعات میتواند کمک زیادی در شناسایی دستهای مرموز و روایتی که در نظام جمهوری اسلامی دارند بنماید.

ب - حجه الاسلام صادق خلخالی در مجلس شورای اسلامی

در کیهان چهارشنبه ۱۱ تیرماه به نقل از نطق پیتراز دستور شیخ صمد ق خلخالی آمده است: ... یا ضارب مرحوم دکتر فاطمی، شما ملاحظه میکنید که با دستور شاه میزنند شبعدهم دستگاه قضایی ما گذرنامه سیاسی به قاتل میدهد. ج - نظر مرحوم آیت الله کاشانی درباره ترور شهید فاطمی

زمانی که دکتر فاطمی بتوصیه پزشکان جهت معالجه جراحات ناشی از اصابت گلوله محمد مهدی عبد خدایی نوجوان ۱۴ ساله‌ای از اعضاء فدائیان اسلام در آلمان بسر میبرد آیت الله کاشانی نامه‌ای به روزنامه باختر امروز می نویسد که به شرح زیر است:

کرارا گفته‌ام یکی از وسایل پیشرفت ملی شدن صنعت نفت، روزنامه باختر امروز بوده ... و از این جهت جناب آقای دکتر فاطمی ( سردبیر باختر امروز راه مجاهد ) مورد تکریم و احترام هستند ... ان شاء الله تعالی آقای دکتر بسلاست قریباً عودت به وطن مألوف نموده و چشم دوستان و وطنخواهان را روشن نمایند.

مکتوبات آیت الله کاشانی - ص ۲۰ - ج ۲

### دستهای مرموز و همسویی با رجوی

چنانچه بسیاری شنیده‌اند در روز پنجشنبه ۲۵/۲/۶۵ جمعی از سران نهضت آزادی که عازم مزار آیت الله العظمی بودند توسط عده‌ای ربوده شده و در مخروبه‌های متروک جنوب بهشت زهرا مورد بازجویی و ضرب و شتم قرار گرفته‌اند. آنسارو نتایجی به‌طور آگاهانه و با ناخودآگاه در چنین حرکتی به چشم میخورد که اجمالاً به باره‌ای از آنها اشاره میکنم.

۱- همسویی با رجوی - از زمانی که رجوی به خارج از کشور گریخته، همواره نهضت آزادی و رهبر آن، مهندس بازرگان را مورد انتقاد قرار داده که چرا برابر رژیم، موضع برانداز اتخاذ نمیکند و بسا ماندن در ایران و پیوستن به شمسواری مقاومت به کمک رژیم جمهوری اسلامی برداشته است. رجوی حتی طی نامه‌ای از مهندس بازرگان دعوت کرده بود که به

گفت که در چنین شرایطی بسیج نیروهای مردمی بسوی جبهه‌ها، برناختن به نهضت آزادی و تعدید اختلافات داخلی و مسوولان انحراف از جنگ و از اصلیت انداختن آن است.

۳- تضعیف دولت - همچنان شنیده شده که عوامل ریاست جمهوری، در جریان بازجویی از سران نهضت آزادی به مهندس موسوی و حجت الاسلام محتشمی وزیر کشور توهمن کرده‌اند. که این بخصوص مخالفت با من جریان با خط مشی جذب و برخورد متناسب را نشان میدهد.

ضمناً توجهی گذرا به سفر وقایع پس از این موضوع نشان ندهنده مسائل مهمی است.

چند روز قبل از این حادثه آقای موسوی نخست وزیر اعلام کرد که دولت مصمم است از نیروهای متخصص حتی مخالفین سیاسی که خط مشی محاربه ندارند در جهت حل مشکلات مملکت استفاده کند.

بدین حال اعلام چنین تصدیق بود که مسئله ربودن مهندس بازرگان و دوستان او اتفاق می افتد.

مهندس عزت ا... سبحانی در گذرا ندیده کیهان چنین میگوید: ... این جنب و جوشها و فعالیتها از جانب جناح خاصی صورت میگردد. این جناح از یکطرف در تخریب اوضاع جراتی دولت چنان می‌کوشد که وضع روز بروز بدتر از بدتر شود و ثبات جمهوری اسلامی متزلزل گردد. از طرف دیگر بر سر کرسی‌ها و منابر و خطبه‌ها به تندی و خشنی سخن آیت الله... منتظری برداشته، سخنی زتکفیر و لعن و طرد دیگران می‌راند و بدین ترتیب زمینه‌های تبلیغاتی و سیاسی حاکمیت خود را فراهم می‌کند و سرانجام کارهای حمله و ضربه سازمان میدهد که قاره‌وار بر سر افراد و گروه‌های رسته ( نظیر فاجعه بهشت زهرا در ۱۶ اردیبهشت ۶۵ ) جوار عاب و تهدید را برجا می‌کند و نفس‌ها را در سینه‌ها حبس کند تا اینکه در لحظه معین ضربه‌ها را وارد آورد.

( کیهان ۶۵/۴/۲۶ - گذرا ندیده )

بخش از سخنان حجه الاسلام غنچلی در مجلس شورای اسلامی

کیهان ۶۵/۴/۱۱

خارج از کشور رفته و تحت حمایت مادی و سیاسی رجویستها قرار گیرد.

چندی است که رجویستها، حملات خود را به عده‌ای از نیروها، از جمله نهضت آزادی تحت عنوان نارالتجاره بازرگان و غیره، عفت بخشیده است و با الفاظی نظیر، خائن و مزدور از ایمان نام مهبرد. حال در چنین شرایطی اینگونه برخوردهای خصومت آمیز و غیر اصولی، با جمعیت‌هایی نظیر نهضت آزادی که خط مشی محاربه با جمهوری اسلامی را ندارند جز اینکه قلب مسعود رجوی را شاد کند و اینگونه افراد را به سوی خط مشی رجوی سوق داده و تشویق نماید نتیجه‌ای نخواهد داشت.

۲- انحراف از جنگ - معمولاً افرادی که به چنین اعمالی دست می‌زنند عنوان میکنند که علت برخورد ما این است که نهضت آزادی با جنگ مخالف است. باید

من خواهم شرمی کم از آقای دادستان کل انقلاب. همین طور که آقای سرتیپ طوسی که در جریان قتل عام مسجد گوهرشاد دخالت داشتند و بعد از پنجاه و چند سال گرفتند و دادند به محکمه، در دستگاه قضایی ما یک عده‌ای بیایند و فعالیت کنند و پرونده قتل افشار طوس را ولو اینکه رئیس نظمی مصدق بوده به جریان بیاوردند که از خانه چه کسی این کارها بوده؟ خواهد میرا شرفی از کدام خانه رفت آیا به دستور بقای رفت؟ به دستور چه کسی رفت؟ اینها را باید مطرح کنند. چرا باید همیشه جنبه انفعالی داشته باشیم، یا در مورد ضارب مرحوم دکتر فاطمی شما ملاحظه می‌کنید که با دستور شاه او را می‌زنند بعد هم دستگاه قضایی ما گذرنامه سیاسی بس

بقیه در ص ۲۲

اصل برای ما باید آبرو و حیثیت اسلام و تحقق ارزشهای اسلامی و انقلاب باشد



# اخبار داخلی

اداره سرخان مجله اسلام مخالفی در مجلس شورای اسلامی

(ضارب) میدهد. و او هم اینقدر جرأت پیدا می کند که میخواهد در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کند و شرکت کرده بود راه مجاهد

## آقای خلخالس در رابطه

با ترور دکتر فاطمی میبایست طرح قتل و دستهای مرموز پشت آن را معرفی میکردند و تنها به معرفی عامل ظاهری آن نمسی - پرداختند. (رجوع شود به مقاله دست مرموز ترور دکتر فاطمی که بود ۲)

## برداشتی نارضا از صحبت های امام

بعضی چه ریگی داخل کفششان هست که اینقدر مساله را کتر دادند که با سخن فطر و فطرت گم شد. اما فرمودند تضعیف دولت گناه نابخشودنی است، این جمله را هیچیک از روزنامه های موافق و مخالف چاپ نکردند. . . . .  
یعنی مقصودتان این است که یک بوی سر آموزش و پرورش شما داشته باشید یکی دولت آمریکا تاجر نخود و لوبیا فروش می- تواند دولت خوبی باشد.

یک کس که الفبای فقه را بلد نیست و یک غرضی دارد به یک عده ای میگوید شما چه اطلاعاتی از فقه سنتی دارید و عده زیادی از این نماینده های مجلس شورای اسلامی را که در خط آنها نیستند کمونیست و امپریالیست و بی دین و ملحد میدانند.

در هفته های آخر مرداد و اوائل شهر یور طی تحلیلهای مکرری و رجوی اعلام کرد که افراد کتابخانه سیاسی قم: میثمی، محمد مهدی جعفری، مهرداد سبحانی، و دکتر سامی بهاشکنجه سیاسی می دهند و رژیم جسم مارا شکنجه می دهد. رجوی گفته بود که وقتی به نشریه اینها مراجعه می کنیم می بینیم که در آن نوشته اند در جمهوری اسلامی تعذیر هست ولی شکنجه نیست

ناگهان تعدن بزرگ در ایران زنده نگاه دارند اگر به این روابط توجه شود، در کوتاه مدت احساسات میهنی ضد روسیه و احساسات مذهبی ضد کمونیست و همچنین آرزوی پیشرفت اقتصادی، در پی ازود تهران را به همکاری بیشتر با غرب خواهد کشاند.

## راه مجاهد:

در همین رابطه تحلیل گرد یگری از صدای آمریکا می گفت: آنگاه که (امام) خمینی درگذرد و جنگ پایان پذیرد، آنچه از اسلام را ایران باقی خواهد ماند تفاوتی با تمدن غرب ندارد.

برژینسکی به اسلام و ناسیونالیسمی چشم دوخته است که ضد روسیه و ضد کمونیسم بوده و به اقتصاد آزاد معتقد است. این جریان نباید ثلویلی استخدام طلب خود حتمی اسلام را بعنوان وسیله ای به خدمت گرفته تا تنها با کمونیسم و شوروی درافتد. هدف این جریان تسلیم به اسلام نبوده بلکه میخواهد اسلام در خدمت منافع خود درآید.

حضرت علی (ع) در جنگ خندق سپهر اسلام شد. اما عده ای اسلام را سپهر منافع خود می کنند. برژینسکی خواهان زدودن اسلامی است که آمریکا را شیطان بزرگ، الکافرن و المنافقین میدانند. باید دید که امام در این مدت کدام جریان را بیشتر تأیید می کردند. رهنمود های امام در این مورد کم نبوده تا بفهمیم که آمریکا به کدام جریان چشم دوخته است.

راه مجاهد:  
این مطلب واقعیت ندارد.

رجوی در انا مصحبت گفته است اینها برای انا مه نادن به حیات ندگین خود به به این کارها تن ناده اند و سوپر خط امام عده اند و از روزنامه صبح آزادگان و ابرار هم خط امامی تر عده اند.  
بدنبال این حرکت بار دیگر رجوی تریک پیام را دمیونی قبل از رفتن به عراق از پرویز یعقوبی، محمدی و میثمی نام برده بود. او گفته بود این محمدی و میثمی به منتظری دلخوش شده اند. رجوی گفته بود همان اوائل هم ما، یعقوبی را نگاهنا عتم والا همان موقع بنام میثمی و ارتجاع افتاده بود.  
بار سوم سمود رجوی هنگام انتقال به عراق جمهوری اسلامی را در حال اضطلاع دانسته و گفته است رژیم نارو دسته بازرگان را بیجا کرده و عاملان سز دی را برای تبلیغ بغارچ فرستاده است.  
رجوی انا مه ناد نظام جمهوری اسلامی گروه های قلبی مجاهدین بنام نهضت و ..... درست کرده است تا مردم را به جموری اسلامی خوبین سازند.

## راه مجاهد:

خلوطی که رجوی در این پیام های آخر خود مطرح ساخته مسائل جدیدی است. بنظر می رسد رجوی تحلیلی از سیر رشد انقلاب دارد و با این سخنرا نمسها به نیروهای خود که در ایران فعالیت میکنند و به نفوذهای خود خط ناده است. بدینجهت به نیروها و ارگانهای خط امام هشدار می دهد که بددت مراقب القانات عناصر مرموز و نفوذی باشند.  
تحلیل صحبت های رجوی و دقت روی مواردی که او بر آن تاکید دارد، روش خوبی برای کشف عناصر نفوذی رجوی است و از طرف دیگر ما را از تابعیت ناخود آگاه خط رجوی نجات می دهد.  
متاسفانه از چندی قبل حرکتها و اقداماتی در رابطه با افراد فوق الذکر بعمل آمده که نشان دهنده آنستکه عناصر نفوذی رجوی موفق به فریب پاره ای از افراد صادق آنها و ارگانهای انقلاب نیز نکته دیگری که تذکر آن ضروریست آنست که رجوی تا بحال از مطرح کردن "نهضت مجاهدین" بناور مخفی گریز داشت و اکنون آن را مزبور مینامد و میدانیم که وقتی سازمان رجوی کسی را مزبور بنامد در واقع خونخوار را مباح دانسته.

**نظرات رجوی**  
در مورد آیت الله منتظری و آقایان:  
هنس بازرگان، دکتر پیمان، دکتر زبیری، هنس شیخی

پیام را دمیونی که از رادیو "صدا - رجوی" پخش شد مطالبی بدین مضمون بیان کرد: او ضمن هتاک و حمله عده به آیت الله منتظری گفت که ایشان برای جذب مخالفین و جلوگیری از پیوند آنها با سازمان رجوی سخنان مردم فریبی را بیان میکنند.

رجوی در دنباله صحبت خود ضمن نام بردن از چند شخصیت سیاسی گفت جریاناتی هستند که مستقیما مانند پاسداران در نظام نیستند ولی از آنها بدترند و خطرات تشبیه نظام است. او در انا مه گفت این جریانها به منتظری دل خوش کرده اند و می گویند او با لاجوردی فرق دارد و بحرر دیگران گوشت می دهد.

این عده بدنبال تشبیه آیت الله منتظری بعد از امام هستند. رجوی از آقای بازرگان، پیمان، هنس و میثمی نام برد. رجوی از آقای بازرگان بنام خائن و از نهضت آزادی بنام دارالتجاره نام برد و گفته بود جریانها هستند از جمله رضا رهنس مزبور و دیگران رجوی. ضمن مزبور خواندن آقای میثمی، روزنامه کیهان را بخار درج آگهی نشریه راه مجاهد مطرح کرده بود.



اگر این مردمی که شما را به اینجا رساندند نبودند حالا یا در حبس بودید یا در قبرستان ها برای اینها باید خدمت بکنید، ام خمینی

کیهان ۶۵/۴/۱۲

اخیرا برژینسکی مشاور سابق امنیت ملی آمریکا کتابی تحت عنوان "نقشه بازی" منتشر کرده است. لازم به ذکر است که برژینسکی سردمدار آن تغیری در آمریکا است که انقلاب بها راهج و مرج می نامند، اما معتقد است که باید آنها را کانالیزه کرد.

**برژینسکی:**  
ایران از جنگ طولانی خود با عراق خسته شده و حمله بنیاد گرایان به سیاستهای شاه و وضعیت داخلی آنراست کرده و شورویها ممکن است به خوبی احساس کنند که امکان بروز خشونت های قومی و سیاسی در آنجا بسیار زیاد است.

در قسمتی از این کتاب، انقلاب اسلامی ایران را چنین تحلیل کرده است که: "ایران از جنگ طولانی خود با عراق خسته شده و حمله بنیان گرایان به سیاست های شاه، وضعیت داخلی آنرا سست کرده و شورویها ممکن است به خوب احساس کنند که امکان بروز خشونت های قومی و سیاسی در آنجا بسیار زیاد است و انزوای بین المللی ایران، مزمان با خصمهای عمیق این کشور نسبت به آمریکا و خصومت با کشورهای عربی به استثنا و سوریه قابلیت آسیب پذیری را افزایش می دهد".





### اخبار داخلی اجتماعی

## شکجه به منظور اعتراف یا تعزیر اسلامی

رسالت

۶۵/۵/۱۸

شرح وتفسیر قانون اساسی به قلم حضرت  
الاسلام محمد یزدی:  
اگر انسان را در فشار روحی قرار دهند  
وتهدید کنند تا اعتراف کند، این قبیله  
اعترافها و گفتن هانمی تواند منشاء و دلیلی  
بر مظلومی باشد و برای قاضی ملاک و دلیل باشد  
به همین گونه اگر قسم در زیر شکجه و فشار جسمی  
و روحی و حالت غیر عادی باشد نمیتواند بیسبب  
هیچ وجه اماره و دلیل باشد و اگر با شکجه  
و فشار از شخص ثالث بخواهند که در این اختلاف  
به نفع یک طرف شهادت دهد، این شهادت چون  
طبیعی و عادی نیست نمی تواند طریق و اماره  
باشد. این اصل همین مطلب را عنوان میکند  
که برای گرفتن اقرار یا شهادت و یا قسم،  
شکجه کردن ممنوع است.

رسالت

۶۵/۵/۱۹

ادامه شرح وتفسیر قانون اساسی ...  
حفظ حکومت اسلامی به این سادگی نیست  
یک راه داریم و آن این است که اگر کسی در  
برابر سؤال قاضی سکوت کرد و جواب نداد،  
این سکوت به معنای این است که من  
دادگاه و حکومت را به رسمیت نمی شناسم ...  
اینکه فردی دستگاه قضایی را قبول  
نداشته باشد خود یک جرم و گناه است و قابل  
تعزیر میباشد. کسی که در محکمه شرعی حاضر  
میشود باید به هر کیفیتی صلاح میدانند جواب  
دهد.

رسالت

۶۵/۵/۲۰

۱۱ شرح وتفسیر قانون اساسی ...  
در شماره قبل آمد که قاضی میتواند

### برای گرفتن اقرار یا شهادت و یا قسم شکجه ممنوع است

متهم را به علت سکوتش تعزیر کند و یا بدین  
تعزیر را مشخص کند. قاضی حق ندارد بگوید  
متهم را بزنید تا هر وقت که پاسخ سؤالات  
را گفت و اگر جواب نداد بزنید او ادا میدهد  
تا بپذیرد. اگر قاضی چنین کاری کرد که منجر  
به فوت متهم شد این قاضی را باید آنقدر  
بزنند تا بپذیرد. تعزیرات باید مادی و جسمی  
باشد ... یعنی پای بین ترا زحدمترا زهشتاد  
ضربه باشد. اگر کسی زیر سؤال قرار کرد ...  
تا وقتی به حالت عادی برنگردد اقرار او نمی  
تواند اماره باشد مگر آن که دنبال آن قرار  
مدرکی بدست آید که مسئله روشن شود.

راه مجاهد:

در رابطه با این سخنان ابهاماتی به نظر

میرسد که امیدواریم ایشان در ادامه شرح  
وتفسیر قانون اساسی به این ابهامات پاسخ  
دهند تا راه هرگونه توجیه و برداشت  
انحرافی بسته شود.

الف - بر چه اساس میتوان از سکوت متهم  
نتیجه گیری کرد که دادگاه و حکومت را بیسبب  
رسمیت نمی شناسد؟ چرا که تافردی بطور  
علنی نفی حکومت نکند و مدرکی هم از او در  
دست نیاید نمیتوان بدلیل سکوت در برابر  
دادگاه او را متهم به نفی دادگاه و حکومت  
کرد.

ب - در رابطه با متهمین سیاسی سئوال  
این است که اگر سکوتشان تداوم پیدا کند  
و با یکبار تعزیر کردن سکوت خود را نشکنند آیا  
قاضی تحت عنوان تکرار جرم میتواند برای او  
حکم صادر کند؟

ج - باید مشخص شود که آیا این تعزیر برای  
مجازات سکوت در برابر محکمه شرع است و یا  
اینکه برای شکستن سکوت متهم است؟ چرا که اگر  
برای مجازات سکوت باشد یکبار بیشتر نباید  
اعمال شود ولی اگر به نیت شکستن سکوت  
متهم باشد لاجرم بایستی تا زمان اعتراف  
متهم ادامه پیدا کند. آیا این همان شکجه  
به منظور اعتراف نمی شود؟

البته ایشان گفته اند که قاضی حق ندارد  
که بگوید متهم را بزنید تا هنگامی که سخن  
بگوید. ولی در این مطلب هم ابهامی وجود

### قاضی حق ندارد بگوید متهم را بزنید تا هر وقت که پاسخ سؤالات را گفت و اگر جواب نداد بزنید او ادا میدهد تا

دارد که آیا قاضی می تواند بعد از حکم اول،  
دوباره حکم تعزیر صادر کند یا خیر؟ و یا اینکه  
میتواند حکم تعزیر را تدریجاً اجرا کند تا  
متهم سکوت خود را بشکند؟

د - گفته شده تا متهم بعد از تعزیر به  
حالت عادی برنگردد اقرار او نمیتواند اماره  
باشد مگر آن که دنبال آن اقرار مدرکی بدست  
آید که در این رابطه ما از ایشان توضیح  
میخواهیم که چگونه در عمل میتوان این  
گونه جمع آوری مدرک را با اعتراف زیر  
شکجه مرز بندی کرد؟ چرا که یکسری شیوه  
های غیر اسلامی عملاً در زندانهای مانفوذ  
کرده که همین تعزیر را بنحوی اجرا میکنند  
که متهم در حین تعزیر مطالب خود را اقرار  
کند. امیدواریم که حجت الاسلام یزدی سر زده  
به زندانها بیرون نماند و در عمل چسب  
استنباطی از اینگونه حکمها میشود و یا اینکه  
از دوستانشان را در این رابطه به زندانها  
بفرستند تا نحوه اجرای احکام برایشان مشخص  
گردد. با توجه به اینکه برخی از دوستان شما  
در جامعه مدرسین، نظیر آیتا... خزعلی،  
حجت الاسلام حاشی شیرازی و حجت الاسلام  
قراشتی (۱) زدن متهمین را به منظور حفظ  
جمهوری اسلامی بلا اشکال میدانند، لازم است  
شما در مقام قوه مقننه در تشریح اینگونه  
احکام توضیحات بیشتری را مطرح کنید. چیز  
که دلیل اصلی انفعال جوانان نفوذ همین  
شیوههاست در پایان از شما میپرسیم که اگر  
فقیهی حکم زدن تادم مرگ را به منظور  
اعتراف تجویز کند، چگونه باید با او برخورد  
نمود؟

پاورقی (۱)

به راه مجاهد شماره های ۳۲ و ۳۶ مراجعه شود.

## از فساد در خط مشی تا فساد اخلاقی

در نظر عده ای عاقبت طلبی و گرایش  
به بنز سواری قبضی ندارد ولی در صورتی  
که روسری یک دختر دانش آموز ناخود آگاه  
دو سانت کنار پرود غوغا به راه مسی  
اننازند که این فساد است و اسلام از دست  
رفت.

باید توجه کرد که گرایش به رفاه و تجملات  
در زندگی، از خط مشی دنیا پرستی و دوری  
از تعهد و رسالتهای سیاسی - اعتقادی ناشی  
میشود. چنین انحرافی در حقیقت یکسبب  
فساد سیستماتیک در خط مشی است که منجر  
به سرمایه داری با تمام مظاهر فساد در آن  
جمله فساد جنسی و اخلاقی و اعتیاد و بوجی  
در میان جوانان میگردد.

ولی فساد نوع دوم یعنی فساد ظاهری از  
قبیل اعتیاد و روابط جنسی نامشروع در  
جامعه، از آنجا که عموماً از کاهش انگیزه  
و هدف داری در میان جوانان نشأت میگردد،  
خطر جدی نبوده به نحو ساده تری از طریق  
بسیج جوانان در حرکت های اصولی و انقلابی  
حل میشود.

بقیه از ص ۳

### استراتژی امید و یاس

#### د - استراتژی امید و یاس و خسوف ملت عراق

جریانی مطرح میکنند که علت عدم حرکت  
مردم عراق، ترس از حاکمیت رژیم بعث است.  
این جریان میگوید صدام به دو دلیل توانست  
است جنگ را تا کنون ادامه بدهد. اول اینکه  
خوف شدیدی در دل مردم عراق نسبت به خود  
ایجاد کرده است و مردم از مرگ و شکجه توسط  
رژیم بعثی، دست به قیام و اعتراض نمیزنند.  
دوم به دلیل تشجیع ملت عراق، بدین معنی  
که با ایجاد شجاعت حماسی و کینه در دل آنان  
جسارت و مبارزه را علیه ایران تشدید نموده  
است.

استراتژی یاس با قبول این دیدگاه  
مطرح میکنند که در عراق امید به هیچ حرکت  
و تحولی نیست.

استراتژی امید معتقد است که مردم عراق  
ترسو و بزدل نیستند، اگر ترسو بودند این همه  
کودتا و جنگ های داخلی در عراق رخ نمی داد.  
به علاوه در طی وقوع کودتا های مختلف ترس  
مردم از هجوم نیروهای نظامی به شهرها  
ریخته است.

از طرف دیگر حدود یک میلیون نفر از مردم  
عراق توسط رژیم به جبهه آمده اند که  
بسیاری از اینها با انگیزه هایی که دارند،  
علیه رژیمندگان ما مقاومت کرده و دیده شده  
که جنگ تن به تن نیز میکنند.

استراتژی امید میگوید باید از این حرکات  
استفاده کرد و از طریق حرا فرینی رژیمندگان  
عراقی را علیه حاکمیت بعثت بسیج نمود.

استراتژی امید با الهام از خط مشی  
کربلایی امام حسین (ع) معتقد است تکیه  
- گاه اصلی امام، سپاهیان کوفه بودند که

بعضی مثال در جریان انقلاب اسلامی  
جنگ تحمیلی شاهد بودیم که چه بسا  
افرادی معروف و ممتاز و ... که جنب  
عمل صالح شده و به سرعت به صفوف  
انقلاب پیوستند و بسا همگان نیز بسبب  
عبادت رسیدند. اما آنهایی که تعلق  
به دنیا و عاقبت طلبی و رفاه و خط مشی دور  
از سیاست داشتند به سختی، در مقابل رخ  
انقلاب از خود انعطاف نشان میدادند و  
هم اکنون نیز مسئله عاقبت طلبان در  
انقلاب حل نشده است.

در نتیجه فساد در خط مشی و عاقبت طلبی  
پدیده ای خطرناکتر و استعماری تر از  
فساد ظاهری است و نباید بجای مبارزه با  
عاقبت طلبی و نبروه های آن به عمل فرعی  
درگیری با فساد ظاهری که معلول آنست  
تا من زده شود.  
مبارزه اصولی با عاقبت طلبی به طور  
قطع فساد ظاهری را در جامعه ریشه کن  
خواهد کرد.  
والسلام

امید به جذب و هدایت اینها داشت، در واقع  
زمانی که این زیاده پشنها دبا زگشت به  
مدینه و یا رفتن به کوفه را از امام قبیله  
نکردند، امام راهی کربلا میشوند. و با این  
اعتقاد که جان بزرگترین جریانهای کوفه  
در بین سپاهیان این زیاده هستند، خط مشی  
رفتن به کربلا را اختیار میکنند. آنها مانع  
از رفتن امام به کوفه شدند ولی امام (ع)  
ملاحظه کردند که مردم کوفه خود به تداوم  
خواهند آمد. در آن شرایط کسانی در کوفه  
مانده بودند که عاقبت طلب بوده و اکثر  
نیروهای اهل مبارزه نیز به سپاه این زیاده  
پیوسته بودند. از این رو جذب و هدایت این  
جریان و جدا کردن آن از این زیاده برای امام  
یک تکلیف الهی و خط مشی لله بود.

در این رابطه حداکثر تلاش خود را کردند  
که از این سعدا مان بیشتری بگیرند تا بیشتر  
بتوانند با این جریان برخورد کرده و عده  
دیگری را نیز همانند حرا ز صفا این زیاده جدا  
سازند. در کتاب حماسه حسینی شهید مطهری  
روایتی از امام صادق (ع) نقل گردیده که  
اکثر لشکریان این زیاده با انگیزه بهشت به  
کربلا آمده بودند.

در این رابطه استراتژی یاس مطرح می  
- کرد که رفتن به کربلا عین هلاکت و نابودی  
است و نمی توان با ۳۰ هزار جنگجوی کوفه  
درگیر شد.

امیدواریم تکیه اصلی مسئولین  
و فرماندهان نظامی مادر جبهه های جنگ روی  
جذب و حرا فرینی ارتش عراق معطوف گردد و با  
ناظر دانستن خدا، از شیوه های غیر اسلامی  
نظیر اسیر کشی، و بیمارارن مناطق مسکونی  
مردم بیگناه عراق تحت عنوان مقابله  
به مثل و ... خدا، بپرهیزیم. در جریان حرا  
آفرینی آنچه مهم است خالص کردن نیست  
برای خداست. محبت بایستی لله باشد  
و نه صرفاً برای جذب.

ادامه دارد





### اخبار داخلی



## شریعتی درخششی در تاریخ انقلاب و تاریخ اسلام بود

بخشی از سخنان آقای حاجری زاده  
نماینده بیرجند

کبهان ۶۵/۳/۲۹

۲۹ خرداد سالگرد شهادت معلم شهید ارزنده و آگاه دکتر علی شریعتی است که همچون دیگر رهبران تاریخ پر فراز و نشیب اسلام حقی بزرگ برگردن ساخت فرهنگی حرکت انقلاب اسلامی دارد. نقش بزرگوارانی چون سید جمال الدین حسینی اسدآبادی، استاد علامه اقبال لاهوری مرحوم آیت ا. ا. طالقانی و معلم شهید دکتر علی شریعتی در اصلاح و روشنگری و آگاهی اسلامی نسلهای عصر حاضر انکارناپذیر و فراموش نشدنی است.

### نظرات دکتر بهشتی درباره شهید شریعتی

شهید بزرگوار آیت ا. ا. دکتر بهشتی درباره شریعتی میگوید که همه مردم مسلمان مخصوص تحصیل کرده های مایه دارند موج

### شهید بهشتی میگوید:

مرحوم شریعتی از استعدادها و قریحه های برجسته زمان ماست شریعتی در تاریخ انقلاب و تاریخ اسلام بود.

عظیمی که گفته ها و نوشته های خوشترین مرحوم دکتر شریعتی در نسل تحصیل کرده و در میان از افراد گریزنا نسبت به اسلام در سالهای اوج انقلاب ایجاد کرد در رشد و حرکت ما شامل موثری بود.

شهید بهشتی میگوید: مرحوم شریعتی از استعدادها و قریحه های برجسته زمان ماست شریعتی درخششی در تاریخ انقلاب و تاریخ اسلام بود. او در توسعه و تقویت شعور انقلابی جامعه بخصوص نسل جوان تاثیر بسزایی داشت و توانست قلب و ذهن جوانان ما را برای درک پیامهای امام آمانتر و نزدیک کند. او توانست پیوند بین نسل جوان و روحانیت مسئول و متعهد را در یک راستای انقلابی برای نسل جوان قابل فهم سازد.

### شیوه برخورد با آثار دکتر شریعتی

نماینده بیرجند در مورد آثار دکتر شریعتی گفت: یقیناً شریعتی نیز مانند همه آنان که خوب زیاده کار می کنند خالی از خطا نیست. امام هم این است که بر سر جزئیات

اندیشه های او نزاع نکنند و ستایشگری مطلق و بی طرف و نفعی مطلق آثار شریعتی هیچ کدام صحیح نیست.

### تشیع از دیدگاه شریعتی

مهمترین کار تفکر را افکار و اندیشه های او نقد و ارزیابی است. شریعتی از بزرگان اندیشه و معرفت این دیار است. شریعتی میگوید تشیع یعنی پیروی از اندیشه علمی روش زندگی و کار علمی و نحوه جهاد و تحمل علی (ع) است. حق پرست آنچنان که علی بود حقیقت پرستی با سیاست بازی و زرنگی، نامین مصالح و منافع سازشکاری نمی آید بنظر او سیاست بازی یعنی امروز بگونه ای سخن گفتن و روز بعد بگونه ای دیگر حرف زدن که معنای حق و باطل را توأم با هم دیگر داشته باشد هم برای عوام سخنی کاملاً مقدس جلوه کند و هم برای خواص سخنی منطقی باشد و وجه عمومی بیارود

### دیدگاه شریعتی درباره امر معروف و نهی از منکر

شریعتی میگوید: در اسلام جمع بین امر معروف و نهی از منکر بصورت یک حکم واحد می آید که تحقق حقیقت بدون نفی باطل تلاش برای عدالت بدون مبارزه با ظلم و پدیدار کردن مردم بدون کوبیدن عوامل خواب یک شیوه اسلامی در کار اجتماعی نیست. سنت پیامبر و سنت نیز این درس علمی را عملاً می آموزند. شریعتی به این فرمان حضرت علی (ع) که دست ندانم شام فاحش باشد معتقد

### دکتر مصدق:

## "آزادی، استقلال و نفت"

در روزهای از سخنان مرحوم مصدق را درباره "بریدن از نفت" می آوریم به امید اینکه، پشتوانه و تکیه گاهی تاریخی برای مسئولین جمهوری اسلامی، در پایه ریزی اقتصاد بدون نفت باشد.

### ۱- عواید نفت در خدمت استقلال:

دکتر مصدق در محکمه نظامی شاه: اینجانب نمیخواهم عرض کنم که عواید نفت خدمت بزرگی به اوضاع اقتصادی مملکت و بالا بردن سطح تولید مردم نمیکند بلکه می خواهد هم اینتر اعراض کنم که عواید نفت وقتی برای ما مفید است که آزادی و استقلال ما زین نرود یعنی مملکت را با عواید نفت معامله نکنیم.

(صفحه ۷۷۷ - مصدق در محکمه نظامی)  
"می خواستم قضیه نفت را که بسیاری تشنه حل آن بودند شرافتمندانه حل کنیم، و به فرض اینکه نمی خواستند قرارداد شرافتمندانه ای با دولت اینجانب منعقد کنند و ضعیف اقتصادی مملکت طوری می شود که بدون عواید نفت مملکت بتواند روی پای خود بایستد و آزادی و استقلال که برای هر فرد مملکت یک قضیه حیاتی است از زمین نرود."

(صفحه ۷۷۷ - مصدق در محکمه نظامی)  
راه مجاهد: مرحوم مصدق، اصل استقلال را نسبت به عواید نفت مقدس تر میگرداند به همین خاطر وقتی حکومت ملی از عواید نفت محروم شد با ایمان به استقلال مملکت توانست اقتصاد مستقل از نفت را پایه ریزی کند.  
۲- رابطه اقتصاد بدون نفت و صدور انقلاب:

"دکتر مصدق در محکمه نظامی: بعضی از اشخاص (غریبه ها - راه مجاهد) چنین تصور میکردند که اگر ما خود را از عواید نفت مستغنی کنیم دول دیگر هم برای رسیدن به آزادی و استقلال به ما تاسی میکنند و در نتیجه آنها از عواید نفت و از حالت دمار دور آن دول محروم میشوند."

اگر دولت ایران میتواند به نهضت ملی خود ادامه دهد سایر کشورهای نفت خیز هم تدریجاً از آن درس می گرفتند و این کار برای دولی که از نفت آنها استفاده میکنند ضرر داشت و آنها مجبور بودند که قضیه را با ما حل کنند."

(صفحه ۷۷۷ - مصدق در محکمه تاریخ)  
راه مجاهد: از آنجا که عواید نفتی کشورهای خلیج بالاخص عربستان در خدمت منافع غرب میباشد به همین دلیل عده ای از نیروهای انقلاب به برخورد خصمانه با عربستان می رسند که در این درگیری، دشمن صهیونیستی فراموش خواهد شد به نظر میرسد پایه ریزی اقتصاد بدون نفت توسط جمهوری اسلامی، بهترین برخورد تعالی بخش با کشورهای نفت خیز منطقه باشد چرا که اداره کشور بدون اتکا به عواید نفت می تواند در منطقه الگو شده و موجب صدور نفت گردد. باید دانست که صدور انقلاب مکانیکی نبوده بلکه در صدر شیوه های انقلابی است که در راس آنها خودکفایی ملهم از قیومیت خدا می باشد.

### ۳- قطع امید از عواید نفت باعث قاطعیت در اجرای اقتصاد بدون نفت است

دکتر مصدق در محکمه نظامی شاه: نظر بنده این بود که تا ملت ایران به پای خود نایستد، هیچ وقت آزادی و استقلال پیدا نمیکند، ما نباید به امید عواید نفت زندگی کنیم، مگر عواید نفت چند سال به بودجه مملکت ما رسیده است؟

(صفحه ۷۷۷ - مصدق در محکمه تاریخ)  
راه مجاهد: امام خمینی طمی رهنمودی به فرماندهان سپاه و ارتش در تاریخ ۶۵/۴/۲۸ رمز پیروزی در جنگ را اتکا به خدا و عدم اتکا به نفت و سلاح دانستند زیرا آنها با امید به خدا و قطع امید از نفت، می توان در تحقق خودکفایی اقتصادی موفق بود دیدگاهی وجود دارد که خودکفایی را به عنوان یک تاکتیک کوتاه مدت تا زمانی که قیمت نفت بالا رود مطرح مینماید امید داریم رهنمودهای امام خمینی و تجربه نهضت ملی، ساده اندیشی این دیدگاه را در امید به عواید نفت اصلاح نماید.

اندیشی خارج میشوند و با حق به دشمنی آغاز می کنند و آلت فعل دشمن میشوند. مزدور بی مزدند از جبهه حق منحرف می شوند ولی خیال می کنند که درست فکر می کنند.  
۳- ناکتین، ناکتین تمام دوستان و همعزمین

نماینده بیرجند افزود من از سخنان معلم شهید اینگونه برداشت کردم برای امروز و فردای انقلاب که: دشمنان اسلام، انقلاب اسلامی و رهبری امام امت و خط ولایت فقیه سه دسته اند که وظیفه دارم برای مردم تعریف کنم با این سه گروه مبارزه کنند.  
۱- قاسطین یعنی همان ظلمه یعنی کسانی که آشکارا استعمار کنند. جبار، جلا، دشمن آزادی و حقوق مردم، زری پرست، زور پرست، قدرت طلب، منفعت طلب و تجاوز و مستبدند. قاسط همان دشمن رویاروی است خداوند! انقلاب اسلامی ما را بر صد ایمان بعث و برگرد جهانی شرق و غرب پیروز گردان  
۲- مارقین، کسانی هستند که در اثر اشتباه، بدانند پیش، کج فهمی، بی شعوری کم آگاهی، انتخاب راه بد، تبلیغات خارجی شایعه سازی از راه دین راه درستی و درست

نگوئید مردم عوام هستند و نمی فهمند، شلر خدا مردم واقعاً رشد فکری و سیاسی پیدا کردند منتظری





# اخبار لبنان و فلسطین



## لبنان قهرمان و اعترافات جج بال به شکست امریکا

خاطرات جرج بال بنقل از اطلاعات ۲۸ خرداد ۶۵:  
اگر در ماجرای ویتنام و لبنان تعداد نیروهای ما با هم قابل مقایسه نبود ولی در عوض، اشتباهاتمان کاملاً باید یگرشبهات داشت:

- در هر دو مورد ما تمام قدرت و اعتبار خود را برای پشتیبانی از یک حکومت بی پایه و ضعیف بکار گرفتیم. تا بتواند در صحنه جنگ داخلی بحرین فاش پیروز شود.
- در هر دو مورد بدون توجه به بی اهمیتی نسبی قضایای مبتلابه آنها برای منافع آمریکا، از عاقلانه ترین روش که بیرون کشیدن نیروهایمان قبل از بروز فاجعه بسود خود داری کردیم.
- در هر دو مورد رهبران ماروخی درست خلاف عقل و منطق در پیش گرفتند و در نتیجه، علیرغم ادعاهایی که در کسب پیروزی داشتند آمریکاراد چار شکستی مصیبت بسیار کردند.
- در ویتنام ما از مجموع ۵۰ هزار نیروی نظامی، ۵۰ هزار کشته دادیم و در لبنان از مجموع ۱۸۰ تنگد ار امریکائی، ۲۶۵ نفرشان در حالی تلف شدند که آنها را بدین حفاظ، در موقعیتی وخیم، میان آتش جنگ داخلی، قرار داده بودیم و خودشان هم خوب میدانستند که با حضور رانجا، هیچ منافعی را برای کشورشان تامین نخواهند کرد.

راه مجاهد: تا زمانی که غرب در متد ولوژی ارسطویی خود تجدید نظر نکند نمیتواند از شکست هایش جمع بندی کند و شکستهایش تکرار میشود مثل تکرار شکست ویتنام در لبنان.

### لبنان قهرمان

### دستهای مرموز

در شماره ۳۶ راه مجاهد مقاله ای تحت عنوان انقلاب فلسطین و دستهای مرموز درج شده است. در آن مقاله با استناد به جلد ۳۸ اسناد لانه جاسوسی به معرفی فردی بنام محسن سلیم پرداخته ایم. این شخصی يك وكيل لبنانی الاصل میباشد که طبع اظهاراتش قند ناعنه با سازمانگ شمعان لبنان علیه محور خمینی- ساف توطئه کند. وی همچنین از مخالفان امام موسی صدر در لبنان بوده است.

عهد چمران طی مقاله ای که در "کتاب لبنان به روایت دکتر چمران و امام موسی صدر" به چاپ رسیده است از نیت شوم محسن سلیم در سازماندهی شمعان لبنان و ارتباطش با عوامل سرسپرده صهیونیسم در لبنان پرده برداشته است که عیناً این قسمت مقاله را می آوریم.

### محسن سلیم از دیدگاه عهد چمران

"در تاریخ ۱۲ آوریل ۷۷ ( زمستان سال ۱۳۵۶ ) خبری جدید در روزنامه های بهروت به چشم می خورد و آن تاسیس سازمانی جدید برای رهبری شمعان مظلوم و بی پناه بود. موسس این سازمان يك وكيل نا دگتری بنام محسن سلیم از استفاده چرها و فرصت طلبان مشهور لبنان است که با کمک چند پزشک و چند وکیل عدلیه مابین سازمان جدید را بکار انداخته است تا به ادعای خود مخلص رهبری طایفه شیعه را بر کند. روز بعد خبری مهمتر در روزنامه ها منعکس شد و آن اینکه در منزل محسن سلیم در غیره مجلسه ای مهم از رهبران این سازمان جدید با حضور بشیر جمیل (فرمانده نظامی کتاب و جلاد مشهور سبت اسود - شیخ ساه) تشکیل شد. تا خلوط اساسی و استراتژی این سازمان جدید بی رمزی شود. البته رادپوتلوویزیون لبنانی نیز ( که بدست مترقیان رونیسی است ) این اخبار را سازمان جدید را با آب و تاب فراوان و اهمیت فوق العاده منتشر کردند بطوریکه هیچ شکی باقی نمانده است که این سازمان شیعی جدید

## نظرات اسحاق شامیر در مورد حکومت ایران

رادیو رژیم صهیونیستی نیمه دوم تیرماه: گری هارت نامزد ریاست جمهوری امریکا در سفر خود به اسرائیل از اسحاق شامیر وزیر امور خارجه و قائم مقام نخست وزیر اسرائیل در مورد فروش اسلحه به ایران سؤال کرده بوده وی در جواب گفت ما حکومت جمهوری اسلامی را فراطبی ترین کشور ضد اسرائیل میدانیم و به همین دلیل و به رغم شایعات موجود هیچ کمکی نمیتواند از سوی اسرائیل راهی ایران شود.

### راه مجاهد:

اغلب رسانه های گروهی غرب سعی دارند با ایجاد شایعه هایی نظیر خرید سلاح ایران از اسرائیل با صالت انقلاب اسلامی را به زیر سؤال برند تا شعار آزادی قدس را لوث نمایند. اما کتاب انقلاب اسلامی و ضربه ای که هر لحظه در جبهه های جنگ برپیکر عراق و اسرائیل وارد می آید کارگزاران رژیم صهیونیستی را وادار به اعتراف نموده که ایران افرا ای ترین و شور ضد اسرائیل و ضد صهیونیست دنیا ست.

## شیخ عدل طلب دستهای مرموز در لبنان

یکی از آگاهان مسائل لبنان گفته است شمعان لبنان بدلیل پان شیعیزم نیست که به ایران علاقه دارند بلکه بعزت عدالت پروری انقلاب اسلامی است که به آن وفادارند. بران اهل سنت و مسیحان نیز به همین دلیل به انقلاب اسلامی علاقمندند.

### راه مجاهد:

دستهای مرموز وابسته به اجانب سعی دارند شیعه را بیک فرقه و نژاد و طایفه خاص قلمداد نموده و از این راه تضاد شیعه و سنی را تشدید نمایند. یکی از مسئولین انقلاب بعد از سفر لبنان گفته بود متأسفانه بمنظور تشدید اختلافات بکنفران چریکهای تبیه بصری عکس امام خمینی را به سینه چسبانیده و با آریسی جی به منزلی حمله کرده به این دلیل که اسم صاحب منزل عمر بوده است.



بقیه اخبار از صفحه ۱۱  
جنگ و اسلام و کفر

و تفصیلات نسانی که در حضرت موسی (ع) و پیروانش بوجود آمده بود موجب شد که با استفاده از امداد غیبی ما ز دنیا عبور نمایند و از آل فرعون هم نجات پیدا کنند در حالیکه در سپاه فرعون این تفصیلات نسانی وجود نداشت و آنها غرق شدند. (۱) همین عوامل باطنی و تفصیلات نسانی در سپاه اسلام بود که توانستند با وجود مشکلات فراوانی که در گذر از ارونند وجود داشت از این رود عبور نموده و حماسه پیروزی فو را بوجود آورند.

(۱) - رجوع خود به تفسیر پرتوی از قرآن مرحوم آیتا ۰۰۰ لالقانی جلد اول سوره بقره آیه ۵۰ صفحه ۱۵۴.



نماز يك انقلاب فرهنگی مستمر است آیت اله طالقانی



بقیه از صفحه ۶  
رامون

تضادهای نیروی رژیم عراق

صدام و ملاحظات سیاسی

جناح صدام و حزب بعث تحت فشار امریکا، شوروی، رجوی و... میباشند و ناچار است برای هر عملیات و بخصوص عملیات زدن شهرها، ملاحظات سیاسی را در نظر بگیرد و به اربابان خود توضیح دهد. علاوه بر قدرت های خارجی، صدام ناچار است عشار و قومیت های مختلف درون عراق را نیز در ملاحظات سیاسی خود ملحوظ دارد از جمله کردها، شیعیان، برخی از مراجع و... تا آنها را از دست ندهد. لذا صدام باید با جناح ژنرالها به رقابت برخیزد تا بتواند سیاست عراق را جوهر عملیات جبهه ها کند تا از فشارهای داخلی و خارجی بر روی رژیم کاسته شود. در حالیکه ژنرالها معتقد به عملیات بی امان بدون در گرفتن اهداف سیاسی هستند و بیشتر جنبه نظامی مد نظر آنان میباشد. بعنوان مثال تحلیل بنیادی بر زمینسکی از ایران چنین است که در ایران سه جریان قابل تکیه وجود دارد ۱- احاسات مذهب پرستانه غد روس ۲- احاسات مذهبی ضد کمونیسم ۳- گراهی به توسعه اقتصادی و تقویت آزادی (رجوع خود به خبرنامه خمینی زبانی و سیاست جدید سلطان بزرگ).

لذا صدام با بنیان دیدگاه جناحی از امپریالیسم نیز توجه کند. در صورت بمباران شهرها، سه جریان معاند رون داخل ایران که در نظر بر زمینسکی به آن اشاره شد به سمت خط اطمینان کشیده خواهند شد و جانب مردم را خواهند گرفت.

تجربه ای که صدام در مقابل عملیات ضد مردمی خود داشته است این بوده که سال گذشته مرجوی و سلطنت البیان از این عمل صدام انتقاد کردند و حتی امریکا نیز این عمل را محکوم نمود و آنرا نادرست خواند. بسیاری از طبقات مرفه ما ز شهرها بیرون رفتند و شهر بکمره بدست نیروهای

مقاوم خط امام افتاد و سر زدن مناطق غیر نظامی به روز قدس انجامد که بسا وجود تهدیدهای مکرر رژیم عراق و هدف قرار دادن چندین شهر مردم بیچاره از سالها گذشته. در راهپیمایی روز قدس حرکت کرده و از آن استقبال نمودند. راهپیمایی روز قدس جمعیتی رژیم عراق را عوض کرد و بهر از آن بود که دیگر عملیات زدن شهرها متوقف گردید. بعدها صدام به این خط رسید که منابع اقتصادی ایران را انتخاب نموده و از مسافت نزدیک مورد حمله قرار دهد. زدن شهرها بطور همه جانبه و کور مخط ژنرالها بود تا ایران را از این طریق به زانو در آورند.

صدام حمایت میکنند ولی اگر در درگیری این دو جناح نظامی ها روی کار آیند. چون بدون در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی و به اصطلاح با بی عقلی عمل میکنند خیلی سریعتر رسوا و منزوی میشوند. نظیر این دو جریان در زمان امام حسین (ع) در مورد یزیدمان نیز بود. یزید و ابن زبیر از افرادی بودند که معتقد به کار نظامی و سرکوب دید امام حسین (ع) و بارانش بودند. در حالیکه عمر سعد مخالف نظر آنان بود و حتی معاویه که از معروفترین سیاستمداران آینده نگر بود و در وصیت

نظامی یزید و ابن زبیر زیاد بنیان رژیم یزید و بنی امیه کننده شد. ویس از آن جریانها مختلف توابعین بوجود آمدند که سلسله اموی را بر انداخت. همین قانون در مورد نو جناح نیروی عراق نیز وجود دارد. هر قدر رژیم عراق به وحدتگری نظامی خود نا من بزند و به سرکوب مردم شهرها و مناطق غیر نظامی و منابع اقتصادی ما انا مه دهد زوال رژیم بعث عراق را تسریع خواهد نمود.

صدام هم اکنون خود را از نظر سیاسی نزد غرب تثبیت شده تر میدانند چرا که بسا وجود پشتیبانی عرفات و رجوی از صدام وجهه سیاسی او بالا مرود.

هم اکنون غرب و همه جناحهای آن از صدام حمایت میکنند ولی اگر در درگیری این دو جناح (نظامیها، حزب بعث و صدام) نظامیها روی کار آیند چون بدون در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی و به اصطلاح با بی عقلی عمل میکنند خیلی سریعتر رسوا و منزوی میشوند. نظیر این دو جریان در زمان امام حسین (ع) در مورد یزیدمان نیز بود.

حمله به جزیره سری

بنظر میرسد که حمله به جزیره سری خط صدام - رجوی باشد چرا که میخواهند به ژنرالها بفهمانند که زدن سری که یکی از عاهرگهای مهم اقتصاد ماست، مهمتر از زدن شهرها بدون هدف است. محروم کردن ایران از منابع اقتصادی و بخصوص توقف صدور و گازهای نفتی همانا خط امپریالیسم است که میخواهد با تضعیف بنیه دفاعی ایران ما را وادار به مذاکره نمایند.

پند گیری از تاریخ

هم اکنون غرب و همه جناحهای آن از

نتیجه

در پایان باید توجه کرد که ما نباید به تضادهای نیروی عراق تکیه کرده و به آن امید ببندیم. در حالیکه عامل اصلی در پیروزی جنگ ما ما نامه عملیات محدود و بی امان است چرا که در حال حاضر تضادهای نیروی عراق آنچنان شدید و بحرانی نیستند که قابل تکیه باشند و هنوز تشکیلات از افسران ملی در عراق بوجود نیامده است.

امیدواریم این جنگی که عراق علیه انقلاب اسلامی ایران آغاز کرده است تبدیل به جنگ دو دولت و دو ملت نشود بلکه به جنگی رها بی بخش بین ملت عراق و رژیم بعث تبدیل گردد.

مسئله صدام تثبیت سیاسی خود اوست. او مایل است طبق قراردادی از طرف امام معزوم و دست رس میت پیدا کند و مسلمان جهان خط بر اندازی وی و حزب بعث را ندانسته باشند. در حالیکه منافع رجوی علاوه بر انا مه جنگ، بر اندازی نسبت به امام نیز هست چرا که اگر صلحی انجام گردد او باید وجه المصلحه این صلح قرار بگیرد.

بقیه از ص ۳۲ پاسخ به خوانندگان  
الله کاشانی قابل مقایسه با امام خمینی و نه آن آقایان پیرو واقعی دکتر مصدق هستند.

حال اگر استاد فارسی نیز معتقدند نقل قول "به آن صورت" درست نبوده، درست آنرا بیان کنند.

مطلب مهمتر اینکه اخیرا انقلاب ما مواجه با توطئه های زیادی منجمله قطع در آمد نفت شده است و نیاز شدیدی به روشهای اقتصاد بدون نفت و اتخاذ شیوه از تجربه ۲۸ ماه دولت مردمی مصدق دارد. حال اگر عده های در مسلمان بودن مصدق شک کنند مسئله خودکفایی و مبارزه با امپریالیسم را هم فلج می کنند و دیگر نمیتوانند با خوش بینی به شیوه های مصدق نگاه کنند و در راه خودکفایی ضربه زیادی خواهیم خورد.

ثالثا: چند ماه پیش از کانال دیگری شنیدیم که استاد فارسی چنین نقل قولی را از امام کرده اند و مطمئن تر شدیم.

برادر سعید پ در مورد دیدگاه نهضت مجاهدین خلق ایران از نظام اجتهاد و تقلید سوال نموده اند و اینکه احکام در این نظام چگونه باید انجام شود تا به چه مقرراتی است تا از نظر قانون گذار الهی صحت نداشته باشد.

ساله اجتهاد و تقلید و چگونگی آنرا میتوان در کتاب وسعتر اصل اساسی امامت و چگونگی رابده امام با امت بررسی نمود.

در شماره های ۱۰-۱۲-۲۰-۲۱-۲۲ ما مجاهدین را رابده امت و امامت بحث نموده است. مسلمان اصل با اجتهاد است و همه باید در این

راستا حرکت کنند و مجتهد شوند. نه اینکه مقلد بمانند. ملا صدرا هم این مسئله را به شاگرداندر تعلیم نموده است. جوهر جمعه اجتهاد به معنای آزاد اندیشی است و البته نه به مفهوم لیبرالیسم بلکه بدین مفهوم که در سر اندیشیدن ترسی جز از خدا ندانسته باشیم. امام حسین (ع) فرموده اند: «بندگی دیگر میباش که خداوند ترا آزاد آفریده است.»

بنابر ما مستقل از امام و امت اصول مستقل از نهی حاکم است و امام کسی است که بالاترین درک و تحقق از اصول را دارد.

امت بر مبنای تسلیم بخدا و قرآن، تسلیم امام هم میگردد.

ولی فقیه کسی است که به بهترین وجهی آیات قرآن را تحقق داده است.

مثالعه مقاله اجتهاد و تقلید شهید مازنی

در کتاب مرجعیت و روحانیت توصیه میشود.

\*\*\*\*\*

عده ای از خوانندگان نشریه راه مجاهد درخواست کرده اند که ما محل فروش نشریه و کتب خود را اعلام کنیم. به اطلاع این عده از دوستان مهرانم همچون نهضت مجاهدین مکان مستقلی برای فروش کتب و نشریات خود ندارد لذا از کسانیکه مایل به تهیه آنها میباشد میتوانند در تماس با صندوق پستی ۱۷۱۸/۵۴۴ آنها را تهیه نمایند. ضمنا آخرین شماره راه مجاهد که هر دو ماه یکبار به چاپ میرسد در بعضی کبوسکهای فروش مایبوعات در ساح شهر تهران بفروشد. میرسد کسه میتوانند تهیه فرمائید.

\*\*\*\*\*

فطرت شما توجه به خدا دارد، خودتان متوجه نیستید، همه فطرت ها توجه به خدا دارد  
امام خمینی



بقیه از ص ۵ گوشه‌هایی از زندگی شهید .....  
درجوی از همین مسائل استفاده کردند . به این صورت که  
ایادی مرموز و دستپای خیزنده با سرکوب نیروها و هواداران  
و برخورد های غیر اسلامی به اعترافات آنها مشروعیت داده و  
حتی شاهد بوده‌ام که گاهی خود به کتابفروشی‌ها پشان حمله  
می‌کرده‌اند . زیرا این حمله‌ها و برخوردهای بد در جهت  
تثبیت بیشتر آنها بود و از طرفی در نظر مردم ایمین  
برخوردها به نظام جمهوری اسلامی ، دولت و درانتها به امام  
منتسب شده و مردم نسبت به انقلاب بدبین می‌شوند و مهمتر  
از همه اینکه در کما کما این تضادها و برخوردها و دعواها  
مسئله اصلی فراموش شده و امپریالیسم می‌تواند با خیال راحت  
به چپاول بپردازد .

نقد دوبار در تضادهای درون جبهه ملی

در این باره هم تحت عنوان "نقد دوبار در اختلافات  
داخلی جبهه ملی" در خاطرات شهید فاطمی می‌خوانیم که :  
" ... دوبار از روز اول تشکیل جبهه ملی  
بما با نظر نفرت و دشمنی نگاه میکرد و چون  
هسته ای از مخالفین بنام خود را در زیر  
عنوان "جبهه ملی" مبدعید هرگز راضی  
نمیشد توسعه و بسط قدرت "جبهه" را تحمل  
کند .  
و در دنباله بحث می‌نویسد :

" ... نخستوزیری دکتر مصدق مقدمه

اختلاف در "جبهه ملی" شد زیرا عناصری  
که سالها مشق "اقلیت" کرده‌اند ، خیلی  
در حفظ "جاهت" کوشا هستند . حالا نمیتوانند  
کسارا اکثریت بکنند و حکومت را اداره نمایند "

دوبار با استفاده از خصلتهای فردی هر کدام از شخصیتهای جبهه  
ملی به سراغ آنها رفته و با تطبیع و قول هستو مقام  
دادن ، سعی در جدا کردن آنها از جبهه میکند .  
کما اینکه فردی مثل مکی صرفاً به خاطر اینکه "چرا بلا  
مصدق به آمریکا نرفته" و با بقیه به خاطر  
خصلتهای قدرت طلبانه ، از نهضت جدا شده و خیلی از آنها  
در صف مخالفین سر سخت دولت درمی آیند . مانند بقیه  
که هر چه توانست از زمین دولت در مجلس تادیر دیدن  
و شکنجه و به شهادت رساندن افسار طوس ، در سقوط دولت  
ملی کوتاهی نکرد . این افول اخلاقی تا بداجا پیش  
رفت که کما نیکه روزی پیگام مبارزه ضد استعماری بودند  
همه کود تارانی بید کردند و حتی با آن همکاری نمودند تا  
مصدق سقوط کرده و فاطمی اعدام شود .

شهید فاطمی همه این مسائل را ناشی از نفوذ بیگانگان  
میدانست و برای قطع سلطه آنها به همراه مصدق بسط  
اقداماتی نظیر خلق یک اثر کتف اصابت نفت ایران و انگلیس  
ملی کردن شیلات سیامت غیر متمسک و موازنه منفی  
و اقتصاد بدون نفت دست زد .

۵ - صداقت تشکیلاتی

فاطمی در کار برخورد با مصدق و دیگر اطرافیان دارای صداقت  
کامل بوده و هیچ گاه در جهت منافع فردی حرکت نکرده و بقول  
دکتر مصدق هیچ توك اولی ای از او دیده نشد . جویسبان  
عبرت انگیزی در این مورد این است که :

" ... بعد از واقعه ۱۹ اسفند ماه ۱۳۳۹ شاه  
فاطمی را احضار کرده و بالاترین نشان سلطنتی  
نشان درجه ۱ همایون را به او میدهد  
و همچنین حسین علاء وزیر دربار وقت به

او قبول می‌دهد که در یک حکومت پسران  
مصدق فاطمی نمیتوانند بروی یک مقام  
بالاتر حساب کم کرده و حتی نخستوزیر  
شود . اما دکتر فاطمی بلا فاصله بعد از جلسه  
به نزد دکتر مصدق رفته و ماجرا را تمام و  
کمال برای او بیان میکند . در حالیکه همین  
تماسها با افراد دیگری از جبهه ملی نیز  
گرفته شد و به آنها نیز همین قولها  
داده میشود . که هیچ يك از این افراد چیران  
را برای مصدق بازگو نمیکنند ."

دکتر فاطمی بعد از کودتای ۲۸ مرداد مدتی را در خانه یکی  
از دوستانش به صورت مخفی بسر میبرد و چون شدیداً آمیض  
بود و دستمزور نظرش که دکتر بود میتوانست مراقبتهای لازم را  
از او بنماید . بعد از چند ماه ، مأمورین دولتی بطور اتفاقی  
شهید فاطمی را دستگیر کردند و همینکه فاطمی دستگیر شد  
مغزهای شیطانان علوی مقدم ، نصیری و تیمور بختریار در یک  
نقشه توطئه آمیزی بغاطر اینکه سنگینی بار به شهادت  
رساندن دکتر فاطمی را که حالا یک چهره بین المللی شده  
و از پایگاه مردمی فراوانی برخوردار بود از دوش خود بردارند  
به توافق رسیدند که عده ای از ارازل و اوایش را به جلو

جلادان شاه آزموده و بختیار برای اجرای حکم اعدام به  
سلول دکتر فاطمی رفته و او را که ۴۰ درجه تب داشت و از  
حال نامساعد خود رنج می‌برد ، برای اجرای حکم بردند . قبل  
از اجرای حکم ، آزموده خطاب به دکتر فاطمی میگوید :  
" وصیتی دارید ، بنرمائید ، شما که مکرراً می‌گفتید من از  
مرگ ابایی ندارم و مرگ حق است " دکتر فاطمی در جواب می‌گوید  
" آری آقای آزموده مرگ حق است و من از مرگ ابایی ندارم  
و آنهم چنین مرگ پر افتخاری ، من می‌میرم که نسل جیسوان  
ایران ، از مرگ من درس عبرتی گرفته و با خون خود از وطنش  
دفاع کرده و نگارند جاسوسان اجنبی بر این کشور حکومت  
نمایند . من درهای سفارت انگلیس را بستم غافل از اینکه تا  
دوبار هست انگلستان سفارت لازم ندارد . " و در مورد خواسته  
قبل از مرگش می‌گوید  
خواسته من ملاقات با مصدق ، دیدن  
خانواده و صحبتی با افران است " و آزموده می‌گوید هنوز  
از این مرد دستبر نمی‌آوری؟ او قبل از اجرای حکم اعدام  
می‌گوید : " آقای آزموده ، مرگ بر دو قسم است . مرگی در  
رخواب ناز و مرگی در راه شرف و افتخار و من خدای را شکر  
می‌کنم که در راه مبارزه با فساد شهید می‌شوم و خدای را شکر  
می‌کنم که با شهادت من در این راه دین خود را به ملتست



او در زندان زمره می‌کرد :  
هرگز دل ما ز خصم در بیم نشد  
در بیم ز صاحبان دیهیم نشد  
ای جان بفدای آنکه پیش دشمن  
تسلیم نمود جان و تسلیم نشد

استعمار زده ایران ادا کرده‌ام و امیدوارم سربازان مجاهد  
نهضت همچنان مبارزه را ادامه دهند .  
خون گرم شهید فاطمی بر زمین وطن جاری شد و نم ششوف  
و انسانیت را آبیاری کرد و بعد از سالها به نر نشست و  
آرزوهای پاک او جامه عمل به خود پوشید و می‌بینیم اگر آنروز  
دکتر فاطمی اینگونه عارفانه و غریبانه به شهادت رسید  
امروز تمام جوانهای وطن همین حزنهای او را تکرار کرده و  
بخطورهای از سلطه استعمارگران حاضرند که خالصانه جان  
خود را فدا کنند ."

روحش شاد راهش پر رهرو باد

کاخ شهربانی آورده تا فاطمی را به قتل برسانند و بعد  
اعلام کنند که فاطمی به دست مردم شاهدوست کشته شد  
در این صحنه سازی وقتی دکتر فاطمی را از بازه های شهربانی  
بیدفاع و دستبند زده و فقط با یک محافظ پایش می‌آوردند شعبان  
بی مخ و دار دسته اش فرستاد " بکفیش " سردادت و با  
چاقو و قمه و ... به او حمله کردند ولی در زمین هنگام خواهر  
شهید فاطمی که خیر دستگیری او را از یاد یوشنیده ، خود را به جلو  
کاخ دادگستری رسانده بود خود را بروی دکتر فاطمی انداخت  
و ضربه های چاقوی ارازل و اوایش را از جان و دل پذیرا شد و  
دکتر فاطمی را از مرگ حتمی نجات داد . بعد از این جریان  
و ناکام ماندن توطئه دوبار دکتر فاطمی را به یک بیمارستان  
ارتشی منتقل کرده و او را که علاوه بر مرضی خود ، با ضربات قمه  
و چاقو هم از چند نقطه بدن مجروح شده بود ، مورد عمل جراحی  
قرار می‌دهند . حال او رو به وخامت گذاشته ، و پزشکان از قطع  
امید کردند . مرتباً خون استفراخ کرده و لیب به غذا نمی‌زدند .  
همه پزشکان می‌گفتند که فاطمی اگر امروز نمیرد ، فردا حتماً  
می‌میرد . ولی فاطمی نمرود ، نمرود نادرادگاه بسیاری از حقایق  
را افشا کند ، نمرود ، ناسد و حقه‌گری دیگری از شاه و دربار پانده  
با وجود حال وخیم دکتر فاطمی او را از بیمارستان به زندان  
منتقل کرده ، مورد بازجویی قرار میدهند . و بعد در زندان گناه  
فرمایشی که دادستانی آنرا سرزنش کرده به عهده داشت  
حکم اعدام برای او صادر گردید . و آخر در حراگاه ۱۹ آبان

(۱) - نقل از دستنویسهای دکتر فاطمی در کتاب با چشمی گرین  
تقدیم به عشق از انتشارات نهضت مجاهدین .  
(۲) - رجوع شود به مقاله دست مرموز در رتور دکتر فاطمی  
که بود ؟ در همین شماره نشریه راه مجاهد

آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است



# مطبوعات امریکا و جنگ

## مقدمه

برآنیم تا اعترافات نشریات معتبر امریکایی را در رابطه با جنگ ایران و عراق برشمرده و خط کلی آمریکا را استنتاج نماییم.

### ۱- گنجی غرب:

مدتی است بخصوص در این یک ماهه اخیر مطبوعات امریکایی گنجی خود اعتراف می کنند، به این ترتیب که تحلیل شخصی از آینده جنگ ندارند. ممکن است تصور شود برای ردگم کردن ما ست که چنین اعترافات را می نمایند. ولی با قرائن موجود، ما به یقین رسیده ایم که بالاترین مراکز تصمیم گیری امریکا دچار گنجی شده اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در کنفرانس امریکا از "تیرتیر" رئیس سازمان سیا سوال شد که چرا انقلاب اسلامی پیروز شد؟ مگر سیا مطلع نبود؟ او در جواب گفت چرا ما مطلع بودیم ولی اطلاعات رسیده به قدری زیاد بود که قدرت تحلیلی خود را از دست داده بودیم. به نظر ما وقتی انقلاب توده های حق طلب شتاب پیدا می کنند، مالتی بوجود می آید که باطل و کامیوتری های قدرتی تحلیلی خود را از دست می دهند. امام در پیام عید غدیر به گنجی صدام اشاره کردند. باید اضافه کرد که گنجی صدام، رابطه مستقیم با گنجی غرب دارد. نتیجه مهمی که از این اعترافات حاصل می شود این است که هر وقت دشمن دچار گنجی می تحلیل می آید، یک حرکت مصمم انقلابی قادر است چه در منطقه و چه در جهان، نقش تعیین کننده پیدا نماید. قاطعیت امام در ادامه بی وقفه جنگ بخصوص در سری پیام های اخیر از این جمله اند.

### ۲- خط پایان جنگ:

همچنین در ابلائی مطبوعات امریکایی ملاحظه می کنیم که آنها برای خارج شدن از این گنجی به حمله بزرگی از جانب ایران تن داده اند تا از حالت بیم و امید و سرگردانی درآمده و به تحلیل شخصی از آینده منطقه برسند. امید آنها این است که ایران در این قمار بزرگ، شکست خورده و توان جنگی همه جانبه خود را به یکباره از دست بدهد و دیگر جمهوری اسلامی نتواند از موضع قوی در منطقه دخالت نماید. و بیسم آنها این است که میباید ایران در این حمله بزرگ پیروز شده و قدرت اسلام و جمهوری اسلامی در منطقه و جهان فراگیر شود. خط پایان دادن به جنگ یکی دیگر از اعترافات مطبوعات امریکا از قول سران آن کشور است. آنها ادامه این جنگ چریک پرور را نه به سود خود و نه به سود اسرائیل و نه به نفع ارتجاع منطقه می دانند. به نظر ما این اعترافات جدی بوده و واقعاً با ادامه جنگ منافعتشان به خط افتاده است. اعترافات جرج شولتز، ریچارد مورفی، توافقی ریگان - گورباچف و تحرکات اخیر سران شوروی از این مقوله است.

به نظری رسد اگر ما دست به آنچنان حرکتی بزنیم که تحلیل شخصی از آن نداشته باشیم و خود به گنجی مبتلا شویم در خط غرب خواهیم افتاد. بایستی جنگ را بدون وقفه با "هدف های مشخص" و "محدود" ادامه دهیم.

### ۳- توقف جریان نفت به غرب و دخالت نظامی امریکا

مطبوعات امریکا تا سرف خود را از این که جنگ بطور جدی به جنگ نفت در خلیج فارس کشیده شده ابراز داشته و اعلام داشته اند که اگر جریان نفت شیوخ عرب به غرب قطع گردد، امریکا ناچار به دخالت نظامی است. برای اولین بار، مطبوعات امریکایی بررسی اشکال مختلف دخالت نظامی از جانب امریکا یا شوروی برداشته اند. (تحلیل کورتزمن - ۶/۱۳ - صدای امریکا)

مطبوعات غرب با زسی کشتی شوروی را در خلیج فارس توسط ایران خیلی بزرگ جلوه داده و خطشان تحریک شوروی به دخالت بود. شاهپور سختی را در آخرین سفر خود به امریکا چنین خطی را به امریکا داد و بدین مضمون گفت که اصل ۷ منشور سازمان ملل متحد ایجاب می کند که اگر کشوری به مصوبات سازمان ملل تن نداد، قدرتهای بزرگ دخالت کنند.

### ۴- روانشناسی جنگ:

مطبوعات امریکا عموماً "نظرشان این است که ایران به حمله بزرگی دست می زند و برای پیش بینی کار خود لایلی هم دارند از جمله قول مسئولین جمهوری اسلامی مبنی بریکسره کردن جنگ قبل از اینکه فشارهای نفتی تضادهایما برآدمان بزند و خرابد بیش از ۳۰۰ میلیون دلار اسلح سبک از چین و اعزامهای مستمر به جبهه ها و خط پایان جنگ در پایان همین سال و ... به لحاظ ظرافت روانی آنها حمله گسترده را امری بدیهی از جانب ایران گرفته و هر جمله ای کمتر از آن را پیروزی عراق قلمداد می نمایند و به شکل ظریفی وانمود می کنند که اگر ایران قدرت داشت به عملیات بزرگ دست می زد. و حال که به عملیات محدود پرداخته است، ناشی از ضعف و ناتوانی او در اجرای عملیات بزرگ است. خط مطبوعات امریکا این است که به صدام روحیه داده و ایران را به سوی قمار بزرگی بکشانند. البته مطبوعات انگلیسی پیروزی کربلای ۲ و ۳ را تک های گمراه کننده و مقدمه حمله بزرگ دانسته اند.

### ۵- حفظ صدام یا برکناری آن؟

در مطبوعات یک ماه اخیر امریکا، از امکان برکناری صدام سخن به میان آمده است و برای اولین بار تحلیل های مشخص تری ارائه می دهند. مثلاً "روزنامه کریشن" ساینزمانی طور مطرح کرده که در عراق سه آلترنا تیب وجود دارد:

بقیه از ص ۹ خط امام در کلام.....

وقت شرایط کثورتوری شد که باید همه روزه بگیریم... بایستی به ضرورت قناعت کرد هر کس قانع باشد، این عزیز است دیگر زیر بار آمریکا و شوروی نمی رود. اقتصاد نفت را باید برای خودمان طرح ریزی کنیم مگر کشورهای که نفت بفارند چه می کنند.

### انفجاری و بخش نقاط ضعف حرام است

کیهان ۶۵/۵/۴

آیت الله منتظری در دیدار با مسئولین آموزش وزارت اطلاعات: افرادی ممکن است در گذشته و حال، گناهی بالغزفی داشته باشند ما هر حق نداریم اسرار افراد را به دیگران بگوئیم و بر سر زبانها بیاوریم و یا مثلاً انفجاری بکنیم. اینگونه انفجاریها بخش نقاط ضعف افراد بهر نحو باشد حرام و خلاف شرع است و باید سر مردم محفوظ بماند همانگونه که خداوند سر احدی را فاش نمی کند. انسان مومن هم باید این نسبت خدا را در خودش پنهان کند و محافظ اسرار افراد باشد.

### راه مجاهد:

بمنظر میرسد با توجه به رهنمود های دیگر آیت الله منتظری تحلیل مواضع و انفجاری دستهای سرسوزی که در انحرافشان و لغزششان اسرار می ورزند و تلاش دارند بدون انقلاب خیزد و آنرا از داخل پسوک نمایند با غیبت بمنظور رسوای نمودن و تحقیر افراد تفاوت دارد.

### با مردم برخورد دلسوزانه داشته باشید

باید با مردم مدارا نمود اگر خلاف و گناهی از کسی دیده شد در برخورد با آن باید کاملاً اخلاق اسلامی و انسانی مراعات شود و به قول امام رضا (ع) باید با مردم مدارا شود. بعضی از این کارهای تندی که از بعضی مسئولین سر میزند اگر چه با حسن نیت هم باشد اثر معکوس در بین مردم وارد و مردم را به اسلام و انقلاب و مقام رهبری بد بین می سازد.

### الف - آلترنا تیبونیا دگرای اسلامی به رهبری آیت الله خمینی

ب - آلترنا تیبوملی گرابه رهبری بعثت سوریه

ج - آلترنا تیب شوروی یعنی ارتش عراق این روزنامه معتقد است در صورت فقدان صدام آلترنا تیب اول و دوم، یعنی ایران و سوریه توان بدست گرفتن قدرت کامل در عراق را نداشته بلکه این ارتش در حیط شوروی عراق است که با سازماندهی سرتاسری خود می تواند قدرت را در دست بگیرد. خط این روزنامه از سر مردن سه آلترنا تیب خطرناک برای امپریالیسم این است که سران امریکا را به حفظ صدام مصمم تر سازد.

روزنامه دیگری از امکان برکناری صدام سخن رانده و می گوید که بعد از برکناری صدام قدرت اسلام و جمهوری اسلامی سرتاسر منطقه را فرا خواهد گرفت و دیگر اینکه صدام با چنین امری موافق نبوده و مقامت خواهد کرد. لازم به تذکر است که صدام بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تحلیلی از کار شاه ارائه داد و به سران حزب

### بازور و ریختن وزن افراد کار اصلاح نمیشود

باید فرهنگ اسلام و انقلاب را در جامعه تحکیم و تقویت نمود تا جو عمومی جامعه به سمت خیر و صلاح پیش برود. بازور و ریختن وزن افراد کار اصلاح نمی شود. باین کارها نه منکرات از بین می رود و نه نظام تقویت می شود فقط جامعه را به سمت هرج و مرج شدن و تضعیف نظام میگرد.

### راه مجاهد:

بعضی از مسئولین معتقدند که تنها توسط مامورین دولت مسائل مانند تفکرات غلط می حجابی حل نمیشود و باید با حالت مردم و هیوه های همچون توبیخ کردن و کتک زدن این مسائل را حل کرد. آیایا توجه به نصایح آیت الله منتظری، هیوه زور و وزن افراد این مسائل را تهدید است و نظام را تضعیف می کند؟

امربه معروف بر زبان وظیفه عمومی است و در عمل بدان از طریق قانون

از قطعیات فقه ماست که امر به معروف و نهی از منکر اگر نیت از زبان و قلب که وظیفه عمومی است نیت به دست و برخورد عملی با منکر رسید بدون اجازه حاکم شرع یعنی حکومت اسلامی جایز نیست کسی خود سرانه اقدامی کند.

کیهان ۶۵/۵/۲۷

### هدف رفاه نیست، بلکه امتحان شدن برای کمالات است.

اصولاً قرآن هدف خلقت انسانها را خوشگذرانی و تنعم و در رفاه بودن ذکر نکرده بلکه هدف را امتحان شدن و تحمل شدائد برای رسیدن به کمالات معنوی ذکر کرده است.

### انفجار و ترور برای جلوگیری از اصلاح زندانها و عقوبت زندانیان

من تجربه کرده ام هر وقت مسئولین خواستند تصمیمی در مورد اصلاح زندانها و یا عقوبت زندانیان نادم بگیرند و کاری بکنند یک چنین انفجارها و ترورهای انجام میشود تا جو جامعه را به سمت خفونت بکشند و نگذارند مسئولین کاری کنند.

بعثت گفت: اگر من جای شاه بودم اولاً از مملکت خارج نمی شدم، ثانیاً "با مردم دوآلود و آبرخورد نکرده و آنها را درومی کردم، ثالثاً از شهری به شهر دیگر می رفتم و می کردم. رابعاً تمامی مراکز اقتصادی را از بین می بردم، خامساً "خمینی را از بین می بردم، با توجه به روحیه صدام است که غرب به سادگی نمیتواند مثل شاه با او رفتار کند. هدف روزنامه فوق از برشردن این دو مانع این است که سران غرب را به حفظ صدام ترغیب نماید.

امام در سخنرانی عید غدیر بدین مضمون گفتند که ترس من برای ملت عراق است که اگر صدام دیوانه شود به هیچ چیز رحم نخواهد کرد.

از سوی دیگر خط مطبوعات امریکا این است که به صدام بگویند که آلترنا تیبهای دیگری هم برای او وجود دارد تا او به رقابت افتاده و تلاش بیشتری در پیشبرد جنگ بنماید به عنوان مثال ریچارد مورفی گفته بود که من نمی دانم چرا عراق با این همه تجهیزات خود کارائی اش در جنگ کم است؟ چرا علیرغم برتری نیروی هوایی، عراق نمایش ضعفی می دهد؟ چرا علیرغم این که ارتش عراق در درده فرمانده تیپ و لشکر



مقدمه :

در شماره قبل بحث پیرامون استراتژی صوری و استراتژی واقعی را آغاز نمودیم . همچنین شرح دادیم که عده‌ای از نیروهای صادق فقط صورت مسائل و ظاهراتفاقات عملکرد های نظام را می بینند و بر اساس همین نگرش سطحی از انقلاب جمع بندی زده و آن را تعمیم می دهند و عملاً به خط مشی صوری دست می یابند . در مقابل آن عده‌ای دیگر خط مشی واقعی ، مکتبی را راهنمای عمل

خود قرار داده و صرفاً ظاهر و شکل مسائل را ملاحظه و برپه یابی قضایا قرار نمی دهند و دنبال شناخت واقعیت و جوهر اصلی مسائل هستند .

بدنبال این مرز بندی خط مشی صوری و خط مشی واقعی را حول چهار محور تاریخی شرح دادیم که عبارت بودند از : دوران شهید مدرس ، نهضت ملی نفت ، قیام ملی ۱۵ خرداد ، بعث عراق چپ افراطی یا راست انگلیسی . در این شماره به ادامه مطلب می پردازیم .

سیر مبارزات رو به رشد است نه رو به شکست

استراتژی صوری : در زمان شاه یکمده از تاریخ مبارزات اینگونه جمع بندی می کردند که انقلاب مشروطه آخرش شکست خورد ، میرزا کوچک خان شکست خورد ، نهضت ملی نفت شکست خورد ، ۱۵ خرداد شکست خورد و بالاخره سازمان مجاهدین نیز شکست خورد . اینها با این نحوه تحلیل به این جمع بندی میرسیدند که دیگر مبارزه فایده‌ای ندارد و هرگونه حرکت جدیدی هم به شکست خواهد انجامید .

استراتژی واقعی : در مقابل بینش فوق ، بینش مکتبی در دل شب ، سپیدی سحر و در دل هر ضربه تازیانه تکامل را می دید . بینش مکتبی معتقد بود که با وجود شکستهای ظاهری مبارزات ملت ما ، رشد و گسترش پیدا کرده و عمیق تر و مکتبی تر شده و هر حرکتی تکرار ساده نبوده است . بنابراین با شدت بیشتری باید به مبارزات ادامه داد .

دشمن اصلی ، ارتجاع یا لیبرال ؟

استراتژی صوری : شهید هادی ملک حسینی اوایل انقلاب هوادار رجوی بود ، سپس از آنها جدا شده و در نهایت در جنبه جنگ اسلا علیه ظلم کمپ دیویدی به شهادت رسید . او نقل میکرد ، هنگامیکه رجوی مطرح می نمود که پایگاه اصلی آمریکا در داخل ارتجاع است و شعار مرگ بر ارتجاع می داد ، برای من و عده دیگری از طرفداران او این سوال مطرح بود که چرا مرگ بر ارتجاع؟ لیبرالها که به آمریکا نزدیکتر هستند و بارها این سوال را از مسئولان میگردیدم او در جواب سکوت میکرد . تا اینکه یک روز در درگیری نیروهای حزب اللهی با مادر محل دانشگاه تربیت معلم زمانیکه بچه ها با سرود ست خونین وارد ساختمان میشدند مسئولان فریاد میزد شماها که می گوئید لیبرال یا ارتجاع این سر را چه کسی شکسته است لیبرال یا ارتجاع؟ بچه ها جواب می دادند : ارتجاع ، پس مرگ بر ارتجاع . او اینکار را مرتباً تکرار می کرد . آنروز دیگر این مسئله برای ما حل شد که ارتجاع دشمن اصلی است . ولی بعد با فهمیدیم که غلط بوده است . شهید هادی چنین تحلیل می کرد که مسئول ما با اینگونه برخورد ظاهری ، از احساسات افراد حاضر استفاده کرده و با شیوه جوسازی و عوام فریبی ، ارتجاع را دشمن اصلی انقلاب معرفی میکرد . در حالیکه دستهای بسیاری چه در جنبش و چه در نیروهای حزب اللهی بودند که به این درگیریها دامن میزدند .

# استراتژی واقعی مکتبی

## استراتژی صوری ، عوام پسند

### نگرش واقعی - نگرش سطحی

#### فصلیت دوم

توانست در اطلاعات سپاه نفوذ کند ، فردی بنام عباس زری باف بود . وی از طرف سپاه مسئول کنترل رفت و آمدهای بنی صد روز طرف سازمان رجوی مسئول فرار بنی صدر بود . او توانست بنی صدر و رجوی را فرار دهد وی مدتی هم در زندان این مشغول بکار بود و در حالیکه خود نفوذی رجوی بود ، بعنوان بازجو شهین هوادار رجوی را شکنجه میکرد . افراد دستگیر شده نیز در برخورد ظاهری با این فرد چنین برداشت می کردند که خط جمهوری اسلامی همین است و اما شیوه های غیر اسلامی را روا می دارد . در صورتیکه از ماهیت این فرد اطلاع نداشتند ، رجوی از این نگرش سطحی به نفع خود استفاده بسیار می کرد .

استراتژی واقعی : در این نگرش به صرف اینکسه فلان فرد در لباس سپاه یا روحانیت و ... شیوه های غیر اسلامی را اعمال می کند موجب این نمی شود که به اعمال او حجت شرعی بختیم و یا اینکه او را منتسب به اسلام و انقلاب اسلامی نمائیم ، بلکه معتقد است هر کسی در هر لباسی اگر شیوه های غیر اسلامی داشته باشد باید مورد بازخواست قرار گیرد و تقصیر هر کس را در حد خودش باید دید . البته هدف ما تهره مسئولین نیست بلکه باید به توان تاریخی افراد توجه شود .

عراق در خط شوری است یا آمریکا

استراتژی صوری : عده‌ای در تحلیل از جنگ ایران و عراق معتقدند که چون شوری به عراق اسلحه داده و کمک نظامی خود را حتی بعد از جنگ عراق بر علیه ایران

که از جانب نیروهای خط امام نسبت به انجمن ضد بهائیت شد و بیانات امام نسبت به انحراف این دسته انجمن ضد بهائیت اعلان انحلال کرد ظاهراً هم تشکیلات این دسته منحل شدند این امر موجب گشت که عده‌ای ساده اندیش شده و بر حسب ظاهر اینطور قلمداد کنند که بالاخره آنها از صحنه انقلاب کنار گذاشته شده اند و دیگر مسئله‌ای نیست تا نگران باشیم . استراتژی واقعی : عده‌ای نسبت به انحلال ضد بهائیت ساده اندیش نشده و معتقدند که خط صوری فکری سیاسی انجمن می بایست در جامعه پاکسازی شود . والا انجمن هنوز هم نقش پنهانی در پشت پرده ایفا میکند و به صرف انحلال نمی توان امید داشت که افراد آن تزکیه شده و در اعمال و افکارشان تجدید نظر کرده و دست از انحرافشان برداشته باشند .

تبیین مارکسیسم از مبارزه

استراتژی صوری : مارکسیسم مبارزات مردم و تحولات اجتماعی را ناشی از تحولات اقتصادی و تولیدی جامعه می دانند و نقش انسان و انگیزه های برتر او را نادیده می انگارند . با این جهان بینی در خط مشی نیز مشاهده می کنیم اغلب دچار نوعی سطحی نگری و برخورد صوری با مسائل هستند . در مرحله عمل اغلب دنبال نیازها و شعار های ملموس تر و آشکارتر در جامعه حرکت میکنند . مثلاً در ایران شعار نان ، کار ، مسکن ، برای مردم ملموس تر است اما از طرفی نیازهای تاریخی و دراز مدت مستضعفین را از یاد برده و وجه بسادگی پایداری کردن آنها گام برمی دارند و نتیجتاً به عوامزدگی می افتند . در کردستان شعار خود - مختاری گرچه تبیین مارکسیستی ندارد و در جهت مبارزه با امپریالیسم هم نیست ، اما بدلیل اینکه مقبول و ملموس بود شعار گروههای مارکسیستی گردید .

استراتژی واقعی : در صورتیکه جریان مکتبی ، مبارزات ملت را نشأت گرفته از فطرت عدل طلب آنها می دانند و با دست گذاشتن روی نیازهای اصیل و تاریخی ملت ، آنها را بر علیه مستکبرین بسیج می نمایند . این جریان معتقد است مردم در طی بسیج اصولی حاضرند از ضروری ترین نیازهای مادی نشان هم بگذرند و نه تنها از نیازهای مادی

**خط مشی صوری ، عوام پسند**  
عده‌ای از نیروهای صادق فقط صورت مسائل ، و ظاهراتفاقات و عملکردهای نظام را می بینند و بر اساس همین نگرش سطحی از انقلاب جمع بندی زده و آنرا تعمیم می دهند .

**خط مشی واقعی ، مکتبی**  
این جریان ظاهر و شکل مسائل را ملاک تحلیل و ریشه یابی قضایا قرار ندهد ، و بدنبال شناخت واقعیت و جوهر اصلی مسائل می باشد .

تخلع نکرده است پس عامل اصلی جنگ ، شوری و کمونیستها هستند .

استراتژی واقعی : امام می گویند آمریکا شوری را هم بازی داده است . در واقع در جنگ میزانی از تسلیحات نظامی عراق را شوری تأمین می کند ولی عراق در خط غرب عمل می کند و نقش را هم غرب می برد ، پس در واقع شوری هم تابع منافع غرب شده است .

حالا حتی شوری هم پی برده عراق قبل از اینکه به شوری وابسته باشد سرسپرده غرب است . و اینکه غرب اجازه می دهد عراق با دلار نفتی اسلحه از شوری بخرد بدلیل چپ نمایی و نفوذ در نیروهای انقلابی منطقه است .

از انحلال انجمن ضد بهائیت ساده اندیش نشویم

استراتژی صوری : بیاد داریم که پس از افشاگریهای

شکنجه ، حربه رجویستها

استراتژی صوری : یکی از دستهای مرموزی که

موا برای انتخاب ذلت و یا شمشیر محصور کرده اند ، اما هیئات که من ذلت را برگزینیم امام حسین ع





# گشایش انقلاب کربلا همواره تابان است

معرفی قسمت‌هایی از تحقیق جمعی پیرامون

## نهضت حسینی و انقلاب اسلامی

در توشه‌گیری از قیام امام حسین (ع) تفکر بین‌اسلامی تحلیل‌های گوناگونی به‌حال ارائه داده‌اند و هر یک از زاویه‌های خود به این حرکت نگریسته‌اند.

با توجه به نقش نهضت حسینی در انقلاب و شهدای روزافزون این راه، این نیاز شده که نهضت حسینی را بهتر بشناسیم. استقلال از سلیقه‌ها و بینش‌ها واقعیت بودی‌آزاد را درک نمائیم. چنین نیازی بود که جماعتی مشتاق را برانگیخت تا به این مهم دست یازند. در این رابطه در سال ۱۳۶۰ تحقیقات جمعی مدونی انجام شد که اکنون فرصت و امکان چاپ آن بدست آمده است. این تحقیقات در چهار مرحله انجام گرفته است:

۱- مقدمه: سعی شده با توشه‌گیری از معانی عرفه، بینش و منطق خود امام حسین شناخته‌شده و با آن ملاک و بینش به نهضت حسینی نگریسته شود.

۲- در مرحله بعد به انگیزه و ضرورت روری نهضت حسینی پرداخته شده است.

۳- سپس با بررسی تواریخ و منابع مختلف و تطبیق آنها با یکدیگر، شیوه‌ها و خط مشی امام حسین (ع) از لایه‌های مختلف و ابیات روشن تر گردیده است.

۴- و نهایتاً با همان معیارها و ملاکها نهضت و مراحل آن بطور تفصیلی توشه‌گیری شده است.

بر آن شایسته مناسبت محرم و مفروضات انقلاب، عناوین مرحله دوم این تحقیقات را که حاوی انگیزه‌ها و ضرورت توشه‌گیری حسینی میباشند شرح و تفصیل بیاورید امیدواریم که در آینده بتوانیم این توشه‌گیری‌ها را بطور کامل در اختیار شما قرار دهیم. نهضت حسینی بگذاریم. و در هر شماره به معرفی قسمتی از این تحقیقات بپردازیم.

### فهرست

- ۱- شناخت شیوه‌های امام حسین (ع) انگیزه و خط مشی آزادی‌قدس را عمیق می‌بخشد.
- ۲- پاسخ به نیاز امام حسین و حفظ امامت از یک طرف و تداوم حرکت اسلامی از طرف دیگر، کدامیک را انتخاب کنیم؟ (مشکل سازان امام حسین در موقع طرد بیعت در حرات سوا)
- ۳- انقلاب در روش تفقه حوزه‌ها - مرز بندی فقه امام حسین (ع) و فقه شریع‌قاصی
- ۴- نهضت امام حسین (ع) الهام بخش درک صحیح رابطه بین امام و امت - تعالی با اجتهاد و تقلید
- ۵- فقه جعفری تداوم فقه حسینی - انقلاب آموزشی در حوزه‌ها
- ۶- نهضت امام حسین ره‌گشای تفقه در

- ۷- جبهه‌ها - بررسی و تعالی تفقه در حوزه‌ها
- ۸- نهضت حسینی و انقلاب در روش تفقه حوزه‌ها - نقطه شروع انقلاب آموزشی
- ۹- فقه سنتی پیوی چهارده معصوم
- ۱۰- لمبیک به امام خمینی در پاکسازی معارف اسلامی از کتا بهای ارسطو
- ۱۱- از امام حسین (ع) به خودمان برسیم
- ۱۲- شیوه درست به خدمت گرفتن امور فرعی در جهت تحقق امر اصلی
- ۱۳- استفاده شرایط در جهت هدف مکتبی
- ۱۴- مراحل رشد انقلاب اسلامی از شهادت ظلمی تا زندگی اخروی و شدت نیاز به منطق توحیدی امام حسین (ع)
- ۱۵- نیاز به مقاومت کربلایی و مستمر در برابر توطئه‌های علیه انقلاب اسلامی
- ۱۶- با الهام از نهضت حسینی روش برخورد خود را با کلیه نظام‌های طاغوتی تنظیم نمائیم - رابطه نهضت و نظام
- ۱۷- مبارزه با انفعال
- ۱۸- رمز دورا انقلاب حسینی، روش آموزش و برخورد با نهضت‌های آزاد دینیش
- ۱۹- بررسی کربلایی جنگ چریکی
- ۲۰- رابطه انقلاب و خانواده
- ۲۱- نهضت حسینی و میزان رابطه با دشمن
- ۲۲- نیاز به شیوه صحیح مقابله با تروریسم
- ۲۳- حسین (ع) وارث آدم، حل‌کننده تضاد شیعه و سنی
- ۲۴- نهضت حسینی و پاسخ به یکی از نیازهای انقلاب، انجام بین شیوه‌ها و اصول
- ۲۵- نیاز به امام شناسی جهت تقرب به‌ترین خدا، فعال شدن در انقلاب اسلامی و مبارزه با دست‌های مرموز
- ۲۶- نهضت حسینی، رمز سیخ توده‌ها و حفظ امامت
- ۲۷- لزوم تعالی نیروها و مرز بندی بین نیروهای انقلابی و عاقبت طلب
- ۲۸- پیوند مکتب قرآن با سنت اولیا و انبیا
- ۲۹- پیوند سنت و مکتب
- ۳۰- نهضت حسینی، عمل صالح و تعداد شهدا
- ۳۱- عاشورا و کربلا رهنمودی است برای همه زمانها و مکانها
- ۳۲- نهضت حسینی و مبنای اخلاق اسلامی
- ۳۳- جوشش سیاست از متن عبادت
- ۳۴- ائمه " اسوه و سرمشق عمل ما بنده" یا " پدیده خالص و استثنائی "؟
- ۳۵- نیاز به رابطه مستمر با ائمه اطهار
- ۳۶- امام حسین (ع) چراغ هدایت و کشتی نجات (ان‌الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه)

بقیه از ص ۲۹

**مطبوعات آمریکا و .....**

مقاومت خوبی در برابر نیروهای ایران می‌نماید ولی در مراکز تصمیم‌گیری اینطور نیست؟ چرا وقتی ارتش عراق نیروی عظیمی برای ضحمله لفا و آماده کرده بود، دستور حمله از جانب صدام صادر نشد؟ (واشنگتن پست ۱۵ شهریور) سران آمریکا از طریق مطبوعاتشان به صدام خط می‌دهند که اگر خوب ننگید، کنار خواهید رفت. به عنوان مثال در چندین مورد از برتری روانی و اعتماد به نفس و عزم و اراده ایران به حمله بزرگ سخن رانده و به عراقی‌ها می‌فهمانند که شما قادر به پیروزی نبوده‌اید و در صورت عزم و اراده پیروزی تان این است که جلوی پیروزی ایران را بگیرید. از اینجا به بعدش با مطبوعات غرب است که هرگونه مقاومت عراق را در برابر تهاجمات ایران نوعی پیروزی قلمداد کنند.

پس نتیجه می‌گیریم که از یک طرف جوهره غرب حفظ صدام بوده ولی از طریق مارک زدن به شیوه پلیس سیاسی او را ترغیب و تشویق می‌نمایند که بهتر بجنگد و از طریق برشمردن آلت‌رنا تپوها و می‌دماغ‌های دیگر برای صدام، او را به رقابت و کار بیشتر دعوت می‌نمایند. از طریق برشمردن تضاد ژنرال‌ها با او سعی دارند که او را به مقاومت بیشتری در برابر ایران واداشته و از همه تجهیزات و سلاح‌های خود

حداکثر استفاده را بنمایند. همچنین از طریق برشمردن مشکلات ایران سعی دارند تا روحیه صدام را بالا برده و او را به ادامه جنگ تشویق نمایند. این مشکلات را به صورت زیر ردیف می‌کنند.

الف - کاهش قیمت نفت و تاثیر آن روی جنگ و واردات

ب - فشار جنگی عراق و زدن منابع نفتی و اقتصادی

ج - تروریسم داخلی و انفجارات پیاپی در مراکز جمعیت

د - نارضایتیها

ه - تضاد ارتش و سپاه در رابطه با حملات موج انسانی

و - مطرح کردن اختلاف بخش خصوصی و دولتی

شیوه دیگر خط دادن مطبوعات آمریکا برشمردن نارسائی‌های ارتش عراق است تا آن را جبران نماید. مثلاً "نقطه قوت‌های ایران را در جنگ اعتراف می‌کنند تا عراق نیز آن را انجام دهد که بدلیل امنیتی از ذکر موارد آن پرهیز می‌کنیم.

در نتیجه گیری نهایی از بررسی مطبوعات آمریکا با توجه به رشد در این مرحله از انقلاب و دفاع مقدس و در نظر گرفتن اعتماد به نفس و برتری روانی ما و عدم اطمینان صدامیان به خود بهترین راه عملیات محدود، بی‌امان و سرتاسری در یک جنگ دراز مدت می‌باشد.



### معرفی دو کتاب

۱- اخیراً "کتابی بنام" خاطرات و التامات مصدق" به چاپ رسیده است. این کتاب به قلم مرحوم مصدق بوده و شامل خاطرات و وجه بندی ایشان از نهضت ملی می‌باشد. چاپ آن از انتشارات "علمی" است.

۲- "افول یک مبارز" این کتاب مبتنی بر دو فصل است، فصل اول آن مواضع و خط مشی دکتر مظفر بقایی است و فصل دوم آن نقدی بر وصیت‌نامه سیاسی او می‌باشد.

بقیه از ص ۲ اسلام در خطر است هم یک انگشت از آن را می‌خورد و خوبی آن را تا بی‌بسی می‌کند. مردم هم عمل او را خوب می‌خریدند. عمل فروش بعد از چند روزی فکر میکند حالا که عمل‌ها خوب فروش می‌شود دیگر چرا هر روز این روحانی یک انگشت از عمل بخورد. از آنرو به بعد عمل را پیش روحانی نمی‌برد پس از چندی مردم دیگر عمل نمی‌خرند. عمل فروش دوباره روحانی شهرمی رود. روحانی می‌گوید مردم عمل تو را به خاطر همان یک انگشت من می‌خریدند. اگر آن انگشت نباشد که عمل تو اعتباری ندارد. واقع این است که انجمن هم برای فروش عمل خودش به روحانیست متمسک می‌شود و بی‌بسی با روحانیست شیوه‌ای است برای حفظ خود.

بقیه از ص ۴ دست‌های مرموز و .....

۲) معرفی شیوه‌های دست‌های مرموز برای تزکیه شیوه‌های غیر اصولی از درون انقلاب تا در آینده وجود این شیوه‌ها به عنوان پله‌هایی برای ورود خزنده این عناصر به نظام جمهوری اسلامی نگرند.

۳) انتشار اسناد دست‌های مرموزی که در شرایط کنونی در تشدید و تقویت‌ها و دامن زدن به اختلافات نقش دارند. این حرکت باعث میشود جوهر اختلافات شناخته شده و از تشدید اختلافات داخلی کاسته شود.

۴) محاکمه و مجازات کسانی که در پیوند با این دست‌های توطئه‌گر ضربات زیادی به انقلاب زده‌اند.

۳۶- نیاز به شناخت امام حسین (ع) به عنوان مکتب‌پایه شده - کار روی سنست امام حسین (ع) جهت استحکام و پایداری

۳۷- امام حسین (ع) را از نو باید شناخت

۳۸- چرا کار روی ائمه اطهار را از نهضت حسینی شروع می‌کنیم؟

۳۹- "عاشورای اختیاری" امام حسین (ع) و نقدی بر "بیعت اضطراری"

۴۰- سردار ساسی، کادرسازی، همه جا نیکی نهضت حسینی

۴۱- نیاز به شیوه‌های تشکیلاتی امام حسین (ع)





# پاسخ به خوانندگان

ضمنا توجه شود که اغلب شرایط فعلی را با شرایط بسیج عمومی مردم در اوج انقلاب مقایسه می کنند و در واقع قبل از قیامهای عمومی قدری فراموش شده است. در آن موقع زندگی مصرفی، اشرافی گری، کاباره رفتن، مشروب خوردن، سیگار برگ کشیدن، روابط غیر اخلاقی، فریب دختران و جوانان و... جزو افتخارات هر جوانی در آمده بود و قبح آن ریخته بود.

نکته آخر اینکه برای مبارزه با فساد و ایجاد جو سالم بایستی با همان جریانات ضد بسیج و عامل یاس و انفعال مبارزه کرد. وقت کنید که همین ادعای فوق نیز در جهت ایجاد یاس و پشیمانی نسبت به انقلاب است.

\*\*\*\*\*

سؤال: در شماره ۳۶ شما نظر امام خمینی را درباره مسلمان بودن مرحوم دکتر مصدق نقل کردید. کار بسیار جالبی بود اما چرا حالا و اینقدر دیر؟ گذشته از این سؤال برای من بوجود آمده که اگر نظر امام خمینی اینست چرا بطور علنی مطرح نکردند و خصوصی گفتند؟

جواب: اولاً در مورد علنی گفتن ایشان نگفته اند که این حرف خصوصی است و جایی نقل نشود. آنها که شنیده اند می توانستند آنرا در رسانه های عمومی مطرح کنند کما اینکه خیلی ها شنیده های خود را از امام نقل میکنند اما در مورد اینکه خود امام خمینی این مطلب را در سخنرانی بگویند خواست پیشنهادتان را باز کرد دلیل برای ایشان بنویسید مسلماً ایشان به حرف حق توجه خواهند کرد. ما نیز اجمالاً حرف شمارانوشتم که حتماً به گوش ایشان میرسد.

اما اینکه چرا حالا نوشتیم؟  
اولاً: با وجود اینکه پس از شنیدن خبر، استاد فارسی گفتند که نقل قول کنیم یا شفافی آن در روزنامه اشکالی ندارد، این کار انجام نشد و علت آن هم گرفتاریها و اهمال برادر میثم بود. لیکن برای صاحب نظران و نیازمندان بطور مکرر در این مدت نقل قول شفاف شده بود.

ثانیاً: مشاهده کردیم جریاناتی میگویند یک دو قطبی در جامعه بین امام خمینی و دکتر مصدق ایجاد کنند و تحت لوای امامپور و جانیته دعوی مصدق-کاشانی راه اندازند و با این دو قطبی کردن، تضاد واقع انقلاب را سرپوش گذارند. حال آنکه نه خط مشی آیت زنده آنها هستند.

بقیه در ص ۲۷

عملی تحقق دهیم و عدم انسیام وضعف و نقصان را در این مسیر و لسو کوچک، بی-اهمیت نشماریم.

اما از اینها گذشته ما اصولاً خواستار آن بودهایم و هستیم که روحانیت اصیل با دستاوردهای مایخورد ارشادی بنمایند و از هدایت و نظارت آنها هم ابائی نداشته ایم.

\*\*\*\*\*

سؤال: عده ای می گویند فحشا، فساد و منکرات از دوره شاه بیشتر شده است منتهی آنزمان علنی بود و عیان، حالا مخفی و پنهان، نظر شما چیست؟

جواب: گرچه این ادعا خود نیاز به دلیل و آمار و رقم واقعی دارد که مدعیان ندارند اما چنانکه رادار این قیاس بایستی در نظر گرفت:

از حق نگذریم در گذشته رهبران حکومت خود را چار فحشا و منکرات بودند و نه تنها مانع نمی شدند بلکه زمینه ساز و تسهیلات لازم را فراهم می کردند و بارهبران انقلاب نمی شود قیاس کرد.

نکته دوم اینکه ریشه اصلی فساد و منکرات "یاس"، "بی تفاوتی و انفعال" در جامعه است. خط مشی رژیم شاهنشاهی و ساواک شاه اساس بی تفاوت کردن جوانان نسبت به مسائل اساسی مملکت بود که این خود منشا مفاسد می باشد.

انکون نیز آن جریاناتی عامل گسترش فحشا و منکرات می باشند که می کوشند مردم را از بسیج بیاندازند، بد بین کرده و بی تفاوت نمایند نه رهبران انقلاب که مستمراً سعی دارند نیروها را از بی تفاوتی و منفعل بودن بازدارند. اگرچه برخی از آنها شیوه مقابله با انفعال را کاملاً ندانسته و به انفعال جوانان که ناشی از شیوه های غیر اسلامی در زندانها بود توجه ندارند که الحمد لله آیت الله منتظری در تلاش شبانه روزی برای اصلاح زندانها هستند.

خوانندگان ندانید؟ آیا دولت مانع میشود یا خودتان بفکر نبودید؟ بهر حال من سئوالاتی دارم به چه کسی مراجعه کنم؟

جواب: اولاً روزنامه های دیگر خیلی چیزها دارند که قابل قیاس با ما نیستند داشتن دفتر منع قانونی ندارد، بیشتر با ضیق امکانات و مشکلات دیگر روبرو بوده ایم که انشا الله با امید به ذات باری و همت عالی رفع گردد. فعلاً میتوانستیم سئوالاتتان را برایمان بفرستید. ضمناً اگر محلی با کرایه مناسب سراغ دارید ما را در جریان بگذارید.

\*\*\*\*\*

سؤال: آیا بر کارهای شما روحانیت نظارت دارد؟ اگر نظارتی نیست چه تضمینی وجود دارد که شما هم منحرف نشوید و مانند بچه ها دین منحرف شدن؟

جواب: برادر تاجانیکه ما فهمید ایم هیچ کس نمیتواند تادم مرگ تضمین بدهد که امکان انحراف ندارد و شما هم بدنیال چنین تضمین و بیمه ای نگردید. انبیا با همه تقوایشان دعوی کردند "ربنا لا ترغ قلبینا... خدایا قلب ما را بعد از اینکده هدایت کردی از کژی نگه دار، تاجچه رسد به ما!

ثانیاً: آیا صرف وجود روحانی در یک جریان و یا نظارت روحانیت امکان انحراف را از بین می برد؟ اگر چنین بود برخی مراجع و روحانیون بدام جریانهای انحرافی وضد انقلاب نمی افتادند. اگر وقت کنید در اکثر جریانات انحرافی هم روحانیون حضور و نظارت داشته اند. مثلاً انجمن ضد بهائیت جریان رجوی، فرقان، کودتاچی ها، سلطنت طلبان و غیره.

ثالثاً: بنظر می رسد راه جلوگیری از انحراف پایبندی به اصول و مکتب اصیل اسلام در همه زمینه ها و شیوه ها است و اینکه خدا اوصاف خدا را مبتدای تعقل و تفکر قرار داده و در شیوه های

غالباً پیرامون مطالب نهریه سئوالاتی از طرف خوانندگان مطرح می شود که بهتر دیدیم این سئولات را همراه پاسخ کوتاهی به آن در نهریه منعکس کردیم.

این امر فریاد زیر را در بر دارد.  
اولاً - خوانندگان با وجود رون جامعه و نیازهای فکری مردم بهتر آشنا می شوند ثانیاً - چنانکه انتقادی به نهریه وارد باشد به شیوه درستی طرح و تصحیح میگردد.

ثالثاً - مطالب نارسا و مبهم مشخص شده و توضیح داده می شود.

سؤال شده است: برخی در مورد شما میگویند، اینها از نظراید کولوزی فرقی با منافقین ندارند و آخرش هم به خط آنها می رسند. فقط از نظر سیاسی موضعگیری شان فرق میکند و در تائیک اختلاف دارند و پیچیده تر از آنها هستند. شما در این باره چه نظری دارید؟

جواب: برادر خوب میدانید منافق در جو مخدوش و پاشیوه های مارک و برچسب زدن میتواند ادامه حیات بدهد و از روشن شدن حقایق گریزان است. لذا هر ادعایی بدون دلیل و برخورد های لفظی و صوری دردی از انقلاب دوان نمی کند. انکون برای قضاوت واقعی درباره این ادعای قدری زحمت لازم است. پیشنهاد می کنیم "آن برخی خود شما برادر عزیز یکبار کتابهای اید کولوزیک ما مثل کتاب "مینا وجود"، "دانشگاه مدرس" و "مکتب راهنمای عمل" و شرح آنرا مطالعه فرمائید. سپس بطور مستدل و مستند چنانچه انتقادی بفرمائید موجب رشد و هدایت خواهد بود.

\*\*\*\*\*

سؤال: همه روزنامه ها اداره و دفتری دارند. چرا شما محلی و دفتری برای مراجعه

ماهیچه

توسط انتشارات راه مجاهد

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

تاریخ انتشار: ۱۳۶۵

تلف: ۱۷۱۸۵/۵۴۴

آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۸، طبقه دوم

پروانه رسمی انتشارات راه مجاهد

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

تاریخ انتشار: ۱۳۶۵

تلف: ۱۷۱۸۵/۵۴۴

آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۸، طبقه دوم

## نمونه اشتراک

از کلبه برادران و خواهران که علاقه مند به اشتراک نشریه "راه مجاهد" هستند، خواهشمندیم تقاضای کتبی خود را به صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ تهران ارسال دارند. بجای اشتراک:

شماره	۱۲
ریال	۱۲۰۰
شماره	۶
ریال	۶۰۰

لطفاً وجه اشتراک را در شعب بانک صادرات به حساب پس انداز قرض الحسنه شماره ۴۹۸/۶۰۰۲۹ بانک صادرات میدان تمام به نام لطف... مینمی حواله نموده و فتوکپی آنرا به آدرس بالا ارسال نمائید.

با گروه های دیگری که مسلمان هستند و استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی را میخواهند تفاهم داشته باشید امام خمینی